

# ایران‌شهر

شماره سوم، ژانویه ۲۰۱۳

IRANSHAHR Magazine

Is published by Ketab Corp.

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی

زیر نظر شورای نویسندگان

مشاورین بازرگانی: شیدخت حکیم زاده،

مهتاب خواجه خلیلی، پروین وجدانی

ناشر: شرکت کتاب

KETAB Corporation

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024. USA

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.iranshahrweekly.com

ketab1@ketab.com

© Copyright 2013

- مطالب منتشر شده در ایران‌شهر نشانگر عقیده و آرای نویسندگان آن است و الزاماً رای و نظر ایران‌شهر محسوب نمی‌شود.
- مسئولیت صحت محتوای آگهی‌های منتشر شده در این ماهنامه با صاحبان آگهی است و ایران‌شهر در این خصوص مسئولیتی ندارد.
- استفاده از مقالات، طرح‌ها و ایده‌های منعکس شده در این مجله فقط با اجازه کتبی امکان پذیر است.
- ایران‌شهر در حک و ویرایش مطالب وارد مختار است.
- مطالب و تصاویری که برای ما می‌فرستید مسترد نمی‌شود.



اپلیکیشن Scan را روی

گوشی‌های هوشمند تلفن همراه

خود دانلود کنید و سپس از

طریق بارکد ویژه روبرو به خانواده

ایران‌شهر در اینترنت پیوندید و

به راحتی نسخه ویژه تلفن همراه

ایران‌شهر را به رایگان دریافت کنید.

فال حافظ:  
چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست  
سخن شناس نه‌ای جان من خطا این جاست  
سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید  
تبارک الله از این فتنه‌ها که در سر ماست  
در اندرون من خسته دل ندانم کیست  
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

## در این شماره

- ۴ سر مقاله / بیژن خلیلی: نه به جنگ نه به جمهوری اسلامی
- ۶ صفحه ویژه / مهدی آقامانی: مغر شویی به سبک جمهوری اسلامی
- ۸ پرونده / خسرو سمنازی: قمار هسته‌ای آیت الله
- ۱۶ پرونده / خلاصه پژوهش قمار هسته‌ای آیت الله
- ۲۰ پرونده / علی نیری: اتم برای هیچکس زمین برای همه
- ۲۴ پرونده / مجید محمدی: برنامه‌اتمی جمهوری اسلامی و سوء تفاهم‌ها
- ۲۸ پرونده / افریبار نیکبخت: آیا جنگ چیز خوبی است؟
- ۳۰ پرونده / اربارویی نظامی و هزینه آن برای آمریکا
- ۳۱ پرونده / امیر فصیحی: تنها راه جلوگیری از جنگ
- ۳۲ پرونده / حسین موسویان: ۱۰ دلیل که ایران بمب اتم نمی‌خواهد
- ۳۴ پرونده / مجید محمدی: ۱۰ دلیل که ایران بمب اتم می‌خواهد
- ۳۶ پرونده / رضا تقی زاده: ۱۰ دلیل که موسویان خلاف می‌گوید
- ۳۸ پرونده / برنامه اتمی ایران: تغییر جهت باد؟
- ۴۲ روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران
- ۴۶ حقوق بشر / جنایت جوباره اصفهان
- ۴۸ اقتصاد و بین الملل / امین اکبریان: سوریه معمای بزرگ پس از ...
- ۴۹ اقتصاد و بین الملل / امین اکبریان: بازهم کشتار بی گناهان
- ۵۰ یک سبد حکایت / محمود افهمی: فوت کوزه گری
- ۵۲ سفر در آمریکا / مهدی آقامانی: ایالت مریلند
- ۵۴ فرهنگ و هنر / محمدرضا شفیعی کدکنی: آسیب شناسی نسل ...
- ۵۶ فرهنگ و هنر / پیرایه خلیلی: خشونت ورزی مردان و پایداری زنان
- ۵۸ در قلمرو فرهنگ / تفاوت‌های مسیحیت با یهودیت
- ۶۲ داستان طنز / حسین لی: اندر باب اینتلجنس سرویس و دربار
- ۶۶ تاریخ معاصر به روایت تمبر / پرویز کاردان

ما باور داریم آگاهی مقدمه آزادی است

برای پشتیبانی از ما، ایران‌شهر را مشترک شوید



نگاهی به کوتاهی روشنفکران در قبال حقوق اقلیت‌های دینی ایران:

طبقه‌بند  
از کتاب ه  
به این که  
را که از  
طبقه بند  
اجتماع  
۱- آخو  
ضمن ملا  
زمان را ب  
۲- بازار  
هوایم  
ظهور کن  
هیئت ها  
برایش پر  
عمده ایر  
آدم می  
۳- بس  
آدم هم  
۴- بق  
چه زود

بتوانند برای همدیگر SMSهای سکسی بفرستند و همدیگر را دست  
بیاندازند و به نژادهای مختلف بخندند. موسیقی مورد علاقه این  
طبقه افتخاری و داریوش و ابی است. آنها شریعتی و سروش را هم  
خیلی دوست دارند.

۵- فرهنگیان (روشنفکران- نویسنده‌ها- دانشجویان - هنرمندان  
و ... که در آخرین طبقه اند) که از بس کُتک خورده‌اند دیگر منتظر  
هیچ چیزی نیستند.

البته خانمها هم که در نظام اسلامی کلا سانسور می‌شوند، پس نقش  
نخودی دارند و به همین دلیل در این طبقه بندی نمی‌گنجد.

در این مجموعه طبقه‌بندی اجتماعی که در بالا خواندید و خالی  
از مزاح هم نیست تکلیف ما با حاکم ستمگر که امروزه آخوند است  
و بسیجی و پاسدار و بازاری که منافع اقتصادی جامعه را می‌برند  
و می‌چاپند روشن است که ما از آنها انتظاری نداریم و قرار نیست



ولی با ساز حاکم مستبد و آخوند ستمگر و نظامی و بسیجی و پاسدار  
آدمکش همراه است و بر طبل اقلیت ستیزی می‌کوبد.

در تمامی طول تاریخ مکتوب زبان فارسی دری علیه گبر (زرتشتی)،  
ترسا (مسیحی)، جهود (یهودی) نوشته‌اند و به آنها انواع تحقیرها  
را روا داشته‌اند و از هیچ بی‌احترامی فروگذاری نکرده‌اند. اگر



## نکته به نکته مو به مو

دگراندیشان دیگری هم به مانند بهایی‌ها سرو کله‌شان پیدا شده آنها را نیز بی‌نصیب نگذاشته‌اند. حتی آنها را به بالای فهرست لعن و طعن و نفرین افزوده‌اند و از بام تا شام بر طبل‌اشان علیه آنها کوبیده‌اند که «همین تفکر مذهبی که به صورت فرموله شده و در قالب سوره و آیه و آموخته در کتاب تلمود موجود است به یهودی اجازه می‌دهد که دروغ، وقاحت، بی‌شرمی، بی‌اخلاق، ناپایبندی به بدیهیات انسانی،

\$ 150	\$ 120	\$ 60	۱۲ شماره	CITY: _____
----	-----	-----	-----	STATE: _____
				ZIP CODE: _____
				TEL: _____

شما می‌توانید با انتخاب گزینه مورد نظرتان در جدول اشتراک وجه آنرا از طریق چک به حساب KETAB CORP. پرداخت نمایید و یا با تماس با ما از طریق کارت‌های اعتباری خود وجه مورد نظر را انتقال دهید. لازم به ذکر است شرایط ارسال و زمان دریافت مجلات تابع شرایط پست ایالات متحده خواهد بود.

اینجانب ..... ضمن مطالعه اطلاعات فوق، متقاضی اشتراک مجله جدول ایرانشهر از شماره ..... برای مدت ۱۲ شماره می‌باشم.

امضا

برای اشتراک، فرم فوق را تکمیل نموده و به همراه چک به آدرس مجله ارسال فرمایید و یا با دفتر مجله تماس بگیرید



# مغز شوپی به سبک جمهوری اسلامی

دکتر مهدی آقازمانی (جامعه‌شناس)



نمونه‌ای از سودجویی مقامات جمهوری اسلامی از کودکان در تبلیغات سیستماتیک حکومتی برای ارائه جلوه معنوی از علی خامنه‌ای

نمی‌فرستند که راهی بهشت شوند؟! یا نمایش می‌دهند که فرستاده اند؟ با پایان دوران جنگ آرام آرام نیاز به آن تبلیغات هم مرتفع شد و در سال‌های جوانی تنها چیزی که خیلی زود رنگ باخت و در همنشینی با معلولان (جانبازان) جنگ خود نمایی کرد، این بود که بهشتی که از آن سال‌ها به یادگار مانده است تن‌هایی علیل و جسم‌هایی مجروح و خانواده‌هایی داغدار است.

اما این روزها شاید نزدیک به دو دهه پس از سال‌های جنگ بار دیگر دستگاه مغزشویی جمهوری اسلامی مشغول به کار است.

شعارهای «جنگ، جنگ تا پیروزی» و «راه قدس از کربلا می‌گذرد» جای خود را به «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» داده است. آن هنگام صدام مظهر کفر و نفاق بود و جهاد وظیفه هر مسلمانی؛ و اکنون رسیدن به انرژی هسته‌ای تنها وظیفه حکومتی است که هنوز بعد از گذشت مدتی مدید مردم زلزله زده آن در چادر روزگار می‌گذرانند و از زندگی سخت خود جز درگاه خدا پناه‌گاهی ندارند.

مسئله خیلی ساده است. تمامی نظام‌های بنیاد گرا برای قوام خود نیاز به سوژه‌ای دارند تا با کمک تبلیغات و براه انداختن شور و هیجان بتوانند موجب از خودگذشتگی و ایثار هواداران خود به خاطر یک اصل اعتقادی باشد. حال این اصل اعتقادی می‌تواند جنگی باشد که میلیون‌ها کشته،

من که فقط چند سالی پیش از وقوع انقلاب ۱۹۷۹ در ایران به دنیا آمده‌ام طبیعی است که زیباترین سال‌های کودکی و نوجوانی‌ام را در خلال سال‌های پر آشوب و جنگ دهه شصت خورشیدی در ایران سپری کرده باشم. سال‌هایی که شعارهای انقلابی، تبلیغات جنگی و تشییع تابوت کشته شدگان جنگ (تحت عنوان شهدای دفاع مقدس!!!) در حیاط دبستان‌ها رواج داشت. سال‌هایی که کوچه‌ها و خیابان‌های شهرهای مختلف ایران یکی پس از دیگری اسم عوض می‌کرد و در هر کوچه و خیابانی نام جوانی که در جبهه جنگ ایران و عراق از آن کوچه و خیابان کشته می‌شد به تابلوی آن خیابان تبدیل می‌گشت.

برای من روزهای پر شور دبستان به جای آنکه با شعرهایی چون «صد دانه یاقوت دسته به دسته...» و با «باز باران با ترانه...» عجین باشد، با شعرهایی چون «جنگ جنگ تا پیروزی» و یا «راه قدس از کربلا می‌گذرد» عجین شده است.

پروپاگاندای رژیم تازه به قدرت رسیده در ایران چنان با تصویری بهشتی از کشته شدن در جبهه‌ها پیوند خورده بود که مادرانی را به خاطر دارم که فرزندان‌شان را می‌فرستادند جبهه تا شهید شوند و به بهشت روند و در همان دوران بود که یک سوال مادرم در ذهن کودکانه من این دیوار تبلیغاتی را خراش می‌داد و آن اینکه چرا خود این آخوندها بچه‌هایشان را جبهه





نمونه کتاب‌های منتشر شده برای شست و شوی مغزی کودکان



نمونه کتاب‌های منتشر شده برای شست و شوی مغزی نوجوانان

انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست گلویش را پاره کرده!!!  
سیستم تبلیغاتی رژیم روی کودکان در این میان حساب ویژه‌ای باز کرده است و با شدت در حال بمباران تبلیغاتی کودکانی است که برای ورود به جامعه کم و بیش هنوز باید بیست سالی تامل کنند. بیست سالی که معلوم نیست در آن چه حوادث تلخ و شیرینی در انتظار گربه آسیا نشسته است. کشوری که این روزها سخت تر از قبل با بحران انرژی هسته‌ای دست به گریبان است و نه فقط در مناسبات خود با دیگر کشورها و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بلکه در تدوین مناسبات داخلی خود، علی‌الخصوص رابطه بین حاکمیت و جامعه نیز گرفتار بحران خود ساخته‌ایست که در سایه بی تدبیری رهبری جمهوری اسلامی زندگی را روز به روز برای مردم ایران سخت‌تر می‌کند.

حال آنکه بار دیگر پروژه تغییر نسل و مغزشویی جمهوری اسلامی کلید خورده است و بار دیگر کودکانی که باید با شعر و شادی در ارتباط باشند با شعار و سیاست پرورش می‌یابند. بی شک آنها هم مانند نسل من بیست سال دیگر در حالی پا به جامعه می‌گذارند که می‌بینند آنچه به زعم تبلیغات سیستماتیک حکومتی به آنها به عنوان ارزش فروخته شده بود، ضد ارزش‌هایی هستند که جز نکبت و بدبختی برای وطن و هموطنان آنها چیزی به ارمغان نیاورده است.

خلاصه همه این حرف‌ها اینکه ما در قبال این نسل مسئولیم و اگر بخواهیم از غمی که در دلها جای دارد بنویسیم؛ کلمه‌ها شرمگین سرزمینی خواهند شد که حاکمانش ثلث قرنی است با وعده فردایی بهتر مردمانش را به نخوت و سستی عادت داده اند و در سال‌های دهه نود خورشیدی تلاش می‌کنند همه چیز را به دهه ۶۰ بازگردانند.

زخمی و آواره و میلیاردها دلار خسارت بر جا گذارد اما از آن به عنوان «رحمت» یاد شود و یا دستیابی به انرژی هسته‌ای، که اصرار بیش از حد به ادامه آن جنگ و تحریمی شدیدتر را از سوی جهانیان برای ما به همراه خواهد داشت. این بار نیز مانند همیشه تکیه نظام دینی بر رستگاری قریب الوقوعی است که تنها با تعهد و ایثارگری قوی باید از سوی بدنه جامعه ارائه شود؛ نه از رأس حاکمیت.

تحریم نیز یعنی تورم شدید، نابسامانی اقتصادی و هزاران دغدغه دیگر. و جنگ یعنی دلهره دایم از اینکه میان رویای کدام نیمه شب بمبی همین نزدیکی خانه‌ای را خراب خواهد کرد و باز تو و من باید وارث خرابی و ویرانی‌های ناشی از جنگ باشیم.

مطمئناً بحران هسته‌ای نیز روزی به پایان خواهد رسید، همان طور که جنگ تمام شد اما قیمت آن برای حاکمیت هیچ گونه اهمیتی ندارد، همان گونه که در جنگ هشت ساله نه جان آدمیان ارزشی داشت و نه منافع کشور.

در این میان اما گویی مسابقه‌ای بین دستگاه‌های تبلیغاتی و دروغ پرداز رژیم برای مغز شویی به راه افتاده است. از ساخت سریال‌هایی پر هیجان و با هزینه‌های میلیاردی در رادیو تلویزیون دولتی گرفته تا اضافه کردن سرفصل‌های درسی در کتاب تاریخ و... از افزودن شعارهای هسته‌ای و برپایی راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌های به ظاهر خود جوش!!! و در باطن برنامه‌ریزی شده به وسیله حاکمیت تا انتشار کتاب‌هایی با موضوعات هسته‌ای برای کودکان پیش دبستانی. تا جایی که این روزها پای حسنی قصه‌های کودکانه را هم به پرونده هسته‌ای ایران باز کرده اند. او که روزی تنها گاوی داشت که نه شیر داشت و نه پستان حالا به امر سیستم تبلیغاتی ولایت فقیه فریاد



گفتگو با خسرو بایگان سمنانی در خصوص تحقیق جامع او درباره پیامدهای حمله به برنامه هسته‌ای ایران:

# قمار هسته‌ای آیت الله



اگرچه این روزها صحبت از احتمال مداخله نظامی قدرت‌های بزرگ جهان در برنامه مناقشه‌انگیز هسته‌ای ایران بیش از هر زمان دیگری در محافل سیاسی و غرب و راهروهای کنگره آمریکا به گوش می‌رسد، اما کمتر کسی از نتایج احتمالی چنین حمله‌ای سخن به میان می‌آورد. اگرچه طبیعی است دولتمردان اسرائیل، آمریکا و دولت‌های غربی در این باره چیزی نگویند، نکته اینجاست که این سکوت کشنده از سوی حاکمان تهران هم حمایت شده‌است. گویی آیت‌الله‌های تهران نشین که زمام قدرت را در آن کشور به عهده دارند خیلی تمایل ندارند کسی از میزان احتمالی خسارت‌های جانی و مالی ناشی از درگیری نظامی در ایران مطلع شوند. اما براستی چرا؟

اما در این میان، تنها یک ایرانی با صرف ده‌ها هزار دلار و هزاران نفر ساعت وقت و با تشکیل کمیته‌ای تحقیقی و به صورت پژوهشی علمی این سکوت سنگین را شکسته است.

او در این تحقیق نشان می‌دهد که میزان تلفات انسانی احتمالی و نیز خسارت‌های مادی برجامانده از حمله به تاسیسات اتمی ایران در چهار منطقه اصفهان، بوشهر، اراک و نطنز که میزبان بخشی از تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی هستند، در کوتاه مدت و بلند مدت تا چه میزان گسترده و وحشتناک است.

خسرو بایگان سمنانی چهره غریبه‌ای برای ایرانیان مقیم آمریکا نیست. حال آنکه بسیاری از دولتمردان و چهره‌های تاثیرگذار نهادهای فدرال در ایالات متحده آمریکا نیز او را به خوبی می‌شناسند. سمنانی همه این توانایی‌ها را این روزها برای کمپینی هزینه کرده است که به جنگ و پیامدهای آن «نه» می‌گوید.

کارنامه خود دارد.

دو مجموعه صنعتی او در نوع خود نقش مهمی در خدمت‌رسانی به وزارتخانه‌های دفاع و انرژی و نیز سازمان فدرال حمایت از محیط زیست آمریکا بعلاوه چندین نیروگاه غیر دولتی آمریکا داشته‌اند. در سال ۲۰۰۵ میلادی، آقای سمنانی بدلیل تلاشها و خدمات برجسته خود در زمینه مدیریت پسماندهای اتمی موفق به کسب درجه دکترای افتخاری از دانشگاه یوتای جنوبی (SUU) گردید.

یکی دیگر از دستاوردهای او تاسیس بنیاد خانوادگی سمنانی است که در سال ۱۹۹۳ آغاز به فعالیت کرد. شاید تنها انگیزه این اقدام را بتوان در حمایت پرشور او از آرمان‌های انسانی در سراسر جهان دانست چرا که این بنیاد از بدو تاسیس پیشگام در حمایت از این آرمان‌ها و ارائه طرح‌ها و انجام خدمات بشر دوستانه متعددی بوده است. بنیاد سمنانی تحت مدیریت همسر محترمشان خانم غزاله سمنانی تا کنون به بیش از ۵۵۰ سازمان خیریه و بیش از ۱۵ سازمان مختلف دینی و بین‌الادیانی کمک‌های مالی فراوانی ارسال داشته‌است. همچنین سازمانهای مختلف بین‌المللی مانند صلیب سرخ آمریکا، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، صندوق مالی آمریکا برای UNICEF، برنامه جهانی غذا (WFP)، فدراسیون نجات

انتشار تحقیقات مربوط به خسارت و تلفات ناشی از حمله احتمالی به تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی به مثابه زنگ خطری برای جامعه جهانی در جلوگیری از فاجعه‌ای انسانی است که این روزها زیر نام قمار هسته‌ای آیت‌الله شناخته می‌شود. عنوانی که خسرو بایگان سمنانی برای تحقیقات گسترده خود برگزیده است. اما این مرد که به درستی رهبر جمهوری اسلامی را به قماربازی روی میز بازی از پیش باخته تشبیه کرده است کیست؟

خسرو بایگان سمنانی از نیکوکاران برجسته، صاحبان صنعت و کار آفرینان ایرانی است که در شهر سالت لیک سیتی در ایالت یوتا زندگی میکند. او تحصیلات مقدماتی را در ایران به پایان رساند و در ادامه، در سال ۱۹۷۲ میلادی از کالج وست مینستر واقع در ایالت یوتای آمریکا موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌های شیمی و فیزیک شد و سپس در سال ۱۹۷۷ میلادی به درجه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت مهندسی از دانشگاه یوتا نائل شد.

خسرو سمنانی برای بیش از ۳۰ سال سابقه کار در رشته‌های شیمی معدن، کنترل محیط زیست و فیزیک هسته‌ای، مؤسس دو مجتمع بزرگ صنعتی در ارتباط با ایمن‌سازی و دفن مواد سمی و رادیو اکتیو را در



# FAMILY FOUNDATION Semmani



بنیاد خانوادگی سمنانی، سازمان امید برای ایران، کلینیک خیریه ملیحه و... بخشی از فعالیت‌های خیر خواهانه خسرو بایگان سمنانی را تشکیل می دهند

با دسترسی به مراقبت‌های پزشکی رایگان زندگی آنان عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفته است.

آقای سمنانی همچنین با شور و علاقه بسیار خواهان آینده‌ای بهتر برای مردم ایران است و از تعلیم و فراگیری مطالبی که موجب دستیابی به درک بهتری از تاریخ ایران، فرهنگ، زبان و تمدن این کشور است حمایت کرده است. او کمک‌های مالی متعددی به برگزاری همایش‌های مختلف در دانشگاه‌های آمریکا از جمله دانشگاه شیکاگو و دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا کرده است.

سمنانی به مدت ۸ سال در مقام نایب رئیس و به مدت ۳ سال نیز به عنوان رئیس هیئت امنای دانشنامه ایرانیکا خدمت کرده است. مقر این دانشنامه که از مهمترین ابزار پژوهش برای مطالعه تمدن ایران در خاورمیانه، قفقاز، آسیای میانه و شبه قاره هند می‌باشد دانشگاه کلمبیا است. آقای سمنانی در حال حاضر عضو هیئت مشورتی مرکز خاورمیانه دانشگاه یوتا است.

در سال ۲۰۰۹ میلادی، آقای سمنانی سازمان امید برای ایران که یک سازمان غیر انتفاعی است را تأسیس کرد. آرمان این سازمان حمایت از دموکراسی تحت پوشش یک برنامه مشترک برای ترویج آزادی فردی و تقویت جامعه مدنی است. توجه این سازمان بر ۴ حوزه متمرکز است: صلح و امنیت ملی، آزادی و دموکراسی، رفاه و پیشرفت، دوستی و انسانیت. مأموریت اصلی این سازمان کمک به پایه‌گذاری یک حکومت شایسته و کارآمد، دستیابی به امنیت فردی، فرصت‌های اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی برای همه ایرانیان است. همانند رسالت بشر دوستانه بنیاد خانوادگی سمنانی، بنیاد امید برای ایران از ابتکارات و همچنین

کودکان، بنیاد صندلی چرخدار، امداد و توسعه بین المللی و خدمات بشر دوستانه LDS (بخش کمک‌های بشر دوستانه کلیسای مورمون که در امور خیریه دارای شهرت جهانی است) از خدمات حمایتی بنیاد سمنانی برخوردار بوده اند.

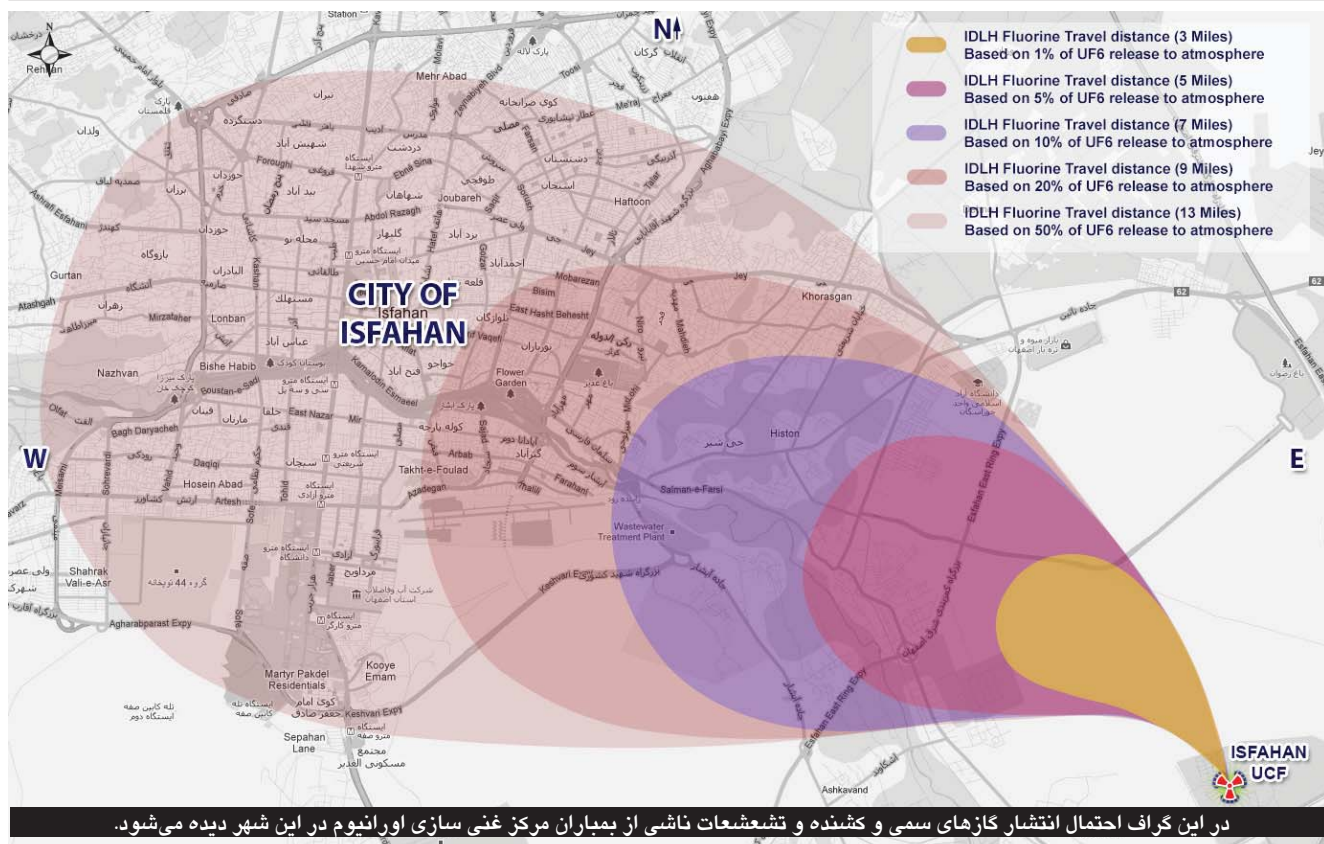
بنیاد سمنانی همچنین یکی از سه سرمایه گذار اصلی برنامه جهانی مبارزه با بیماری سرخک است که این برنامه یک تعهد دراز مدت بین‌المللی برای کنترل مرگ و میر ناشی از بیماری سرخک از طریق واکسیناسیون ۲۰۰ میلیون کودک در بیش از ۳۶ کشور آفریقایی است. همچنین بنیاد خانوادگی سمنانی از پروژه‌هایی که در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی از قبیل بی‌خانمانی، بیسوادگی، گرسنگی، خشونت و خشونت‌های جنسی تلاش می‌کنند، حمایت می‌کند.

تا کنون خدمات بنیاد سمنانی مورد تقدیر و تمجید فراوانی قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان از اهدای جایزه "حلقه انسان دوستی" صلیب سرخ به بنیاد سمنانی نام برد که به پاس کمک‌های سخاوتمندانه‌ای که این بنیاد بطور سالیانه از عملیات امدادی صلیب سرخ در سراسر جهان انجام می‌دهد، اعطا گردیده است.

در سال ۲۰۰۶ میلادی، بنیاد سمنانی منبع اصلی تأمین بودجه برای تأسیس کلینیک رایگان ملیحه شد. این درمانگاه بدون دریافت کمک‌های دولتی و بصورت کاملاً مجانی در خدمت ساکنان شهر سالت لیک سیتی است. در حال حاضر و در نتیجه خدمات داوطلبانه مردمی، کمک‌های مالی اشخاص خیر و نیز کمک‌های مالی مستمر بنیاد خانوادگی سمنانی هر روزه بیش از ۱۰۰ نفر به این کلینیک مراجعه می‌کنند که بدین ترتیب از تاریخ احداث درمانگاه تا کنون بیش از یکصد هزار بیمار ویزیت شده‌اند که



## پرونده



در این گراف احتمال انتشار گازهای سمی و کشنده و تشعشعات ناشی از بمباران مرکز غنی سازی اورانیوم در این شهر دیده می شود.

خطرناک شیمیایی و اتمی فعال بوده‌ام به راحتی می‌توانستم درک کنم که ضایعات ناشی از وقوع چنین فاجعه‌ای تا چه میزان می‌تواند خطرناک باشد و جالب بود که سکوت جنگ طلبان از اراده‌ای برای نادیده گرفتن این خسارت‌ها مادی و جانی خبر می‌داد. از همین رو با دعوت از گروهی از متخصصان پروژه ای را کلید زدیم که سرانجام در قالب قمار هسته‌ای آیت الله به انتشار رسید. همکاران خوبی در این پروژه مرا یاری دادند که حتما باید از یکایک ایشان کمال قدردانی را داشته باشم علی‌الخصوص آقایان امیر سلطانی- پژوهشگر تاریخ و علوم سیاسی، دکتر گری سکونز- فیزیکی‌دان، دکتر اسکات میلر- مدیر رادیولوژی دانشگاه یوتا، آقای توفیقی از مدیران سابق هلال احمر ایران در پس از انقلاب، آقای افشین مولوی و کریم سجاد پور و آقای کریم جاورز موسسه سیاسی هینکلی در دانشگاه یوتا که در تحقیق و تدوین این گزارش همکاری شایانی با دیگر دست‌اندرکاران این پروژه داشتند.

فعالیت این تیم علمی با جمع آوری اطلاعات خام از منابع قابل دسترسی درباره ساختار مراکز هسته‌ای مورد مطالعه در این تحقیق که به تاسیسات اصفهان، نطنز، اراک و بوشهر محدود شده است، وضعیت جغرافیایی این مناطق در فصول مختلف سال اعم از جهت و شدت وزش باد و ... و دهها نکته دیگر آغاز شد و سپس با دقت و محاسبه پارامترها سعی در دست یابی به مدلی از داده‌های استنتاجی کردیم که بتواند تخمینی نزدیک به واقعیت از احتمال وقوع یک حادثه نظامی در این چهار منطقه به دست دهد.

نکته نخست این بود که بر اساس نتایج مطالعاتی که در وزارت دفاع سوئد انجام شده بود از میان دهها مرکز اتمی برنامه هسته‌ای رژیم ایران چهار مرکز حساس که از ارکان مهم هسته‌ای ایران قلمداد شده و استمرار حیات برنامه اتمی به ادامه به کار این مراکز وابسته بود را انتخاب کردیم. کلیه گزارش‌هایی که تا کنون آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای درباره

سازمان‌هایی که پیوندهای دوستی و اعتماد میان فرهنگها و مذاهب را ترویج می‌دهند حمایت می‌کند.

مردی که رهبر ایران را به یک قمارباز در برنامه هسته‌ایش لقب داده است با چنین سابقه‌ای در جامعه جهانی شناخته می‌شود.

خسرو سمنازی در توصیف دلایل و تیمی که روی این تحقیق کار کرده‌اند به این‌شهر می‌گوید:

«شاید اصلی‌ترین دلیلی که مرا واداشت تا گزارش قمار هسته‌ای آیت الله را تهیه کنم این بود که در همه موضوعاتی که در خصوص حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران مطرح می‌شود هیچ نشانی از توجه جنگ طلبان چه در بدنه قدرت حاکم در ایران و چه در سطح بین‌المللی به مردم ایران و میزان تلفات احتمالی آنها دیده نمی‌شد. نوع تبلیغات درباره جنگی احتمالی به‌گونه‌ای است که سعی دارد به افکار عمومی جهان بقبولاند که چند بمب در چند مرکز مشکوک انداخته می‌شود و بدون اینکه به کسی آسیبی برسد دنیا پر از صلح می‌شود. مقامات ایران هم به گونه‌ای موضوع را مطرح می‌کنند که انگار قرار نیست هیچ هواپیمایی یا موشکی از مرزهای هوایی ایران عبور کند و انگار اقتدار نظامی آیت‌الله‌ها در ایران جلوی همه حمله‌ها را خواهد گرفت. در حالی که این موضوعات به هیچ عنوان حقیقت ندارد. واقعیت این‌است که در صورت وقوع چنین جنگی و حمله به مراکز و تاسیسات اتمی در ایران به دلایل گوناگون جغرافیایی، فنی و استراتژیک میزان بالایی از تلفات انسانی، خسارت‌های دیر پای زیست محیطی ناشی از آلودگی‌های رادیواکتیویته و سندروم‌هایی که به دلیل آلودگی اتمی تا چند نسل بعد هم در ساکنین منطقه وسیعی از ایران ادامه می‌یابد، فقط بخشی از عواقب جنگی است که در خاورمیانه یک فاجعه هسته‌ای را رگم می‌زند. از آنجا که برای سالیان طولانی که حوزه جمع آوری و دفن پسماندهای

ادامه از صفحه قبل





نقشه هوایی از محل جاکبری تاسیسات غنی سازی در سپر انسانی ساکنین شهر اصفهان

به خفگی شخص می‌گردد. در کل می‌توان گفت، گاز فلورین، گاز خورنده و سمی‌تری نسبت به گاز کلرین است که در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت. هنگامی که این گاز در هوا منتشر شود و به میزان کشنده برسد، ابرهای کشنده تمام اشکال حیات را در مسیرشان از بین خواهند برد. بسته به حجم مواد شیمیایی ذخیره شده در این تأسیسات، تراکم جمعیتی در مجاورت تأسیسات، بادهای غالب منطقه و شرایط آب و هوایی، ده‌ها هزار نفر از کارکنان و غیر نظامیان اصفهان و (کمی کمتر در) نطنز با ابر سمی مواجه خواهند یافت. این ابرهای سمی، به ریه افراد آسیب خواهد زد، آنها را نابینا خواهد کرد، سوختگی‌های شدیدی را ایجاد خواهد نمود و آسیب‌های دیگری به بافت‌ها و اعضای حیاتی وارد خواهد نمود. حتی در صورتیکه تمام یا بخشی از این مواد در آنجا ذخیره شده باشند و یا نشده باشند.

در این میان، اصفهان به خصوص، هزینه بالای قمار آیت الله [خامنه‌ای] و قمار حملات اسرائیلی و آمریکایی را پرداخت خواهد نمود. حجم زیاد موجود و کشندگی مواد شیمیایی سمی تولید شده در تأسیسات هسته‌ای اصفهان موجب می‌شود که نتوان خطر این مواد را - حتی در صورتیکه تمام یا بخشی از این مواد در آنجا ذخیره شده باشند- بر روی شهروندان این شهر زیبا و تاریخی نادیده گرفت.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میلادی، مجتمع فرآوری اورانیوم اصفهان بیش از ۳۷۱ تن هگزافلوراید اورانیوم (Uranium Hexafluoride) تولید نموده که در اصفهان و نطنز نگهداری می‌شود. بر مبنای محاسبات ما، چنانچه تنها ۵ درصد از ۳۷۱ تن هگزافلوراید اورانیوم تولید شده در تأسیسات اصفهان، در جریان حملات هوایی یا پس از آن در هوا منتشر شود، ابر سمی با درجه خطر فوری برای

برنامه مناقشه انگیز اتمی ایران منتشر کرده است مورد مطالعه قرار گرفت و مجموعه گزارش‌ها و تحقیقاتی که از سوی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا و یا وزارت دفاع درباره این موضوع منتشر شده است گردآوری و مورد حلّاجی قرار گرفت. سپس با مراجعه به منابع اطلاعاتی خود رژیم جمهوری اسلامی از اداره هواشناسی گرفته تا سایت‌های معتبر آمار و داده‌های انسانی برای کسب سایر اطلاعات مورد نیاز در محاسبات این تحقیق گسترده استفاده شد.

نکته جالب اینجاست که امنیتی بودن موضوع فعالیت‌های هسته‌ای در ایران به عدم وجود اطلاعات شفاف در این باره دامن زده‌است، از سوی دیگر اطلاعات قابل استنادی از رابطه بین صنایع نظامی و برنامه هسته‌ای در دسترس نیست و فقط می‌توان به نشانه‌های معنادار و یا حدس و گمان‌هایی در این باره بسنده کرد.

به هر روی در تدوین گزارش سعی شد ضمن در نظر گرفتن تمام شواهد موجود و اطلاعات قابل دسترس از اهداف احتمالی حمله نیروهای بین‌المللی در خاک ایران، درباره سلاح‌ها و تجهیزات جنگی مورد کاربرد در این حمله نیز ضریب تسلیحات متعارف مورد بررسی قرار گیرد، با این همه نتایج تا اندازه‌ای وحشت انگیز بود که بی شک می‌توان چنین رخدادی را به یک فاجعه انسانی در سطح بین‌المللی تشبیه کرد.

خسرو سمنانی در ارایه چکیده‌ای از گزارش قمار هسته‌ای آیت الله در تشریح فجایع ناشی از احتمال وقوع چنین جنگی در ایران می‌آورد:

«حمله نظامی به مجتمع فرآوری اورانیوم اصفهان و مجتمع غنی سازی نطنز، باعث انتشار ذخایر گاز سمی فلورین و سایر ترکیبات قابل تبدیل به اسید هیدروفلوریک، در هوا می‌گردد. اسید هیدروفلوریک یک ماده بسیار فعال بوده که در صورت تنفس باعث تجمع مایعات در ریه و در نتیجه منجر



موقعیت تأسیسات هسته‌ای نطنز در مقایسه با مکان جغرافیایی شهرهای کاشان و نطنز



عکس هوایی از تأسیسات هسته‌ای نطنز

ادامه از صفحه قبل

آقای سمنانی با مقایسه نسبی شرایط ژئوپولیتیک منطقه و اشاره به خود بمباران‌های احتمالی توضیح می‌دهد:

«در مورد کشته شدگان بمباران این چهار مرکز، چیزی حدود پنج هزار نفر تخمین زده‌ایم. ولی این بمباران اگر بیشتر از این چهار منطقه باشد، تعداد کشته شدگان به ده هزار نفر هم می‌رسد و کشته شدگان چهار تأسیسات را در چیزی حدود پنج هزار نفر که از آن صحبت می‌کنیم شامل دانشمندان، کارشناسان، کارگران، کارمندان، مأموران امنیتی و کلیه کسانی است که در آن تأسیسات و در آن لحظه حضور دارند. طبیعی است که سلسله انفجارهای ناشی از بمباران این مراکز در وهله نخست کارکنان همین مراکز را قربانی می‌کند.

تخمین‌های ما نشان می‌دهد امکان زیادی وجود دارد که به مراکز اراک، اصفهان و نطنز حمله شود، اما وضعیت در تأسیسات بوشهر کمی متفاوت است. آنجا یک مرکز اتمی است که امکان استفاده نظامی از آن کمتر است. اگر تأسیسات بوشهر مورد حمله قرار بگیرد، به دلیل سوخت‌هایی که در آنجا هست و مواد شیمیایی و پرتو زایی که در منطقه وجود دارد، خیلی خطرش بیشتر است. چون این تأسیسات در ده کیلومتری شهر بوشهر واقع شده و بادهای منطقه می‌تواند بیشتر این مواد را به عنوان ابرهای سمی به آسمان بوشهر برساند و بعد هم در تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس مثل بحرین، کویت و امارات پخش کند و فضای آنجا را تحت تأثیر قرار دهند. بی شک توجه به این نکات نشان می‌دهد که علاوه بر بالا بودن ضریب تلفات در بوشهر احتمال حمله نظامی به تأسیسات غنی‌سازی به مراتب بالاتر از حمله به نیروگاه اتمی بوشهر است.»

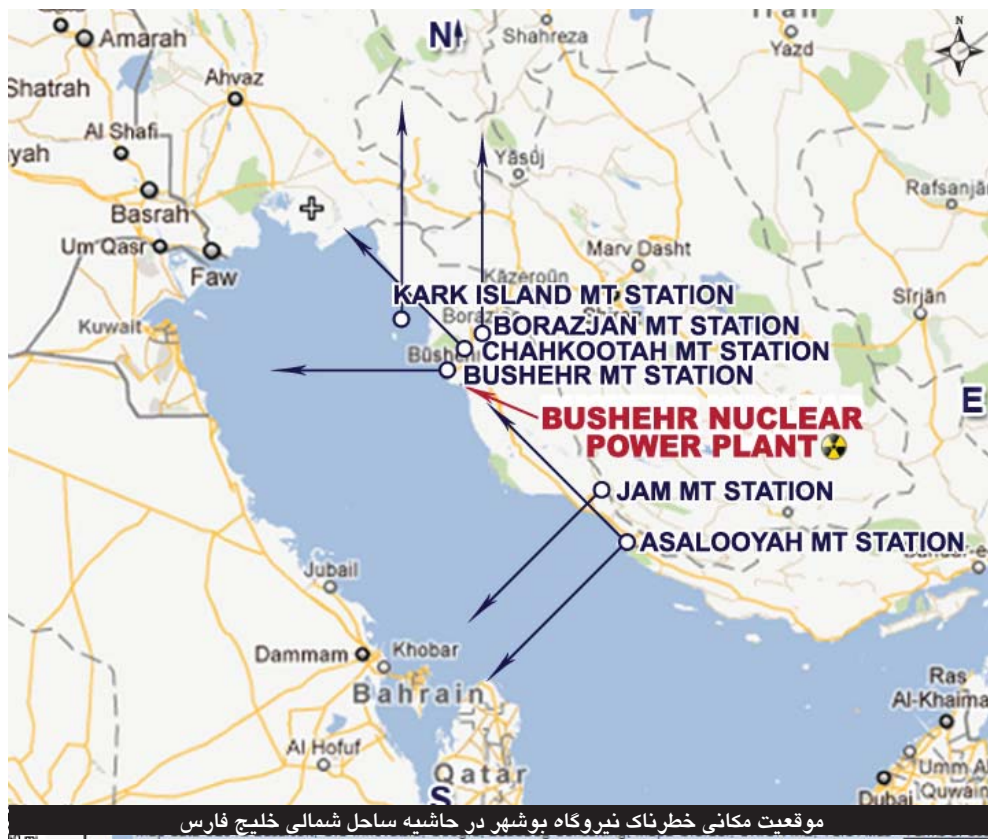
خسرو سمنانی سرنوشت صدها هزار ایرانی ساکن در این مناطق را به نحوی اسفبارتر از کشته شدگان قلمداد کرده و می‌گوید:

حیات و سلامتی (IDLH) ۲۵ میلی گرم در لیتر، ۵ مایل (۸ کیلومتر) را طی کرده و مساحتی بالغ بر ۱۳ مایل مربع یا ۳۳ کیلومتر مربع را آلوده می‌کند. با در نظر گرفتن جهت و سرعت باد غالب حدود ۹/۴ مایل بر ساعت یا ۱۵ کیلومتر در ساعت به سمت شهر اصفهان، در ظرف یک ساعت، ابر سمی می‌تواند ۲۴۰ هزار سکنه مناطق شرقی شهر اصفهان که شامل مناطق ۴ و ۶ شهرداری اصفهان می‌شوند، را در بر گیرد. با انتشار ۲۰ درصد ذخایر گاز فوق، ابر دارای درجه خطر فوری برای حیات و سلامتی (IDLH) بالا، ۹ مایل یا ۱۴/۵ کیلومتر را طی نموده و مسافتی بالغ بر ۴۱ مایل مربع یا ۱۰۶ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. در این حالت، حدود ۳۵۲ هزار شهروند اصفهانی از مناطق شهرداری ۱۳، ۴ و ۶، بعلاوه ساکنین شمال منطقه ۴ را آلوده می‌کند. اگر ما خیلی محتاطانه، میزان تلفات را ۵ تا ۲۰ درصد جمعیت اصفهان فرض کنیم، باید در انتظار ۱۲ هزار تا ۷۰ هزار نفر کشته باشیم.

بنابراین، بسیار محتمل است که مردم شهر اصفهان با یک تراژدی در مقیاس و نظیر حادثه بوپال هند که در کارخانه یونیون کارباید هندوستان در سال ۱۹۸۴ میلادی روی داد، مواجه شوند. به علاوه، تخریب زیست محیطی از طریق انتشار ترکیبات اورانیوم در هوا و ورود آن به آب، خاک و زنجیره غذایی، اثرات دراز مدت و مزمنی را بر روی سلامت افراد مانند سرطان و آسیب‌های جنینی برجای خواهد گذاشت. اصفهان به عنوان یک قطب مهم فرهنگی و اقتصادی از نظر تاریخ، معماری و زیبایی‌های فلوئرانس و کیوتو قابل مقایسه است، در حالیکه این شهر در معرض نابودی می‌باشد. با این وجود، چنانچه این مواد از مرکز فرآوری اصفهان خارج شوند و در جایی دیگر انبار گردند، شمار تلفات کاهش چشمگیری پیدا خواهد نمود.»







موقعیت مکانی خطرناک نیروگاه بوشهر در حاشیه ساحل شمالی خلیج فارس

سقط جنین و یا تولد جنین‌های ناقص‌الخلقه شده است.» آقای سمنانی در توصیف این شرایط با اشاره به بندهایی از تحقیق جامع قمار هسته‌ای آیت الله می‌گوید: «گازهای سمی و خصوصاً ترکیبات هگزا فلوراید که در اصفهان انباشت شده است، بسیار واکنش پذیر است. این گازها در صورت استنشاق باعث خفگی می‌شود و در صورت انهدام ساختمان‌ها، کاملاً مشخص است که مقادیر قابل توجهی از این گاز در هوا متصاعد خواهد شد. به علاوه، آسیب‌هایی که بر محیط زیست وارد می‌شود، باعث افزایش نرخ سرطان و نقص عضو در زمان تولد خواهد گردید.» آقای سمنانی دولت ایران را درباره کلیه این اتفاقات مسئول دانسته با اشاره به موارد مناقشه میان جمهوری اسلامی و مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید:

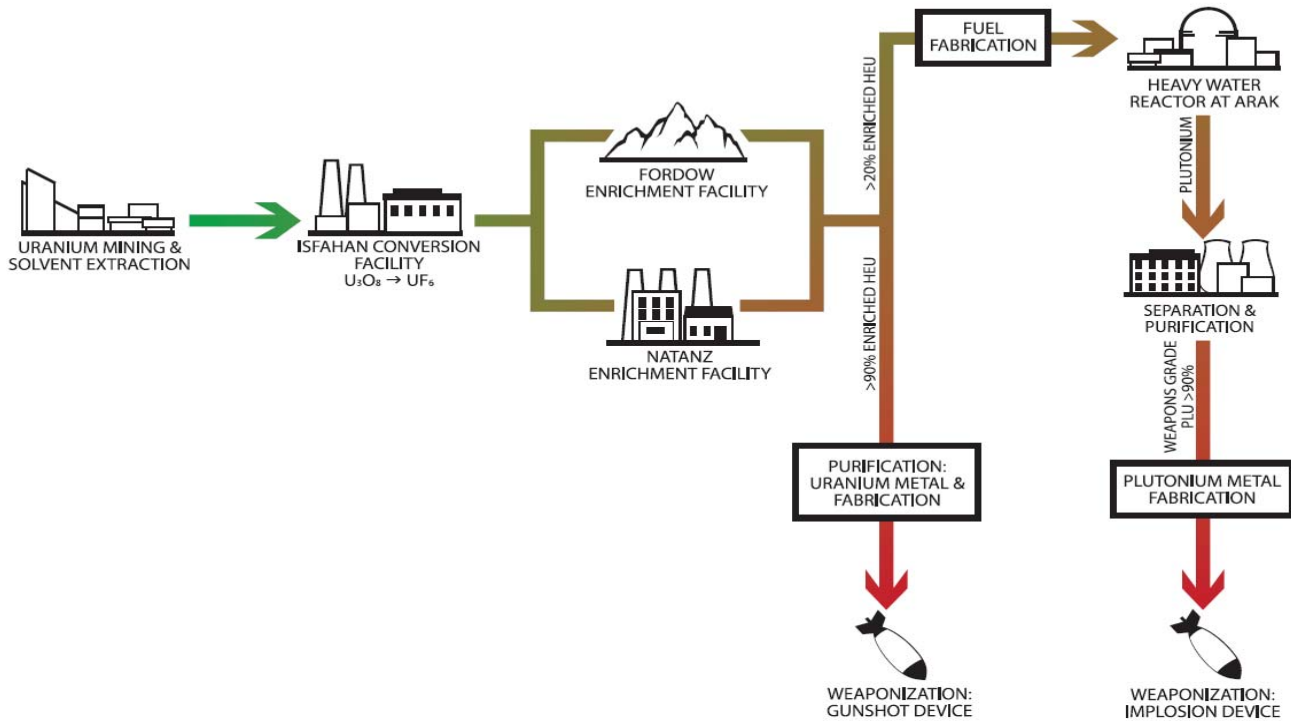
«۱۱ مورد مناقشه برانگیز بین ایران و آژانس وجود دارد که رفع برخی از آنها فقط با ارائه طرح‌ها و مدارک مربوطه قابل حل هستند. و یا موضوع تاسیسات نظامی پارچین که در حقیقت نوعی سیاه کاری مقامات تهران برای بازی با آن در سطح بین‌المللی تلقی می‌شود و نکاتی که بی شک کمی توجه به منافع ملت ایران و احترام به خواسته‌ها و نگرانی‌های جامعه بین‌المللی می‌تواند در رفع آنها بسیار موثر واقع شود. اما در عمل شاهدیم که اراده‌ای منفی در رهبری جمهوری اسلامی اجازه این عادی سازی شرایط را نمی‌دهد و با ایجاد بحران و دامن زدن به آن بدون توجه به هزینه بالای مادی و معنوی که برای مردم ایران به ارمغان می‌آورد سعی در استمرار مسیری دارد که در نهایت به مرگ ده‌ها هزار ایرانی و بیلیون‌ها دلار خسارت‌های مادی خواهد انجامید.» خسرو سمنانی در ادامه می‌افزاید:

«به جز کسانی که بالقوه در یک حمله کشته می‌شوند آماده نبودن دولت برای روبرویی با اثرات تابش در چنین سطح گسترده‌ای به افزایش تلفات می‌انجامد. بررسی‌های ما با توجه سابقه ضعیف ایران در واکنش به موارد اضطراری و پلایای طبیعی از جمله زمین‌لرزه در چنین مواردی نشان می‌دهد ایران تقریباً بدون هیچگونه ظرفیت مراقبت‌های بالینی و زیرساخت‌های پزشکی برای مقابله با عواقب گسترده رادیواکتیو، و همچنین به خاطر عدم وجود دستگاه‌های هشدار دهنده زودپهن‌گام که در معرض تابش قرار گرفتن مردم را کنترل و از آن جلوگیری کند، به سرعت درگیر پیامدهای چنین حمله‌ای خواهد شد. تا جایی که رواج سرطان، افزایش آمار سقط جنین، شیوع بیماری‌های پوستی و سوختگی‌های تشعشعی و تاثیرات بسیار مخرب رادیو اکتیو و نیز آلودگی گسترده مناطق وسیعی از خاک و منابع آب‌های زیر زمینی از آلودگی‌های سمی شیمیایی و پرتوهای کشنده موجب بروز فاجعه‌ای انسانی در ابعادی غیر قابل کنترل خواهد شد.»

آقای سمنانی با یادآوری حادثه تلخ نیروگاه چرنوبیل در دهه ۱۹۸۰ میلادی و مقایسه آن با تبعات حمله نظامی به ایران می‌گوید: «آنچه برای ما مسلم است اینکه میزان تشعشعات و آلودگی‌ها در نمونه اصفهان به مراتب بالاتر از نمونه چرنوبیل تخمین زده می‌شود. در حالی که در چرنوبیل پس از گذشت چند دهه ما همچنان شاهد متروکه بودن منطقه و تبعات گسترده زیست محیطی و انسانی هستیم، خودتان می‌توانید تصور کنید که فاجعه اصفهان تا چه اندازه می‌تواند بزرگ باشد. بد نیست همین‌جا اشاره کنم که در بخشی از تحقیقات ما فلوجه در عراق و استفاده از سلاح‌های دارای اورانیوم در جنگ با عراق مورد بررسی قرار گرفته است که به روشنی نشان می‌دهد به عنوان مثال در زمینه سقط جنین تاثیرات آلودگی‌های شیمیایی و پرتوزایی باعث رشد چشمگیر تکثیر دهنده آمار



## POTENTIAL WEAPONIZATION



چرخه گردش اورانیوم در تاسیسات هسته‌ای برای تولید بمب اتم در ایران. ایران هنوز تا تولید بمب دست کم سه سال فاصله دارد

پرده پوشی در خصوص نتایج چنین جنگی تلاش دارد تا با تبلیغات کاذب برنامه اتمی خود را به عنوان نماد غرور ملی معرفی کند در حالی که این برنامه از ابتدا نشستن بر میز بازی از پیش باخته قلمداد می‌شود. لذا این وظیفه یکایک ایرانیان در داخل کشور است که به اندازه آگاهی و سطح سواد و درک خود از علوم گوناگون از فیزیک، شیمی و ریاضی گرفته تا طب و پزشکی، در هر جایگاهی که هستند از دانش آموزان و دانشجویان تا اساتید و حتی مردم کوچه و بازار موضوع را به دیگر کسانی که از اندازه‌های فاجعه پیش رو بی اطلاع هستند در میان بگذارند و اجازه دهند تا همه از موضوع با خبر شوند. چرا که فکر می‌کنم چنین روشنگرایی وظیفه ملی هر ایرانی در هر جاست. شاید همین حالا که من و شما گفتگو می‌کنیم بیش از ۷۰ درصد مردم از عواقب حمله احتمالی به تاسیسات اتمی ایران بی‌خبر باشند و طبیعی است که بیشترین قربانیان همین کسانی هستند که بی‌خبرند و در نهایت هم تاوان قمار آیت الله را پس خواهند داد. یکی دیگر از کارهایی که بی‌شک می‌تواند موثر باشد تلاش نیروهای دلسوز و عاقل در بدنه حکومت است تا با درایت و در نظر گرفتن ابعاد فاجعه پیش رو از مسئولان ایرانی بخواهند دست از لجاجت برداشته و از تحمیل یک جنگ با ویرانی عظیم و پر تلفات به کشور عزیزمان ایران جلوگیری کنند. چرا که بی‌تردید هزینه سنگین فاجعه حمله به مراکز اتمی ایران بیش از توان کشورمان است.

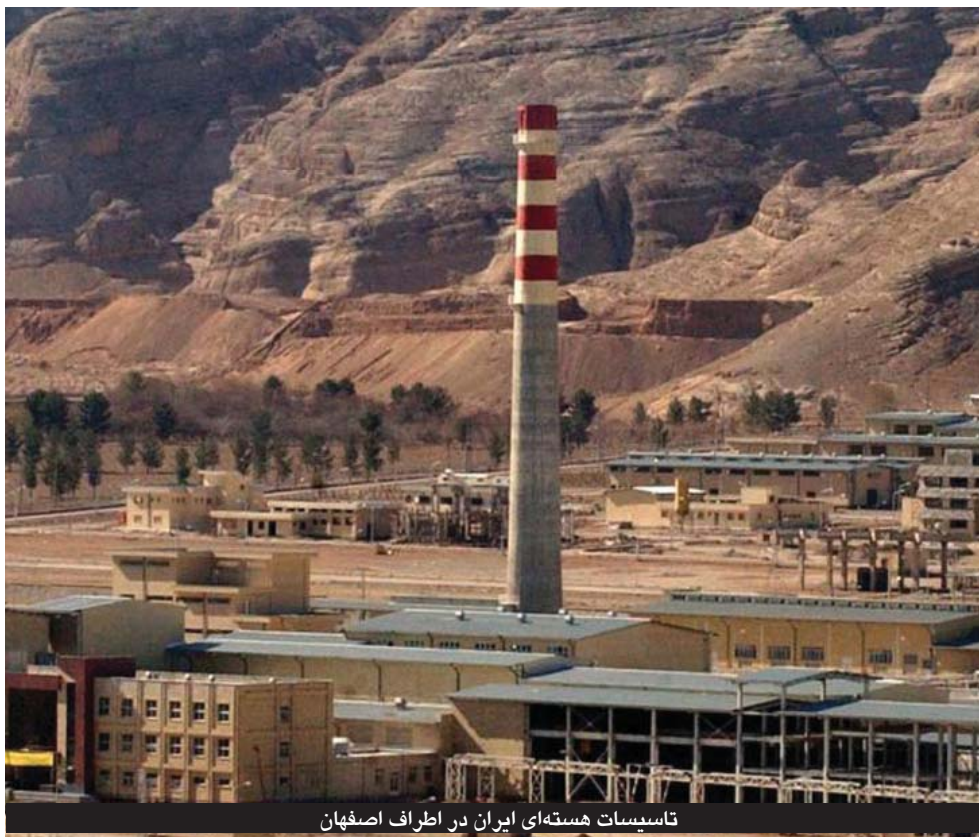
به صاحبان قدرت در ایران هم باید این پیام را داد که صادقانه به موضوعات نگاه کنند و از خواب خرگوشی سر در بیاورند و درک کنند که توان نظامی و سطح آمادگی پدافندی آنها تاب و تحمل مقابله با یک حمله همه جانبه و فراگیر علیه برنامه هسته‌ای آنها را ندارند. به گزارش CSIS که در ماه سپتامبر گذشته منتشر شد آنچه فرماندهان نظامی ایران از آمادگی دفاعی خود بروز می‌دهند یک دروغ بزرگ است که بیشتر جنبه بازدارندگی دارد تا توانایی حقیقی مقابله با یک

«ما شاهد حرف‌های تحریک آمیزی از سوی مقامات ایران هستیم که نشان از عزم آنها برای دامن زدن به بحران است. اگرچه فتوای خامنه‌ای برای ممنوعیت داشتن سلاح اتمی به عنوان دلیلی محکم از سوی نمایندگان ایران در آژانس برای صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای آنها مطرح می‌شود. بخش دیگری از اظهارات رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر عاری کردن منطقه از تسلیحات اتمی و لزوم مقابله با اسرائیل در فراز دیگری از نامه علی اصغر سلطانیه به آژانس نشان از دو پهلو بودن مواضع ایران و عدم شفافیت در آن است. در حقیقت دولت و مقامات جمهوری اسلامی دانسته و آگاهانه به موضوع بحران در پرونده هسته‌ای خود دامن می‌زنند که برآمده از اقتدارگرایی صاحبان قدرت در ایران است.»

آقای خسرو سمنانی مخاطب گزارش خود را نه فقط ملت ایران بلکه افکار عمومی جهان قلمداد کرده و آن را هشدار جدی نسبت به وقوع یک فاجعه انسانی معرفی می‌کند که در حال رخ دادن است و می‌افزاید:

«در شرایطی هستیم که عقربه‌های ساعت و صفحات تقویم با سرعت در حال نزدیک شدن به لحظات بحرانی هستند. بی‌پرده پوشی باید بگوییم که کاسه صبر جامعه جهانی در خصوص برنامه مشکوک هسته‌ای ایران به سر آمده است و بسیاری از کارتل‌های بزرگ، منافع را در رابطه با وقوع یک جنگ احتمالی برنامه ریزی کرده‌اند. طبیعی است در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگری سران کشورهای بزرگ به لحظه تصمیم برای مقابله نظامی با برنامه اتمی ایران آماده شده‌اند در حالی که افکار عمومی دنیا از بحرانی که در پی چنین حمله‌ای ایجاد می‌شود ناآگاه هستند. حتی خود مردم داخل ایران منجمله کارشناسان، سربازان و مدیران منطقه‌ای هم که قربانیان اصلی این فاجعه محسوب می‌شوند از آگاهی اندکی درباره عواقب چنین رخداد منحوسی برخوردارند. حکومت جمهوری اسلامی با بستن راه‌های اطلاع رسانی آزاد و

ادامه از صفحه قبل:



تاسیسات هسته‌ای ایران در اطراف اصفهان

مقامات برجسته فدرال دولت آمریکا دانست و افزود: «جنگ برای همه بد نیست و هستند کسانی که از وقوع آن سود می‌برند. کشورهای نفت خیز عربی و... بی‌شک از این بحران سود خواهند جست چرا که نفت خود را در شرایط بحرانی گران‌تر خواهند فروخت و ... اما بی‌شک دولت آمریکا هم مانند مردم ایران از چنین جنگی منتفع نمی‌شود. چرا که این مسئله علاوه بر میلیاردها دلار هزینه مستقیم و غیر مستقیمی که برای آنها دارد از اعتبار و نفوذ آنها در منطقه خواهد کاست و در دراز مدت نیز منافع آمریکا را در حوزه‌های اقتصاد و انرژی به خطر خواهد افکند. از سوی دیگر نیز اسرائیل هم چه در کوتاه مدت به دلیل مقابله به مثل احتمالی ایران از طریق بازوهایش حماس و حزب الله در منطقه در خطر خواهد بود و هم در دراز مدت از عواقب چنین جنگی متضرر می‌شود. اگرچه معنای این حرف نباید بی تفاوتی در برابر پیشرفت ایران برای دست یابی به بمب هسته‌ای و شروع یک مسابقه تسلیحاتی اتمی در منطقه خاور میانه تلقی شود. اما آنچه به وضوح روشن است فاصله ایران از دست یابی به بمب اتمی و فرصت موجود برای استمرار روند دیپلماسی و تلاش برای رساندن اطلاعات درست به مردم داخل کشور است تا بتوان با پتانسیلی متحد از همه گروه‌ها و نیروهای فعال داخلی و بین‌المللی مسیر اصلاح رویه فعلی حکومت ایران را به سوی هدایت کرد که در آن علاوه بر رفع نگرانی‌های جامعه جهانی ضامن حفظ امنیت مردم ایران و کمک به آنها برای عبور از حکومتی اقتدارگرا و متحجر به سوی یک دموکراسی واقعی و احقاق حقوق شهروندی و برخورداری از آزادی‌های اساسی باشد. فراموش نکنیم که جنگ ایران و عراق ۲۴۶ هزار ایرانی را طعمه مرگ کرد و سال‌هاست بیش از یک میلیون معلول را در جامعه به یادگار گذاشته است. حقیقت این است که جنگ به جز رژیم تهران، هیچکس را به مقصود نمی‌رساند.»

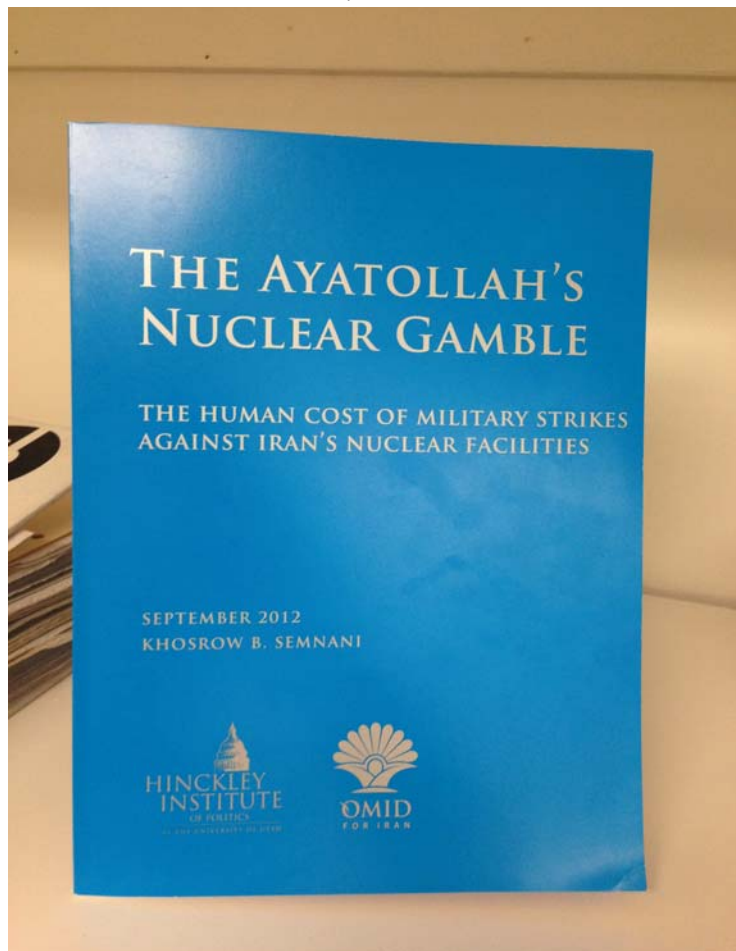
حمله نظامی. با این رویکرد اگر صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی به موضوع نگاه کنند می‌بینند که ساده‌ترین راه برای برون رفت از بحران کنونی در کوتاه مدت اعتماد به جامعه جهانی و جلب اعتماد آنها با اجرای یازده موردی است که خواسته‌های جهان نگران را در مورد برنامه هسته‌ای آنها در بر می‌گیرد. اگرچه بی تردید رهبران انقلابی تهران در دراز مدت جز تسلیم در برابر خواسته‌های ملت خود که خواهان داشتن دموکراسی و برخورداری از حقوق شهروندی هستند، راهی ندارند. و شاید دانستن همین موضوع است که بی تردید فضای مستبدانه کنونی در صورت عدم وجود بحران به استحاله نظام خواهد انجامید و این نکته مهمی است که رهبران جهان آزاد نیز باید برای طی کردن پروسه‌ای کم هزینه‌تر برای ایجاد تغییرات در ایران مورد توجه قرار دهند.

از سوی دیگر بسیاری از ایرانیان ساکن در خارج از کشور باید از حالت منفعل کنونی خارج شده و با فعالیت در گستره‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و حتی محلی سعی کنند تا از مردم و هم میهنان خود دفاع کنند. بی‌شک اگر فقط یک درصد از فعالان و کوشندگان سیاسی و مدنی ایرانی ساکن در خارج از ایران به موضوعی چنین مهم، در برنامه‌ای منسجم و همه‌جانبه واکنش نشان داده و از داشته‌ها، توانایی‌ها و امکانات خود استفاده کنند می‌توانند افکار عمومی دنیا را از موضوع و تبعات بحران پیش رو آگاه کرده و با کمک ملت‌های آزاد و صلح جوی دنیا از وقوع چنین فاجعه‌ای جلوگیری کنند. بی‌شک ایجاد و تقویت یک جنبش جهانی برای جلوگیری از جنگ در وهله اول و کمک به مردم داخل کشور برای ایجاد تغییرات در کشور خود کاری بسیار ارزنده، شدنی و لازم الاجراست که باید هرچه رودتر در ابعاد جهانی کلید خورده و از همه توانمندی‌های پیدا و پنهان برای کمک به پیشرفت و تاثیر گذاری بیشتر چنین جنبشی کمک گرفت.»

خسرو سمنانی یکی دیگر از مخاطبان گزارش قمار هسته‌ای آیت الله را

# خلاصه ای از پژوهش قمار هسته‌ای آیت الله

انجام شده به وسیله: خسرو سمنانی



در ۳۱ ماه می ۲۰۱۲، مجلس نمایندگان ایالات متحده پیشنهاد نمود که یک الحاقیه به لایحه امنیتی ۲۰۱۳ اضافه شود. به موجب این الحاقیه، مدیر اطلاعات و امنیت ملی آمریکا می‌بایست "یک گزارش ارزیابی از پیامدهای حملات نظامی بر علیه ایران" را در ظرف ۶۰ روز از زمان تصویب این الحاقیه ارائه نماید [۱].

باشکست مذاکرات دیپلماتیک در مسکو جهت رفع بی‌اعتمادی بین ایران و قدرتهای جهان - انگلیس، چین، فرانسه، روسیه، آمریکا و آلمان - احتمال حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران را نمی‌توان نادیده گرفت [۲].

پس از اینکه سه دوره مذاکرات در استانبول، بغداد و مسکو، بین خانم کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی [۳] و مذاکره کننده ارشد مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، نتوانست اعتماد لازم را درباره ادعاهای صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید، امیدها برای نتیجه بخش بودن روش‌های دیپلماتیک در حال کاهش می‌باشد. زمان کوتاه است و قمار بزرگ در پیش.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، به عنوان یکی از مدافعان اصلی حملات نظامی علیه ایران، نسبت به تهدیدهای موجود در برنامه هسته‌ای ایران در برابر اسرائیل مکرراً هشدار داده است. نتانیاهو در سخنرانی اوایل ماه مارس در کمیته روابط عمومی آمریکا - اسرائیل [۴] (AIPAC)، روشن ساخت که زمان برای راه حل‌های دیپلماتیک صلح جویانه در مورد مناقشه هسته‌ای ایران به پایان رسیده است. او خاطر نشان ساخت: «ما منتظر بودیم که دیپلماسی جواب دهد، ما انتظار کشیده‌ایم که تحریم‌ها، نتیجه دهد. هیچکدام از ما نمی‌تواند بیش از این در انتظار بنشیند.» [۵] نتانیاهو در ماه می ۲۰۱۲ در پراگ، با مقایسه برنامه هسته‌ای ایران با کره شمالی، آب سردی بر روی چشم انداز دیپلماسی ریخت و گفت: «به نظر می‌رسد که آنها (جمهوری اسلامی)، این مذاکرات را فرصتی دیگر برای فریب و تاخیر یافته‌اند، درست مثل کاری که کره شمالی سال‌ها انجام داد.» [۶]

در حالی که بحث‌های زیادی پیرامون زمان و اهداف حملات نظامی بر علیه برنامه هسته‌ای ایران وجود داشته، هزینه و پیامدهای چنین حملاتی مورد توجه کافی قرار نگرفته است. برنامه ریزان نظامی در پنتاگون، تخمینی از میزان تلفات غیرنظامیان را برای سیاستگذاران تهیه می‌کنند. این برآوردها، اساساً بر مبنای اهداف عملیاتی تهیه می‌شوند و برای عموم قابل دسترسی نیست. در واقع هیچ‌کس برآوردی علمی از پیامدهای حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای در حال بهره برداری ارائه نداده است. آنچه مسلم است اینکه تاوان اصلی چنین حمله‌ای را تنها شهروندان و غیرنظامیان خواهند داد. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA رقمی بالغ بر ۳۷۱ تن هگزافلوراید اورانیوم که شدیداً سمی می‌باشد در تأسیسات هسته‌ای ایران ذخیره شده [۷]. انتشار این مواد از مجتمع‌هایی که تنها چند کیلومتر با مراکز پر جمعیتی مانند اصفهان فاصله دارند، حکم می‌کند که می‌بایستی ارزیابی جامع و کاملی از خطرات احتمالی این مواد بر روی هزاران غیر نظامی ساکن در مجاورت مجتمع‌های هسته‌ای ایران صورت پذیرد.

با وجود تأثیرات سوء آن بر اقتصاد، تورم، بیکاری، و از دست رفتن اعتبار بین‌المللی که ایرانیان را به نابودی کشانده است رهبران جمهوری اسلامی هیچ علاقه‌ای ندارند که خطرات سیاست‌های بی‌پروا و تهدید آمیز هسته‌ای شان را

برای مردم ایران آشکار کنند. ارتش ایران هیچ توضیحی در مورد خطرات ناشی از حملات نظامی به این تأسیسات هسته‌ای به مردم ایران ارائه نکرده‌اند. همچنین مجلس ایران از هیچ اقدامی برای ارزیابی نتایج اجرای سیاست‌های خطرناک دولت ایران بر روی دانشمندان و سربازان ایرانی و شهروندانی که در داخل یا مجاورت تأسیسات هسته‌ای ایران زندگی یا کار می‌کنند، استقبال نمی‌نمایند. لذا در این مطالعه سعی شده است که به این موضوع پرداخته شود و چتری از آگاهی را بر روی مردم ایران باز نماید.

آیت الله [خامنه‌ای]، رهبر ایران، در حال انجام یک قمار هسته‌ای مرگ آور می‌باشد. در حالی که هنوز هیچ دلیل محکمی برای اثبات اینکه ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است یافت نشده، پرسش‌های فراوانی در پیش روی جامعه بین‌المللی و همسایگان ایران در این زمینه وجود دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست می‌کند تا به تأسیسات هسته‌ای ایران که ممکن است کاربرد نظامی داشته، دسترسی پیدا کند. واقعیت‌های فنی هر چه باشد، واقعیت سیاسی این است: اسرائیل، ایران را تهدید به حملات نظامی می‌کند، زیرا دیپلماسی شکست خورده است. پس از انتخابات ایالات متحده، تصمیم‌گیری در مورد نحوه برخورد با برنامه هسته‌ای ایران یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برای رئیس‌جمهور







بعضی از آنها در مراکز شهری هستند) و همچنین سایر مراکز محرمانه هسته‌ای می‌باشند که توسط آژانس‌های اطلاعاتی و جاسوسی غربی شناسایی شده‌اند. سایر اهداف محتمل می‌تواند شامل تأسیسات سپاه پاسداران باشد که برای عملیات‌های تلافی‌جویانه بکار می‌روند و یا می‌تواند شامل مجتمع نظامی پارچین باشد که مشکوک به انجام فعالیت‌های تسلیحاتی می‌باشند. معادن اورانیوم و کارخانه‌های نیز ممکن است مورد هدف قرار گیرند. قابل تذکر است که تخمین‌های این گزارش محدود به تلفات و مجروحین ناشی از حمله مستقیم به چهار تأسیسات هسته‌ای فوق‌الذکر و سکنه مجاور آن است.

بر اساس بهترین اطلاعات موجود و همچنین تبادل نظر با متخصصین ایرانی و غربی، ما تخمین می‌زنیم که در کل بین ۷۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ نفر شامل دانشمندان، کارگران، سربازان و پرسنل پشتیبان، در چهار مجتمع فوق می‌باشند. به احتمال قریب به یقین میزان تلفات در تأسیسات فوق‌الذکر نزدیک به ۱۰۰ درصد است. با فرض اینکه به طور متوسط دو شیفت کاری در این مجتمع‌ها وجود داشته باشند، ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر در زمان حملات حضور خواهند داشت، بیشتر آنها در اثر تأثیرات حرارتی و فیزیکی ناشی از انفجارها کشته یا مجروح خواهند شد. اگر تلفات سایر اهداف نظامی را به آن اضافه کنیم، می‌توان پیش‌بینی کرد که تعداد کشته شدگان و مجروحین به بیش از ۱۰۰۰۰ نفر برسد.

به منظور درک اثرات روانشناختی و سیاسی حملات نظامی، برآورد ما آن است که تلفات غیر نظامیان ایران تنها در روز نخست حملات، می‌تواند بیشتر از رقم ۶۷۳۱ فلسطینی و ۱۰۸۳ اسرائیلی کشته شده در منازعات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها در دهه گذشته باشد که در گزارشات آمده است [۹]. حملات زمینی بشار اسد به شهرهای سوریه مانند قتل عام حمص و شهرهای دیگر، روزانه ده‌ها و صدها کشته در یک سال اخیر داشته است. هنوز تعداد کشته شدگان قتل عام‌های سوریه، به عدد محاسبه شده مرگ ناگهانی هزاران شهروند ایرانی در اثر حملات هوایی احتمالی به تأسیسات هسته‌ای ایران نمی‌رسد.

معذالک، برخلاف حملات نظامی متعارف، در این نوع حملات، غیرنظامیان به خاطر مواجهه با آسیب‌های حرارتی و انفجار در مجتمع‌های هسته‌ای کشته می‌شوند. در صورتیکه راکتورها مورد بهره برداری قرار گرفته باشند و نشت مواد رادیو اکتیو صورت پذیرد، احتمالاً ده‌ها هزار غیر نظامی، با ابر شیمیایی بشدت

آمریکا خواهد بود. تا کنون در هیچ زمانی خطر حملات نظامی برای مردم ایران به این اندازه زیاد نبوده است. برآورد این خطرات مشکل است ولی لازم است بر شمرده شوند. جنبه انسانی آن اهمیت فراوانی دارد. با برشمردن هزینه‌های حملات نظامی، ما به دنبال ساختن مقیاسی برای قمار بی پروای آیت الله [خامنه‌ای] و قمار حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل هستیم که نه تنها دامن مردم ایران بلکه جامعه بین‌المللی شامل سیاست‌گذاران آمریکا و اسرائیل را نیز در بر می‌گیرد.

این قمار هسته‌ای می‌تواند دارای پیامدهای کوتاه مدت و دراز مدت محلی، منطقه‌ای و جهانی باشد که پیشگیری از آنها غیر ممکن است. حملات متعارف که شامل بمباران سیستماتیک تأسیسات هسته‌ای است، بسیار مخرب‌تر از حوادث صنعتی هسته‌ای نظیر تأسیسات هسته‌ای در چرنوبیل، فوکوشیما و جزیره تری مایل [۸] می‌باشد. در صورت حمله، این امر مسلم است که سعی خواهد شد خسارات ناشی از بمباران هوایی استراتژیک، تا حد ممکن غیر قابل جبران باشد. این حملات زمانی را برای واکنش و پدافند باقی نمی‌گذارد و شناسی برای تخلیه اضطراری وجود ندارد. در موقع این حملات، امکان مهار نشت مواد سمی و رادیو اکتیو مقدور نیست.

جهت مقایسه علمی، چندین سابقه تاریخی برای ارزیابی مرگ و میر و جراحات ناشی از حملات متعارف بر تأسیسات هسته‌ای که در حال بهره برداری می‌باشند وجود دارد. تلفات در این مجموعه عبارتست از کل موارد مرگ و میر به علاوه جراحات حاد و مزمن ناشی از اثرات حرارتی، فیزیکی، شیمیایی و پرتویی حملات نظامی. برآورد تلفات و خسارات مردم ایران، به دو عامل اصلی بستگی دارد:

اول: مقاصد استراتژیک نظامی و توانمندی‌های آمریکا و اسرائیل، دوم: توانمندی‌های پیش‌بینی، پشتیبانی (لجستیک) و آمادگی دفاع غیر نظامی ایران. این دو عامل به متغیرهایی دیگری نظیر زمان و شدت حملات نظامی، نوع و تعداد اهداف نظامی، و همچنین شرایط سایت‌ها نظیر نوع و میزان ذخیره موجود مواد سمی، پراکندگی جمعیتی در مجاورت مجتمع‌های هسته‌ای و توانمندی‌های بازسازی و جبران بستگی دارد. سایر عوامل مهم طبیعی و زیست محیطی عبارتند از وضعیت توپوگرافی، جهت باد و میزان رطوبت. این عوامل برای تعیین تلفات انسانی و سایر خسارات، کلیدی هستند.

حملات نظامی متعارف تقریباً به طور حتم به مجتمع‌های هسته‌ای اصفهان، نطنز، اراک و فردو صورت می‌پذیرد. اما احتمال حمله به نیروگاه بوشهر، نسبتاً کمتر است ولی غیر ممکن نیست. علیرغم برخی شواهد، بسیاری از متخصصین به کارگیری سلاح‌های تاکتیکی (هسته‌ای) را بر علیه مجتمع‌های اصفهان و نطنز، غیر ضروری، نامناسب و مغایر اصول (دکترین) راهبردی آمریکا و قوانین بین‌الملل دانسته‌اند. تاکنون هیچ تکذیبی از احتمال بالای حملات متعارف بر علیه تأسیسات هسته‌ای اصفهان و اراک صورت نپذیرفته است. ما در این مجموعه، تأسیسات فردو در نزدیکی قم که در اعماق زمین قرار دارد را به دلیل اطلاعات ناقصی از این سایت مورد بررسی و تحلیل قرار ندادیم. با این وجود، مجتمع فردو تقریباً به طور حتم مورد حمله بمب‌های سنگر شکن قدرتمند قرار خواهد گرفت.

در این مطالعه، ما سناریوهای حملات را به صورت محافظه کارانه مورد فرض قرار دادیم و اثرات حملات نظامی متعارف بر روی چهار هدف که عبارت از اصفهان، نطنز، اراک و بوشهر می‌باشند، را تحلیل کردیم.

علاوه بر این تأسیسات، برخی برنامه ریزان نظامی پیشنهاد کرده‌اند که حملات نظامی بر علیه ایران، می‌تواند به بیش از ۴۰۰ هدف یا «نقطه هدف» تعمیم یابد. قصد از این حملات، آسیب دائمی به توانایی ایران برای احیای برنامه‌های هسته‌ای اش از طریق هدف قرار دادن پرسنل در سایت‌های هسته‌ای و همچنین زیرساخت‌های پشتیبانی و تأسیسات جنبی آن می‌باشد. پس از حذف سیستم پدافند هوایی، نقاط هدف محتمل در فهرست اهداف نظامی، شامل مراکز رهبری و فرماندهی، زیرساخت‌های مخابراتی، تأسیسات موشکی، کارگاه‌های سانتریفیوژ (که



آن، حملات بسیار شدیدتر خواهد بود زیرا این مرکز در اعماق زمین ساخته شده است. کشته شدگان در محل بسیار زیاد خواهند بود و اساساً این مجتمع هسته‌ای (زیر زمینی) به گور دسته جمعی تبدیل خواهد شد. در این مورد، تهدید ابر گازهای سمی شدید نخواهد بود. مجتمع نطنز در نزدیکی مناطق پر جمعیت شهری قرار ندارد و مناطق پر جمعیت اطراف آن، پراکنده هستند و جهت بادهای غالب به سمت شهرهای نطنز و کاشان نمی‌باشد. ما تخمین می‌زنیم که تلفات ناشی از مواجهه با ابر گازهای سمی در مناطق روستایی نطنز به حدود ۸۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر برسد. با عنایت به ظرفیت کشاورزی و باغداری نطنز، اثرات زیست محیطی حملات نظامی به اقتصاد محلی، بسیار شدید خواهد بود.

همچنین حمله نظامی به مجتمع‌های هسته‌ای در حال بهره‌داری، به خطرات پرتویی و خیمی منجر خواهد شد.

حمله نظامی به نیروگاه هسته‌ای بوشهر که با ۷۵ درصد توان در حال بهره‌داری بوده و راکتور آب سنگین اراک که در آینده به مرحله بهره‌برداری می‌رسد، می‌تواند تهدیدهای بسیار جدی تری را به نسبت حملات مشابه به اصفهان و نطنز بر مردم ایران به بار آورد.

بندر بوشهر، کمتر از ۷ مایل یا ۱۱ کیلومتر با تأسیسات هسته‌ای بوشهر فاصله دارد. جهت باد غالب به سمت شهر بوشهر که دارای ۲۴۰۰۰۰ نفر جمعیت می‌باشد، است. گرچه احتمال مورد هدف قرار گرفتن این تأسیسات نسبتاً کمتر است، اما این شهر سرنوشتی مشابه شهر پریپات در شوروی که پس از حادثه چرنوبیل متروکه شد را پیدا می‌کند. چنانچه برنامه ریزان نظامی، این تأسیسات را در فهرست اهداف نظامی حمله قرار دهند، در این منطقه صدها هزار نفر در معرض مقادیر خطرناک تشعشعات قرار خواهند گرفت. اگر ۱ تا ۵ درصد جمعیت منطقه بوشهر با مقدار بالای تشعشعات هسته‌ای روبرو شوند، ۲۴۰۰ تا ۱۲۰۰۰ نفر از مشکلات شدید سلامتی نظیر بازماندگان حادثه چرنوبیل رنج خواهند برد. بعلاوه، خسارات به فراسوی مرزهای ایران گسترش خواهد یافت. حمله به نیروگاه هسته‌ای بوشهر، تهدید اقتصادی و زیست محیطی عمده‌ای را برای شهروندان کویت، امارات متحده، عراق و عربستان سعودی در بر خواهد داشت. این حادثه نه تنها موجب نابودی مراکز تجاری مهم و ماهی‌گیری خلیج فارس می‌شود، بلکه آلودگی مجموعه‌های آب شیرین کن، بندر و حوزه نفت را در پی خواهد داشت. به منظور پی بردن به پیامدهای اقتصادی حمله نظامی به تأسیسات بوشهر، می‌توان به مورد مشابه آن که حادثه چرنوبیل است توجه نمود. بنا به اظهار دولت بلاروس، در حادثه چرنوبیل بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارات اقتصادی به بار آمد.

تأسیسات اراک نیز یک هدف نظامی حتمی به شمار می‌آید. راکتور ۴۰ مگاوات آن می‌تواند برای تولید پلوتونیوم ۲۳۹ که برای ساخت سلاح‌های اتمی مورد نیاز

سمی مواجه خواهند شد.

حمله نظامی به مجتمع فرآوری اورانیوم اصفهان و مجتمع غنی‌سازی نطنز، باعث انتشار ذخایر گاز سمی فلورین و سایر ترکیبات قابل تبدیل به اسید هیدروفلوریک، در هوای می‌گردد. اسید هیدروفلوریک یک ماده بسیار فعال بوده که در صورت تنفس باعث تجمع مایعات در ریه و در نتیجه منجر به خفگی شخص می‌گردد. در کل می‌توان گفت، گاز فلورین، گاز خورنده و سمی تری نسبت به گاز کلرین است که در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت. هنگامیکه این گاز در هوا منتشر شود و به میزان کشنده برسد، ابرهای کشنده تمام اشکال حیات را در مسیرشان از بین خواهند برد. بسته به حجم مواد شیمیایی ذخیره شده در این تأسیسات، تراکم جمعیتی در مجاورت تأسیسات، بادهای غالب منطقه و شرایط آب و هوایی، ده‌ها هزار نفر از کارکنان و غیر نظامیان اصفهان و (کمی کمتر در) نطنز با ابر سمی مواجه خواهند یافت. این ابرهای سمی، به ریه افراد آسیب خواهد زد، آنها را نابینا خواهد کرد، سوختگی‌های شدیدی را ایجاد خواهد نمود و آسیب‌های دیگری به بافت‌ها و اعضای حیاتی وارد خواهد نمود. حتی در صورتیکه تمام یا بخشی از این مواد در آنجا ذخیره شده باشند و نشده باشند.

در این میان، اصفهان به خصوص، هزینه بالای قمار آیت الله [خامنه‌ای] و قمار حملات اسرائیلی و آمریکایی را پرداخت خواهد نمود. حجم زیاد موجود و کشندگی مواد شیمیایی سمی تولید شده در تأسیسات هسته‌ای اصفهان موجب می‌شود که نتوان خطر این مواد را - حتی در صورتیکه تمام یا بخشی از این مواد در آنجا ذخیره شده باشند - بر روی شهروندان این شهر زیبا و تاریخی نادیده گرفت. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میلادی، مجتمع فرآوری اورانیوم اصفهان بیش از ۳۷۱ تن هگزافلوراید اورانیوم ( $Uranium Hexafluoride$ ) تولید نموده که در اصفهان و نطنز نگهداری می‌شود [۱۰]. بر مبنای محاسبات ما، چنانچه تنها ۵ درصد از ۳۷۱ تن (۳۷۱ هزار کیلوگرم) هگزافلوراید اورانیوم تولید شده در تأسیسات اصفهان، در جریان حملات هوایی یا پس از آن در هوا منتشر شود، ابر سمی با درجه خطر فوری برای حیات و سلامتی (IDLH) ۲۵ میلی گرم در لیتر، ۵ مایل (۸ کیلومتر) را طی کرده و مساحتی بالغ بر ۱۳ مایل مربع یا ۳۳ کیلومتر مربع را آلوده می‌کند. با در نظر گرفتن جهت و سرعت باد غالب حدود ۹/۴ مایل بر ساعت یا ۱۵ کیلومتر در ساعت به سمت شهر اصفهان، در ظرف یک ساعت، ابر سمی می‌تواند ۲۴۰۰۰ سکنه مناطق شرقی شهر اصفهان که شامل مناطق ۴ و ۶ شهرداری اصفهان می‌شوند، را در برگیرد. با انتشار ۲۰ درصد ذخایر گاز فوق، ابر دارای درجه خطر فوری برای حیات و سلامتی (IDLH) بالا، ۹ مایل یا ۱۴/۵ کیلومتر را طی نموده و مسافتی بالغ بر ۴۱ مایل مربع یا ۱۰۶ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. در این حالت، حدود ۳۵۲۰۰ شهروند اصفهانی از مناطق شهرداری ۱۳، ۴ و ۶، بعلاوه ساکنین شمال منطقه ۴ را آلوده می‌کند. اگر ما خیلی محتاطانه، میزان تلفات را ۵ تا ۲۰ درصد جمعیت اصفهان فرض کنیم، باید در انتظار ۱۲۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ نفر کشته باشیم. بنابراین، بسیار محتمل است که مردم شهر اصفهان با یک تراژدی در مقیاس و نظیر حادثه پوپال هند که در کارخانه یونیون کارباید هندوستان در سال ۱۹۸۴ میلادی روی داد، مواجه شوند. به علاوه، تخریب زیست محیطی از طریق انتشار ترکیبات اورانیوم در هوا و ورود آن به آب، خاک و زنجیره غذایی، اثرات دراز مدت و مزمنی را بر روی سلامت افراد مانند سرطان و آسیب‌های جنینی برجای خواهد گذاشت. اصفهان به عنوان یک قطب مهم فرهنگی و اقتصادی از نظر تاریخ، معماری و زیبایی با شهرهای فلورانس و کیوتو قابل مقایسه است، در حالیکه این شهر در معرض نابودی می‌باشد. با این وجود، چنانچه این مواد از مرکز فرآوری اصفهان خارج شوند و در جایی دیگر انبار گردند، شمار تلفات کاهش چشمگیری پیدا خواهد نمود.

در مورد مرکز غنی‌سازی سوخت هسته‌ای نطنز و نیروگاه آزمایشی غنی‌سازی



یک گام کلیدی پیشگیرانه برای کاهش قرارگیری شهروندان در معرض مواد رادیواکتیو، آگاه سازی مردم از مکان و مقدار مواد سمی و رادیواکتیو ذخیره شده ایران می باشد. همچنین باید اطمینان حاصل کرد که در نزدیکی مراکز پرجمعیت ذخیره کردن مواد شیمیایی صورت نمی گیرد. در ضمن باید مسئولین را تشویق نمود تا به آموزش عمومی مردم و تهیه برنامه های دفاع غیرنظامی جهت تخلیه اضطراری و درمان افراد در معرض خطر ابر سمی شیمیایی و رادیواکتیو مبادرت ورزند. ضروری است که شورای امنیت سازمان ملل، سازمان بین المللی انرژی اتمی، صلیب سرخ بین الملل و سایر سازمانهای بین المللی، پیامدهای انسانی بمباران تأسیسات هسته ای ایران را از قبل یادآور شوند، نه اینکه بعد از حادثه متوجه آن گردند. علاوه بر ایران، بمباران تأسیسات هسته ای ایران، موجب می شود مدلی خطرناک با پیامدهایی گسترده، نه تنها برای صنایع هسته ای بلکه برای تمام ملت هایی که با تعارضات جدی در برنامه هسته ای شان روبرو هستند، بوجود آید.

در درازمدت، نه معامله هسته ای با دولت ایران، و نه حملات نظامی خواهد توانست یک راه حل رضایت بخش طولانی مدت برای بن بست هسته ای ایران به بار آورد. آیت الله [آخامنه ای] به عنوان قدرتمندترین فرد ایران امروز و فردی که می تواند موضوع هسته ای و حملات نظامی را متوقف سازد، با حملات نظامی به ایران در مسند قدرت مستحکم تر خواهد شد.

بهترین استراتژی طولانی مدت، همانا ایجاد یک دولت دموکراتیک، شفاف و پاسخگو در ایران است. در این سناریو، رهبران سیاسی، به سرعت در خواهند یافت که مردم کشورشان از آنها، کار، احترام، فرصت سازی و آزادی سیاسی می خواهند، نه اینکه با تمسک به وعده های دروغین، به دنبال سلاح هسته ای باشند که برای مردم کشور، هزینه سنگین به بار آورند و حتی موجودیت آنها را به مخاطره بیافکنند. حملات نظامی نه تنها هزاران شهروند را به کام مرگ خواهد کشید و نیز دهها و شاید صدها هزار نفر را با مواد شیمیایی خطرناک مواجه خواهد نمود، بلکه هیچ کمکی هم در به ثمر رسیدن تلاش های مردم ایران جهت دستیابی به دموکراسی نخواهد نمود. آیت الله [آخامنه ای] ثابت نموده که کمتر به مردم ایران توجه دارد. این بر عهده ما در جوامع بین المللی، بخصوص جامعه ایرانیان خارج از کشور می باشد که این آگاهی را برای مردم ایران و جهان فراهم سازیم.

## پانویس:

[۱] - Pete Kasperowicz, "دموکرات ها برای ارائه گزارش پیامدهای حمله نظامی به ایران، فشار می آورند" ۳۱ ماه می ۲۰۱۲, The Hill  
[۲] - <http://www.nytimes.com/2012/06/20/world/middleeast/tense-iran-nuclear-talks-resume-in-moscow.html>

[۳] - (مترجم): <http://farsi.khamenei.ir/FA/Message/detail.jsp?id=۸۷۰۴۰۸۸>

[۴] - American Israel Public Affairs Committee

[۵] - Chris McGreal, «تانیاهو رو به ایران: هچکدام از ما بیش از این نمیتواند به انتظار بنشیند»، گاردین، ۶ مارس ۲۰۱۲

[۶] - Tom Peter, «تانیاهو: ایران مذاکرات را جدی نمی گیرد»، کریستین ساینس مانیوتور، ۱۸ می ۲۰۱۲

[۷] - «توافقنامه اجرای حفاظت از NPT و اجرای قطعنامه های مرتبط شورای امنیت»، گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی به هیات مدیره، ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ میلادی.

[۸] - (مترجم): حادثه اتمی تری مایل آیلند، بدترین حادثه اتمی آمریکا و نخستین فاجعه راکتورهای هسته ای دنیا (پیش از حادثه چرنوبیل) است که در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ میلادی در تری مایل آیلند آمریکا اتفاق افتاد. در این حادثه بخشی از هسته اصلی واحد ۲ در نیروگاه تری مایل آیلند در ایالت پنسیلوانیا در آمریکا ذوب شد که باعث نشت ۳ میلیون کوری گاز رادیواکتیو به بیرون از نیروگاه گردید. در پی این حادثه حدود ۱۴۰۰۰ نفر از اهالی منطقه خانه های خود را ترک کردند. پس از حادثه تری مایلی آیلند، ساخت نیروگاه های هسته ای برای مدتی در آمریکا متوقف شد. مرجع: حادثه تری مایل آیلند، wikipedia.

[۹] - «بی تسلیم: از سال ۲۰۰۰، ۷۴۵۴ اسرائیلی و فلسطینی کشته شده اند»، جرزالم پست، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰

[۱۰] - «توافقنامه اجرای حفاظت از NPT و اجرای قطعنامه های مرتبط شورای امنیت»، گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی به هیات مدیره، ۱۸ فوریه ۲۰۱۰.

[۱۱] - «یاکوف لاپین، «رئیس پیشین شین بت، طرح نجات نخست وزیر باراک را بهم می زند»، جرزالم پست، ۲۹ مارس ۲۰۱۲

است، بکار رود. آژانس بین المللی انرژی اتمی اظهار می دارد که براساس تصاویر ماهواره ای، نیروگاه تولید آب سنگین در اراک، در حال حاضر عملیاتی شده است و جمهوری اسلامی ادعا می کند که برنامه ریزی شده تا راکتور آب سنگین اراک در سه ماهه سوم ۲۰۱۳ میلادی به بهره برداری رسد. حمله به این راکتور قبل از بهره برداری می تواند موجب مرگ ۵۰۰ نفر از کارکنان مجتمع شود اما خطر عمده ای برای ساکنان اطراف مجتمع بوجود نمی آورد. با این حال، زمانی که راکتور به بهره برداری رسد، حمله نظامی به آن، خنداب با جمعیتی بالغ بر ۷۲۰۰۰ نفر واقع در ۲ مایلی یا ۳/۲ کیلومتری مجتمع را با مقادیر زیادی مواد رادیواکتیو مواجه می کند. ما تخمین می زنیم که اگر تنها ۱ تا ۵ درصد جمعیت در معرض تشعشعات رادیواکتیو قرار گیرند، بین ۷۲۰ تا ۳۶۰۰ نفر از اثرات سوء و مزمن ناشی از مواد رادیواکتیو جرحات خواهند دید.

فراسوی حملات نظامی، عامل کلیدی بعدی در مورد تعیین سطح تلفات ناشی از حملات نظامی، سیستم مدیریت بحران و توانمندی های آمادگی در روبرویی با سوانح محسوب می شود. در صورت حمله نظامی، جمعیت زیادی از مردم اصفهان و جاهای دیگر در معرض ابر گازه های سمی قرار می گیرند. شواهد تاریخی بیانگر آن است که مدیریت بحران ضعیف و آمادگی ناکافی برای سوانح می تواند میزان تلفات را تا ۱۰ برابر افزایش دهد. به عنوان مثال، تلفات زلزله بم، ده برابر زلزله شدیدتری بود که در ترکیه در منطقه پرجمعیت تری روی داد. نظر به اینکه در اینجا، مواجهه با تشعشعات مورد نگرانی است، باید به خاطر داشت که اساسا جمهوری اسلامی ایران توانایی چندانی برای مدیریت چنین حادثه ای را در هر سطحی ندارد. از نظر مواجهه پرتویی، تنها مورد مستند شده توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی، مربوط به مورد ناشناخته گیلان می باشد که جمهوری اسلامی هیچ کاری از عهده اش برنیامد بجز اینکه کارگر حادثه دیده را به مرکز انستیتو کیور Institut Curie در کشور فرانسه برای درمان های تخصصی اعزام کند. در هنگام حوادث بزرگ در راکتورهای در حال بهره برداری ایران، دریافت خدمات پزشکی یا مراقبت های دولتی برای مردم بسیار مشکل خواهد بود.

در ارزیابی گزینه نظامی، برخی تحلیلگرها اظهار می دارند که حمله نظامی بر علیه تأسیسات هسته ای ایران می تواند بسیار ساده و موثر باشد. این ارزیابی ها بیان می دارند که سادگی این حملات مانند حمله اسرائیل به سایت اوسیراک در عراق خواهد بود. اوسیراک، سایت هسته ای نیمه ساخته شده صدام حسین بود که قرار بود از راکتوری فرانسوی بهره مند شود و توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۱ میلادی منهدم گردید. چنین قیاسی نادرست است. نیروگاه های هسته ای ایران را نمی توان با اوسیراک مقایسه کرد. مجتمع های ایران گسترده، در حال بهره برداری، دارای نیروی انسانی زیاد و حاوی صدها تن مواد شیمیایی سمی و رادیواکتیو می باشند. اخیرا بیوآل دیسکین، رئیس پیشین سازمان شین بت (سازمان امنیت داخلی اسرائیل)، هشدار داد که حمله نظامی به ایران، حتی می تواند به پیشبرد برنامه هسته ای ایران کمک کند: «آنچه دولت مردان ایران در حال حاضر در خفا انجام می دهند، در صورت وقوع حملات نظامی، با شتابی زیاد و بی پروا، انجام خواهند داد.» [۱۱]

جای نادیده گرفتن مردم ایران و احتساب آنها به عنوان خسارات اجتناب ناپذیر این حملات، زمان آن فرا رسیده است که چتری از آگاهی برای مردم ایران بگسترانیم. متوجه نمودن و کنجکاو ساختن مردم ایران به بحث حملات نظامی، به عنوان یک عامل کلیدی در مناقشه هسته ای، بسیار اخلاقی، راهبردی و سیاسی است. دستکم آن است که باید به مردم ایران به ویژه مردم اصفهان، درباره پیامدهای حملات نظامی هشدار داد. سرانجام، مردم اصفهانند که هزینه هنگفت حملات نظامی را پرداخت خواهند کرد و آنها کسانی خواهند بود که مدافعین اسرائیلی و آمریکایی حمله نظامی را در یک باتلاق استراتژیک و اخلاقی به عنوان مجرمین یک فاجعه هسته ای محصول دست بشر قرار خواهند داد.





گفتگو با دکتر علی نیری، فیزیکدان برجسته ایرانی در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی:

# اتم برای هیچکس، زمین برای همه

دکتر علی نیری یکی از برجسته‌ترین فیزیکدانان ایرانی امریکایی است که در رشته فیزیک نظری از دانشگاه MIT ایالت ماساچوست دانشنامه دکترای خود را دریافت کرده است. او در کوله بار علمی خود سال‌ها سابقه تدریس در دانشگاه هاروارد را دارد در ۵ سال گذشته که به کالیفرنیا مهاجرت کرده است نیز از نزدیک با مرکز تحقیقات فیزیک سانتا باربارا و دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در ایرواین همکاری مستمر علمی داشته است.

اما آنچه این فیزیکدان نظری را از سایر دانشمندان هم‌تراز خود مستثنی می‌کند، نگرش او به جهان بینی انسانی و دیدگاه‌های ویژه او در برقراری رابطه بین علوم پایه انسانی و فیزیک نظری است که از وی علاوه بر فیزیکدانی برجسته، کارشناسی نوگرا در حوزه جامعه‌شناسی مدرن ساخته است.

دکتر نیری که از سال ۲۰۰۵ به این سو عضویت در اتحادیه دانشمندان نگران را نیز در کارنامه خود دارد، پس از افشای برنامه اتمی جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۳ با جدیت و بر اساس این فرضیه که اصولاً بهره‌گیری از انرژی اتمی به دلیل خطرات گسترده‌ای که برای انسان دارد قابل قبول نیست به صف منتقدان آن پیوسته است.

دکتر نیری را با توجه به سابقه علمی و تحقیقاتی‌اش به گفتگو فراخواندیم تا از منظر یک فیزیکدان نظری و آشنا به جامعه و تاریخ معاصر ایران، درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی بیشتر بدانیم.



نگران پیشرفت تکنولوژی را رصد می‌کردند، بارها و بارها درباره خطرات این نوع تکنولوژی تذکر دادند تا اینکه در آوریل ۱۹۸۶ حادثه چرنوبل از نزدیک نشان داد که استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای می‌تواند به اندازه کاربرد نظامی آن کشنده و خطرناک باشد.

در این سوی دنیا نیز برخی سانه‌ها در سال‌های اخیر نشان داده است که انرژی هسته‌ای دوستی مطمئن برای انسان‌ها نیست. شاید آخرین نمونه اینچنین حوادث تلخی را بتوان نمونه ژاپنی آن در فوکوشیما دانست. با اینکه ژاپنی‌ها از بهترین و پیشرفته‌ترین نسل تکنولوژی هسته‌ای بهره می‌برند اما باز هم حادثه تلخ فوکوشیما نشان داد که علی‌الرغم رعایت همه موازین ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای در برابر رخداد‌های طبیعی مانند زلزله‌های بزرگ، سونامی و ... قادر به حفظ امنیت خود نیستند و طبیعی است اختلال در روند فعالیت آنها به قیمت جان انسان‌ها، سلامت محیط زیست و از دست رفتن گونه‌های زیست محیطی در مناطق استقرار آنها و احتمال انتشار پرتوهای خطرناک در محدوده‌های بزرگ جغرافیایی تمام می‌شود.

همین نگرانی‌ها و تجربه‌های تلخ استفاده از انرژی اتمی است که آنرا به تکنولوژی مرد‌های تبدیل کرده است که نباید در آینده بشر جایی داشته باشد. کشورهایمانند آلمان این خطر را به خوبی درک کرده‌اند و به روند حذف آن از چرخه تولید انرژی خود سرعت بخشیده‌اند تا آنجا که تصمیم دارند در حرکتی انقلابی تا فقط ۵ سال دیگر کلیه وابستگی‌های خود را به نیروگاه‌های هسته‌ای مرتفع کرده و برای همیشه پرونده این نوع انرژی را در کشور خود ببندند. با چنین دیدگاهی است که من به عنوان عضوی از اتحادیه دانشوران نگران با دیده تردید به برنامه مناقشه

دکتر علی نیری که عضو بنیاد دانشمندان امریکاست در ابتدای صحبت‌هایش با مجله ایران‌شهر با اشاره به سابقه علمی خود می‌گوید:

«من دانش آموخته فیزیک نظری هستم که مسائل بنیادین طبیعت و هستی را مورد بررسی علمی قرار می‌دهد و طبیعی است که میان این رشته علمی و فیزیک هسته‌ای که از گرایش‌های تخصصی رشته فیزیک است تفاوت‌هایی وجود دارد. اما آگاهی به موضوعات بنیادین طبیعت و پیدایش هستی در سال‌های اخیر و نه تنها پس از فاش شدن برنامه اتمی جمهوری اسلامی، بلکه از دیرباز مرا به این نتیجه رسانده است که انرژی هسته‌ای برای هیچ‌کجای دنیا و هیچ‌کشوری خوب نیست. چرا که از منظر من این نوع تولید انرژی به سراسری می‌ماند که خطرات عظیم و صدمات غیر قابل جبرانی برای حیات کره زمین، طبیعت، موجودات زنده و در راس همه این‌ها نسل بشر به همراه دارد.

اگرچه در دهه‌های پیش و علی‌الخصوص در اوج جنگ سرد در دهه ۱۹۶۰ میلادی که دوره شکوفایی علوم هسته‌ای هم هست، این تصور عمومی وجود داشت که انرژی هسته‌ای می‌تواند جایگزینی خوب برای انرژی‌های فسیلی باشد و حتی به نوعی بر خورداری از فن آوری آن، نمونه‌ای از توسعه ماندگار تلقی می‌شد اما به زودی در میان دانشمندان و کسانی که از نزدیک با موضوعات بنیادین این تکنولوژی آشنایی داشتند این نگرانی ایجاد شد که روند رو به رشد بهره‌گیری از چنین تکنولوژی‌های خطرناکی می‌تواند به فجایع جبران‌ناپذیری منجر شود که حیات کره زمین را به خطر اندازد. از همین رو گروهی از فیزیکدانان و ریاضیدانان امریکایی، اتحادیه دانشوران نگران را با هدف اطلاع‌رسانی و انتقال آگاهی به مردم در دهه ۱۹۶۰ تاسیس کردند. از همان ابتدا این گروه از دانشمندان که با دیدی



بی شک یک ایران اتمی به عنوان یکی از متحدان استراتژیک ایالات متحده امریکا در همسایگی اتحاد جماهیر شوروی، می توانست در نقشه مناسبات بین المللی بین آنها موثر باشد و طبیعی است که زمامداران وقت هم با تیزهوشی از این امتیاز برای رونق و توسعه کشور بهره برداری کنند. از سوی دیگر شاه با ژستی اقتدارگرایانه و بلند پروازی هایی که برآمده از غرور ناشی از رویاهای او بود خبر از تاسیس ۲۴ نیروگاه هسته ای در ایران می داد. چیزی که همانطور که گفتیم بیشتر برآمده از رویاهای ملوکانه بود تا کارشناسی های علمی!

در بعد از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ انرژی اتمی هم مانند بسیاری دیگر از نمادهای توسعه و تجدد به عنوان میراث طاغوت و مظاهر غربزدگی شناخته شد و در غبار فراموشی جا خوش کرد تا اینکه به یکباره در سال ۲۰۰۳ از افشای برنامه ای سری در جمهوری اسلامی که برای مدت ۱۸ سال ادامه داشت پرده برداشته شد. در حقیقت جمهوری اسلامی به فاصله کوتاهی پس از آنکه برنامه هسته ای رژیم سابق را مردود خوانده بود بر اساس باورهای اقتدارگرایه اش آن را به صورت سری و پنهان از چشم جهانیان دنبال کرده بود. آنچه بیش از هر چیزی در این میان خود نمایی می کند تاکید جمهوری اسلامی بر ادامه این برنامه به عنوان منافع ملی و حق مسلم مردم ایران است در حالی که هیچکس به اندازه خود مردم برای این برنامه نامحرم نبوده اند و همیشه سعی شده است تا حقایق مربوط به آن از مردمی که ادعا می شد بر اساس منافع آنها این برنامه در حال انجام است پنهان و آنها از روند اجرای آن بی اطلاع نگه داشته شوند.

نکته مهم دیگری که درباره سابقه برنامه مشکوک هسته ای ایران وجود دارد به بخشی از نامه محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه پاسداران) به خمینی در زمان

انگیز هسته ای جمهوری اسلامی نگاه می کنم و این همه اصرار برای بدست آوردن و استفاده از آن را حتی به صورت کاملاً صلح آمیز و بدور از همه اما و اگرهایی که درباره آن مطرح می شود کاری مردود می دانم.»

دکتر علی نبیری با مرور تاریخ تشکیل سازمان انرژی اتمی در ایران و سابقه فعالیت های هسته ای در پیش از انقلاب و با در نظر گرفتن شرایط مربوط به دوران جنگ سرد می گوید:

«برای آنکه درک کنیم چرا ایرانی ها به سمت انرژی هسته ای گرایش پیدا کردند باید سرنخ ماجرا را در همین کالیفرنیا و در دانشگاه استنفورد در دهه ۱۹۶۰ میلادی جستجو کنیم. در آن زمان یک گروه از دانشمندان در استنفورد طی تحقیقی اعلام می کنند که ذخایر نفت و گاز ایران حد اکثر تا سی سال بعد یعنی دهه ۱۹۹۰ میلادی قابل استخراج هستند (نظریه ای که سال ها ست اشتباه بودن آن مشخص شده است). همین مسئله باعث شد که حکومت وقت (پادشاهی پهلوی) به فکر تامین انرژی از روند مرسوم کشورهای پیشرفته در آن عصر بیافتد. دکتر علی اکبر اعتماد که باید به حق او را پدر انرژی اتمی ایران دانست در همین راستا اقدامات قابل توجهی انجام می دهد که به تاسیس سازمان انرژی اتمی در ایران می انجامد. اگر چه او اذعان دارد که تشکیل چنین سازمانی و برنامه هسته ای ایران در قبل از انقلاب هم به جای اینکه برآمده از کار کارشناسی کارگروه ها و کمیته های علمی و تخصصی باشد، یک امر ملوکانه تلقی می شد.

از سوی دیگر در دوران جنگ سرد بیش از هر زمان دیگری اتم به عنوان ابزاری در دست ابرقدرت ها برای موازنه قدرت در سطح بین الملل مطرح بود. در رقابت تسلیحاتی شوروی و امریکا و کشورهای متحد این دو ابرقدرت دوران جنگ سرد





ایران برای بازی در مناسبات بین‌المللی تشبیه کرده و با در نظر گرفتن موضوعات حقوق بشری می‌افزاید:

«نباید فراموش کرد که سردمداران جمهوری اسلامی زیر برنامه هسته‌ای خود بسیاری از چالش‌ها و نقض مکرر حقوق بشر در ایران را معامله می‌کند و هر وقت جهان به دلیل موضوعات حقوق بشری به آنها فشار می‌آورد آنها با موضوع کشتار برنامه هسته‌ای اذهان عمومی بین‌المللی را از موضوع نقض حقوق مدنی شهروندان ایرانی منحرف می‌کنند.»

دکتر نیری با فرض بر اینکه هیچ هدف نظامی در برنامه اتمی ایران وجود نداشته باشد هم این برنامه را مغایر با منافع ملی ایران قلمداد کرده و توضیح می‌دهد:

«صادقانه اگر به موضوع برنامه هسته‌ای ایران نگاه کنیم می‌بینیم که هیچ منفعتی از آن برای مردم ایران به بار نمی‌آید. چرا که ایران از لحاظ منابع اورانیوم خام کم استعداد است و همه اورانیوم غیر خالص، با کیفیت پایین و بسیار عمیق در ایران را هم استخراج کنیم و در چرخه غنی‌سازی به مرحله تبدیل به میله‌های سوخت کنیم هم باز مصرف حداکثر هفت تا دوازده سال یک نیروگاه اتمی مانند بوشهر را تامین کرده‌ایم و پس از آن مجبوریم به دنبال خرید و واردات اورانیوم باشیم. حکومت ایران میلیاردی دلار هزینه مستقیم و صدها میلیارد دلار دیگر هزینه ناشی از تحریم‌ها و... را در حالی که مردم ایران تحمیل کرده است که در ازای آن یک تکنولوژی دست‌چندم، نا کارآمد و غیر قابل اعتماد را برای مردم ایجاد کند که نه تنها در آینده به توسعه و پیشرفت ایران کمک نخواهد کرد بلکه موجی وابستگی و خطر هم برای آنها ایجاد می‌کند.

با این همه می‌بینیم که جمهوری اسلامی در حالی که هنوز هیچ نیروگاه فعال و قابل استفاده‌ای ندارد، به احداث تاسیسات غنی‌سازی دست می‌زند و با نصب سانتریفیوژها، اقدامات شک برانگیز انجام می‌دهد. شک برانگیز از این جهت که این کار به مثابه آن است که ما اتومبیلی برای سوار شدن نداشته باشیم و آن وقت پالایشگاه تولید بنزین برای همان ماشینی که نداریم احداث کنیم. این روشن‌ترین مثالی است که می‌توان در این باره مطرح کرد.»

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ هشت ساله با عراق بازمی‌گردد. رضایی در آن نامه احتمال بردن جنگ را ناممکن تلقی کرده و برنده شدن احتمالی در جنگ را به شرایطی وابسته می‌داند که در آن زمان امکان دستیابی ایران به آن غیر ممکن ارزیابی می‌شود. یکی از این شرایط به نص صریح این نامه داشتن سلاح‌های لیزری و یا بمب اتمی است. این دیدگاه نشان می‌دهد که پس از فراغت ایران از جنگ خانمانسوز با عراق توجه و تمرکز سردمداران رژیم اسلامی متوجه این تصورات است که می‌توانند از برنامه هسته‌ای فعال برای ایجاد حاشیه امنیتی در حوزه بین‌المللی برای خود بهره ببرند. چیزی شبیه به الگوی کره شمالی که توانسته است با داشتن کلاهک‌های هسته‌ای جلوی تلاش دنیای غرب را برای ایجاد رفرم و یا حمله نظامی به این کشور بگیرد. نکته خطرناک اینجاست که هیچ سندی مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در دسترس نیست با اینکه نشانه‌های زیادی در این باره وجود دارد و حدس و گمان‌های بسیاری در خصوص آن مطرح است اما تا کنون هرگز سندی محکم پسند در این باره ارائه نشده است. از سوی دیگر وقتی جرج بوش در سخنرانی معروف خود، ایران را به همراه عراق و کره شمالی محور شرارت نامید و پس از آن، میان این سه گزینه یعنی کره شمالی که دارای توانایی هسته‌ای بود، ایرانی که به تازگی دنیا متوجه فعالیت مشکوک او در زمینه هسته‌ای شده بود و عراق که بارها اعلام کرده بود توان هسته‌ایش را به کلی از دست داده است، به عراق حمله نظامی کرد، به غلط این پیام را رهبران تهران دریافت کردند که داشتن توان هسته‌ای می‌تواند نقش بازدارنده در سرنگونی آنها از طریق مداخله نظامی ایفا کند و پس از همین دوره است که می‌بینیم برنامه هسته‌ای ایران سرعت می‌گیرد. به جرات می‌توان نتیجه گرفت که خامنه‌ای و دیگر رهبران جمهوری اسلامی از اهمیت دستیابی به سلاح هسته‌ای و یا توان اتمی برای ایفای نقش بازدارندگی در مقابل مداخله خارجی آگاهی یافته‌اند و با الگویی که از کره شمالی در ذهن خود ساخته‌اند در حال حرکت در مسیری هستند که سرانجام آن فقط و فقط به پرداخت گزاف‌ترین بها برای مردم ایران خواهد انجامید.»

دکتر علی نیری موضوع اتمی ایران را به برگه‌ای در دست صاحبان قدرت در







دکتر علی نیری ناکارآمدی علم گرایی در ایران و عدم توجه به تحقیقات علمی مستقل و نیز بهره گیری از تکنولوژی های کهنه و دست چندی را از دیگر معضلات برنامه اتمی جمهوری اسلامی بر شمرده می گوید:

«در دوران صفویه انگلیسی ها در جنوب ایران و درست در همین منطقه بوشهر امروزی تاسیسات عظیم کشتی سازی ساخته بودند و تمام نیاز خود را به کشتی برای انتقال برده ها از آفریقا به آمریکا و ... را از آن جا تامین می کردند. حتی در جنگ با پرتغالی ها و ماجرای تنگه هرمز، نیروهای ایرانی با استفاده از کشتی های همین کارخانه انگلیسی پرتغالی ها را شکست می دهند. تا به حال از خود پرسیده ایم که چنین کارخانه ای کجاست؟ و چه بلایی سر آن آمده است؟ آنچه از نوشته مورخان برمی آید تخریب این کارخانه بر اثر زلزله ای بسیار عظیم است که در منطقه سواحل جنوبی ایران به وقوع می پیوندد و باید بیش از ۶ تا ۷ ریشتر هم قدرت می داشته. با این حال می آیند و درست در چنین منطقه ای نیروگاه هسته ای می سازند. امروزه شاهد نوعی خودکشی جمعی آذربایجان و یابروز نشانه هایی از خونریزی های اپیدمیک در میان گونه های آبری خلیج فارس هستیم که نشانه های روشنی از تاثیر پدیده های مربوط به آلودگی رادیو اکتیو بین آذربایجان این منطقه است. از سوی دیگر این تاسیسات در معرض خطر حملات سایبری است که ضریب ایمنی و کارایی آنها را تا حد خطرناکی به چالش می کشد. حتی در مواردی شاهد آن هستیم که ناگاهی دست اندر کاران و رسانه ها و عدم اطلاع مردم هم به ماجرا دامن می زند. به عنوان کوچکترین نمونه آنچه در فرهنگ عامه و حتی رسانه ها رایج است اینکه از اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد برای مصارف پژوهشی یاد می شود در حالی که این موضوع غلط است و منظور اورانیوم با غلظت ۱۹,۷۵ درصد است. شاید بخندید اما وقتی متوجه باشیم که همین بیست و پنج صدم درصد موجب نقض پادمان اژانس بین المللی انرژی اتمی موسوم به NPT می شود و نقض این پادمان به معنی تلاش برای دست یابی به سلاح های هسته ای در مقابل استفاده صلح آمیز از این توانایی است می بینیم که تا چه اندازه آگاهی عمومی در این باره پایین است.»

دکتر علی نیری فیزیکدان ایرانی آمریکایی در پایان گفته های خود بار دیگر بر مردود بودن استفاده از انرژی هسته ای برای همه کشورها تاکید کرده و می افزاید: «آنها که فکر می کنند داشتن انرژی هسته ای برایشان امنیت می آورد، مرا یاد فیلم اربابان حلقه می اندازند که به هوس قدرت، سعی دارند حلقه را تصاحب کنند اما سرانجام، این حلقه چیزی جز نکبت برایشان به ارمان نمی آورد.»

دکتر علی نیری در بخشی دیگر از گفتگوی خود با ایرانشهر با توجه به موضوع دست اندر کاران برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و دانشمندان فعال در این برنامه می گوید:

«چند موضوع در این زمینه قابل توجه است. وقتی می گوئیم که گروهی از دانشمندان ایرانی در حال پیشبرد این برنامه های هستند که از همه جهت به ضرر مردم ایران است به راستی این سوال پیش می آید که چگونه می توان دانشمندانی را به کار بر علیه ملت خود و اصولا بر علیه انسانیت وادار کرد؟ نکته اینجاست که بسیاری از جوانان نخبه و دارای استعداد ایرانی بدون اینکه حتی خودشان مطلع باشند مورد استفاده نهادهای امنیتی و به ظاهر علمی قرار می گیرند. ارگان های خاص با پوشش های دانشگاهی و تحقیقاتی آنها را استخدام می کنند و از نبوغ و توانایی های علمی آنها بهره برداری سوء می کنند. از طرف دیگر به دلایل اقتصادی با پیشنهادات شغلی چشمگیر برخی را خریداری می کنند و تلاش می کند با مغز شویی، آنها را به مزدوران علمی خود تبدیل کنند. وقتی در دانشگاه ها از ولایت پذیری سخن به میان می آورند و اساتید آزاد اندیش را اخراج کرده و یا با اساتید وابسته و ولایت مدار جایگزین می کنند نشانگر آن است که با تغییر فضای آموزش عالی به دنبال تربیت نسل جدیدی از متخصصین هستند که از لحاظ ایدئولوژیکی خود را به حاکمیت واگذار کرده باشند. بر خورد با اساتید غیر همسو با چنین رویه ای و امنیتی کردن فضای دانشگاه ها دقیقا همین مسیر را دنبال می کند. به عنوان نمونه به موضوع دکتر مسعود علی محمدی می توانم اشاره کنم. او که از چهره های علمی مقبول دانشگاهی در چهارچوب رژیم بود بعد از انتخابات ۸۸ تغییر موضع می دهد و به بدنه جنبش سبز می پیوندد و خیلی زود قربانی توطئه های دولتی می شود و خودش او را می کشند تا هم از دیگر منتقدان و دانشمندان داخلی زهر چشم بگیرند و هم از فضای پیش آمده استفاده تبلیغاتی کنند.

این شرایط تنها محدود به ایران نیست در بسیاری از کشورهای دنیا می توان نمونه ای از کسانی را یافت که برایشان احترام به اخلاقیات و انسانیت را به لایه های زیرین زندگی سقوط می کند. جاین ویلر دانشمند آمریکایی طرفدار جنگ در ویتنام و یا بشار اسد که در مقام پزشک سوگند بقراط یاد کرده است و در مقام یک دیکتاتور به کشتار مردم خود مشغول است نمونه هایی بارز از این گونه افراد در دیگر نقاط جهان هستند. کسانی که امروز جمهوری اسلامی بی شک توانسته است با پول و یا شستشوی مغزی نمونه هایی از آنها را استخدام کند.»



# برنامه اتمی جمهوری اسلامی و سوء فهم‌هایش

مجید محمدی  
جامعه‌شناس



عملگر(ا) خواهان معامله با غرب و پایان دادن به بحران اتمی باشند سازوکار درونی و دینامیسم حلقات قدرت (بابتکار عمل نظامیان و امنیتی‌ها) تلاش می‌کنند از حل مشکل جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی بدون دشمن خارجی در تصور حاکمان آن سریعاً سقوط می‌کند و برنامه‌ی اتمی تنش و دشمنی را زنده نگاه می‌دارد. هیچ‌گونه مذاکره‌ای حاکمان موجود را به انصراف از برنامه‌ی اتمی ایران که به نحو تمام عیار به سوی نظامی شدن پیش می‌رود قانع نخواهد کرد.

حضور نمایندگان حکومت ایران در مذاکرات صرفاً برای وقت کشی، ایجاد اختلاف میان طرف‌های مذاکره، و کسب اطلاع از مواضع و اقدامات احتمالی طرف‌های مقابل بوده است. از این جهت تصور به سر عقل آوردن حکومت در این موضوع غیر واقع بینانه است. تنها آن دسته از سیاستمداران غربی که مذاکرات را برای زمینه‌سازی برخورد حادث‌تر با حکومت ایران (با توجه به عدم اراده‌ی آن برای حل مسئله) پیش می‌برند می‌توانند توجیهی منطقی برای کار خود داشته باشند. در صورت حمله نظامی به تاسیسات اتمی مردم از رژیم حمایت خواهند کرد. حمله‌های نظامی آمریکا به عراق، افغانستان و صربستان نشان داد که حمله‌ی نظامی به تاسیسات دولتی و نظامی (مورد صربستان) و حتی حمله‌ی نظامی تمام عیار به یک کشور (عراق و افغانستان) مردمی را که تحت رژیم‌های دیکتاتوری زندگی می‌کنند به حمایت از رژیم موجود بر نخواهد انگیخت. هیچ نیروی مردمی در برابر نیروهای ایالات متحده در عراق و افغانستان قرار نگرفت. بسیاری از روزنامه نگاران و تحلیلگران غربی با فراموش کردن ماهیت دیکتاتوری رژیم ایران همواره بر این موضع در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند که در صورت حمله‌ی نظامی به تاسیسات اتمی، مردم ایران پشتیبان رژیم خواهند شد.

نویسنده‌ی این متن با حمله‌ی نظامی به ایران برای حل مشکل اتمی مخالف است اما این نکته نمی‌تواند مانع از درک این نکته شود که مردم تحت ستم از حمله

دول غربی با توجه به پنهانکاری و فریبکاری حکومت ایران در ماجرای غنی سازی، در عدم اعتماد به جمهوری اسلامی در برنامه‌ی اتمی‌اش از آغاز در مسیر درستی گام گذاشتند. دو دهه دوگانه‌گویی و معاملات مخفی با اعتماد سازی همخوانی نداشت. اما سوء فهم‌ها در مواجهه با ماجرای اتمی ایران بالاخص در مورد پیامدهای تحریم و حمله‌ی نظامی، دول غربی و شورای امنیت را از اعمال فشارهای بیشتر بر حکومت جهت توقف برنامه‌ی هسته‌ای‌اش باز داشته است.

واقع‌گرایان همواره گفته‌اند که حمله‌ی نظامی به عنوان یک گزینه روی میز قرار دارد اما با توجه به پیامدهای غیر عملی است؛ آنها همچنین گفته‌اند که تحریم‌ها چندان در توقف غنی سازی موثر واقع نمی‌شوند اما چاره‌ای بجز آنها نیست. تنها سیاستمدارانی که با نگاهی ایدئولوژیک به این موضوع نگاه می‌کنند (نو محافظه کاران) از اقدامات مورد نظر خود مثل تحریم در حوزه‌ی انرژی یا حمله‌ی نظامی دفاع کرده و بدون توجه به مبانی نادرست تحلیل اقدامات و پیامدها، آنها را نادیده گرفته‌اند.

ریشه‌ی عدم استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک در بیانات مقامات غربی و مذاکرات جاری را باید در تحلیل دور از واقع بسیاری از تحلیلگران مسائل ایران در کشورهای غربی و تکرار آنها در رسانه‌ها از تحولات مربوط به ماجرای هسته‌ای ایران و سازوکارهای جاری در حکومت جمهوری اسلامی و ظرفیت‌هایش یافت. برخی از این سوء فهم‌ها و دلایل سوء فهم بودن آنها را ذیلاً عرضه می‌کنم:

## احتمال موفقیت در رساندن رژیم به حد درک عقلانی از منافع خود

برنامه‌ی اتمی به بقای حکومت جمهوری اسلامی در دوران حکومت خامنه‌ای - احمدی نژاد گره خورده است. حتی اگر بخشی از حکومت (عمدتاً نیروهای سیاسی



ایران را باید از عراق که یک کشور عربی بود جدا کرد. نفس مسلمان بودن دیگر وجهی برای همپیمانی کشورهای منطقه نیست.

در صورت حمله نظامی، حکومت ایران بازرسان بین المللی را اخراج کرده و با پنهان کاری بیشتری تاسیسات بعدی خود را خواهد ساخت

میزان پنهانکاری حکومت ایران در پیشبرد برنامه اتمی اش هیچ رابطه‌ی مستقیمی با تهدید حمله‌ی نظامی با وقوع این حمله ندارد. در طی دو دهه‌ی اخیر خواه با و خواه بدون وجود تهدید، حکومت از شفافیت در برابر مجامع بین المللی سر باز زده است. میزان پنهانکاری حکومت در حدی است که امکان عملی آن وجود داشته باشد. حمله‌ی نظامی نه از پنهانکاری حکومت در برنامه‌ی اتمی اش خواهد کاست و نه بدان خواهد افزود. جمهوری اسلامی معمولاً اطلاعات سوخته را پس از آشکار شدن از منابع دیگر یا اطلاعات نادرست را از طریق منابع اطلاعاتی خود در اختیار آژانس قرار داده است تا دول غربی و مجامع بین المللی را گمراه یا بی اعتبار سازد.

بازدارندگی از طریق فروش سلاح و سپر موشکی به کشورهای عربی ممکن است قائلان به این دیدگاه معتقدند که ایالات متحده با فروش سلاح و سپر موشکی به کشورهای همسایه می تواند به حکومت ایران این نکته را اعلام کند که پیگیری برنامه‌ی اتمی اش موجب قدرتمند تر شدن همسایه‌های آن می شود و این باعث می شود که حاکمان جمهوری اسلامی که می خواهند بقای حکومت خود را تضمین کنند از پیشبرد برنامه‌ی اتمی تا حد ساخت کلاهک هسته‌ای دست بر دارند. (راجر کوهن، نیویورک تایمز، ۵ مارس ۲۰۱۰)

این نکته در صورتی درست می بود که عقلانیت بر نظام تصمیم گیری حاکمان جمهوری اسلامی حاکم بود. اما عقلانیت هیچ نقشی از آغاز در برنامه‌ی اتمی ایران نداشته است. فقدان محاسبات عقلانی و عدم ملاحظه‌ی هزینه-فائده بخشی از چارچوب تصمیم گیری جمهوری اسلامی در سیاست داخلی و خارجی آن است. در همین موضوع غنی سازی پنج موضوع مشخص نمایانگر تاثیر منفی برنامه‌ی هسته‌ای بر منافع و امنیت ملی کشور هستند: فقدان ذخایر کافی اورانیوم (۴ تا ۱۰ سال بسته به تعداد نیروگاه‌ها اگر فرض کنیم که هدف صرفاً استفاده‌ی صلح آمیز باشد)، خرید اورانیوم بسیار گران از قزاقستان یا برخی کشورهای امریکای لاتین، فقدان توجیه اقتصادی کسب انرژی برق از هسته‌ی اتم با توجه به ذخایر گاز و نفت، تحریم‌های اقتصادی ناشی از پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای که دهها میلیارد دلار خسارت برای کشور به بار آورده است، و فراهم کردن زمینه‌ی مسابقه‌ی هسته‌ای در منطقه در آینده. مقامات جمهوری اسلامی علی رغم انتقادات کارشناسان در این مقولات هیچگاه به آنها پاسخ نداده اند. جمهوری اسلامی بمب اتمی را به هر قیمت می خواهد.

### خامنهای فتوای منع ساخت بمب اتمی را داده است

بسیاری از تحلیلگران مخالف سیاست خارجی امریکا و مخالف جنگ یا هواداران جمهوری اسلامی به این فتوا تمسک کرده‌اند تا جدیدیت ایران را در استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای اثبات کنند. این تحلیلگران تاریخ رفتار خامنهای را به خوبی نمی دانند یا آن را نادیده می گیرند. خامنهای بسیاری از این سخنان گفته و بر خلاف آنها عمل شده است. خامنهای وعده‌ی رسیدگی به حمله‌ی به کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ را داد و تنها یک سرباز نیروی انتظامی به جرم دزدیدن یک ریش تراش محکوم شد و در مقابل دانشجویان به اعدام و زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند. همین اتفاق دوباره در سال ۱۳۸۸ تکرار شد و دوباره خامنهای وعده‌ی رسیدگی داد و هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. در مورد کهریزک نیز همین وعده داده شد و هیچ فردی هنوز نه رسماً متهم شده و نه کسی مورد پیگیری قضایی واقع شده است.

خامنهای بر خلاف دستورات روشن بسیاری از فقها شکنجه برای اخذ اعتراف

به حکومت جبار خودشادمان می شوند و حتی اگر شادمان نشوند از هزینه‌هایی که برای خلاصی از شر دیکتاتوری می دهند استقبال می کنند. در اوج حمله‌ی امریکا به عراق و تلفات جنگ، همواره نظر سنجی از مردم عراق نمایانگر عدم پشتیبانی از رژیم صدام بود.

### حمله‌ی نظامی تنها برنامه‌ی اتمی را برای مدتی اندک به تاخیر می اندازد

این فرض از اساس نادرست است چون حکومت جمهوری اسلامی عمده‌ی تجهیزات مربوطه از زمانی به دست آورد که در دوران دولت‌های هاشمی رفسنجانی و خاتمی در این حد تحت تحریم و نظارت دول غربی و سازمان های بین المللی نبود. در صورت اعمال جدی تحریم‌های مربوط به برنامه‌ی هسته‌ای و حمله‌ی نظامی به تاسیسات اتمی، برنامه‌ی اتمی ایران و تلاش برای دست یابی به سلاح هسته‌ای دهه‌ها به تعویق خواهد افتاد. عراق پس از حمله به تاسیسات اتمی اش هرگز نتوانست تحت تحریم‌ها آن را بازسازی کند. همچنین همه‌ی ابزار و آلات برنامه‌ی اتمی جمهوری اسلامی از خارج تهیه می شود و تخریب آنها در کنار تحریم شدید احیای آن را غیر ممکن می سازد. بسیاری از رسانه‌های غربی فریب تبلیغات رژیم در اعلام بومی بودن برنامه‌ی هسته‌ای را خورده‌اند.

اما اگر چنین است چرا اسرائیل یا ایالات متحده با یک حمله کار را تمام نمی کنند؟ دولتمردان امریکا پیش از حمله می خواهند (۱) از سطح پیشرفت این برنامه تا حد ممکن اطلاعات بیشتری به دست آورند، (۲) اجماع جهانی را علیه ایران با دروغ‌ها و رفتارهای ناشایست دولت در مذاکرات اتمی بسازند، و (۳) با اشتباهات حکومت در سرکوب مردم افکار عمومی را در سمت خود برای حمله‌ی نظامی داشته باشند. پیش از حمله به عراق، ۱۵ قطع نامه علیه این کشور در سازمان ملل به تصویب رسیده بود.

### در صورت حمله نظامی یا تحریم سوخت، رژیم جمهوری اسلامی به آتش افروزی در منطقه دست خواهد زد

حکومت جمهوری اسلامی در دهه‌ی گذشته از هیچ اقدامی برای آتش افروزی در منطقه علیه حضور امریکایی‌ها در عراق و افغانستان کوتاهی نکرده است؛ از تعلیم نظامی شیعیان عراقی و کمک مالی و تدارکاتی و تسلیحاتی به آنها جهت حمله به نیروهای انگلیسی و امریکایی در عراق تا کمک و پناه دادن به نیروهای عراقی در نگاه داشتن سربازان انگلیسی به گروگان گرفته شده در این کشور، از ارسال بمب‌های کنار جاده‌ای به عراق تا حضور نیروهای سپاه قدس جهت شناسایی و فعالیت های اطلاعاتی و نظامی در عراق، از ارسال تجهیزات نظامی به طالبان و حزب الله و حماس جهت استفاده علیه نیروهای امریکایی و اسرائیلی تا کمک به جنگجویان افغان در مناطق مختلف این کشور جهت تضعیف دولت مرکزی (مثل مورد اسماعیل خان در هرات).

با توجه به ظرفیت‌های ایران و نیز حضور امریکایی‌ها در این کشورها به نظر می رسد حکومت جمهوری اسلامی هر کاری را که در حد توان آن بوده انجام داده و در صورت حمله‌ی نظامی توان آن برای اقدام کاهش خواهد یافت و نه افزایش. همچنین حکومت ایران در دولت عراق و دولت افغانستان همپیمانانی دارد که دست آن را برای هرگونه اقدامی می بندد.

در صورت حمله‌ی نظامی به ایران دول کشورهایی با اکثریت مسلمان به دفاع از ایران خواهند پرداخت

اظهار نگرانی مقامات عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه از برنامه‌ی اتمی ایران و بیان این نکته که تحریم‌ها برای بازدارندگی ایران کافی نیست نشان می دهد که دولت ایران از دوستان زیادی در منطقه برخوردار نیست و دول کشورهایی با اکثریت مسلمان در برابر امریکا به پشتیبانی از ایران خواهند پرداخت. موضوع





در صورت حمله‌ی نظامی، اپوزیسیون مجبور به حمایت از دولت می‌شود نیروهای اپوزیسیون در دوران پیش از انتخابات دهم ریاست جمهوری شاید مجبور به دفاع از حکومت در شرایط حمله‌ی نظامی به تاسیسات کشور می‌شدند اما پس از زندانی‌های ۵ تا ۱۵ سال، انفرادی‌های چندین ماهه، شکنجه‌ها، تجاوزها، و توهین شنیدن‌ها و آزار خانواده‌ها برای اعضای بلند مرتبه‌ی سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی، حمایت آنها از حکومت تحت هر شرایطی بعید به نظر می‌رسد. کشته شدن دهها نفر در تظاهرات اعتراضی حکومت را در نظر اعضای اپوزیسیون به قصاب مردم تبدیل کرده است و گروه‌های اپوزیسیون نمی‌توانند پشت سر قصاب قرار گیرند چون حمایت مردمی یا تنها عامل حضور سیاسی خود را از دست خواهد داد. بخش عمده‌ی اپوزیسیون در شرایط حمله‌ی خارجی مجبور به انتخاب میان قصاب داخلی و قصاب خارجی نخواهند بود و سکوت پیشه خواهند کرد.

ایران در پی کسب توانایی ساختن بمب است نه اقدام به ساختن آن (مدل ژاپن) کسانی که می‌خواهند تنش در روابط خارجی را بکاهند، یا از جنگ جلوگیری کنند یا به اقوال حکومت ایران کمتر بدبین باشند بدان سو می‌روند که حکومت ایران صرفاً تا مرحله‌ی کسب تکنولوژی ساختن بمب پیش می‌رود و بمب را نمی‌سازد، مثل ژاپن. اما وضعیت امنیتی و ژئوپلیتیک ایران بسیار متفاوت است با ژاپن. ژاپن از متحدان ایالات متحده است و ایالات متحده در این کشور پایگاه نظامی دارد. این کشور در صورت مورد حمله واقع شدن مورد حمایت امریکا واقع خواهد شد و نیازی به در اختیار داشتن بمب ندارد. اما حاکمان ایران بر اساس رفتاری که در منطقه داشته‌اند مدام در هراس از واژگونی و حمله‌ی نظامی زندگی می‌کنند و بمب را برای بازدارندگی از حمله یا شلیک علیه دشمنانشان می‌خواهند.

حکومت ایران در صورت دست یابی بمب مثل پاکستان و هند عمل خواهد کرد برخی بر این باورند که حتی اگر حکومت به بمب اتمی دست پیدا کند از آن به عنوان عاملی بازدارنده استفاده خواهد کرد، درست همان نقشی که بمب اتمی در دست اسرائیل، هند، پاکستان و دیگر ابر قدرتها دارد. این فرض نیز رفتار حاکمان ایران را رفتاری مبتنی بر هزینه و فایده می‌گیرد که نقض آن مکرراً مشاهده شده است. جمهوری اسلامی تا کنون از هر ابزاری که در دست داشته برای سرکوب مخالفان و آتش افروزی در منطقه استفاده کرده است (مثل دادن

را جایز می‌داند (تا حد کشتن افراد مثل مورد ستار بهشتی)، تجاوز در زندان‌های جمهوری اسلامی انجام می‌شود و مقامات منصوب وی آن را انکار می‌کنند، به دستور وی معترضان در خیابان به گلوله بسته می‌شوند و تقلاب و دروغ در حکومت وی قاعده‌اند و نه استثنا. چگونه می‌توان به فتوای کسی که اصولاً با به قدرت رسیدن در حکومت به مرجع تقلید تبدیل شده و دودیده فریبکاری و پنهانکاری را در پرونده‌ی خویش دارد اعتماد کرد؟

### با تداوم مذاکره می‌توان برنامه‌ی اتمی ایران را همانند برزیل، آرژانتین و آفریقای جنوبی در مسیر صلح آمیز قرار داد

این استدلال از سوی کسانی مطرح می‌شود که می‌ترسند با فشار بیشتر بر ایران این کشور از آن پی تی خارج شده و به سرعت بمب را بسازد. ظاهراً تهدیدات روزنامه‌ی کیهان توسط این گروه جدی گرفته شده است. اما حکومت جمهوری اسلامی ماهیتاً با حکومت‌های برزیل، آرژانتین و آفریقای جنوبی متفاوت است. هیچ یک از آن حکومت‌ها ادعای مدیریت جهان را نداشته و ندارد، نمی‌خواسته اسرائیل را از نقشه‌ی جهان محو کند، ماهیت غرب را شیطان‌ی معرفی نمی‌کرده، در حال زمینه‌سازی برای حکومت جهانی امام‌زمان نبوده، ساختار سرکوب فاشیستی شکل نداده، و زیست خود را با تنش زایی و آتش افروزی در منطقه پیوند نزده است.

### ایران تحریم‌ها را دور خواهد زد

تحریم‌های اقتصادی در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری و واردات و صادرات حامل‌های انرژی قابل دور زدن نیست. آن دسته از تحریم‌ها که در این حوزه‌ها وضع و اعمال شده‌اند موثر واقع شده و ایران را از حیث ظرفیت تولید و میزان استحصال در شرایط بدتری نسبت به رقبای خود نگاه داشته‌اند. اگر تحریم‌ها هیچ اثری نداشت حکومت تا این حد تلاش نمی‌کرد با معامله با روسیه و چین میان اعضای شورای امنیت دوگانگی ایجاد کند. تحریم‌های قابل دور زدن، تحریم افراد و برخی فرماندهان مشخص سپاه پاسداران و برخی از وسایل و قطعات است که با تغییر افراد یا معامله با قاچاقچیان بین المللی قابل دور زدن است.



موشک به حماس و حزب الله و دلپلی وجود ندارد که با امکانات اتمی چنین نکنند.

### حمله‌ی نظامی به تاسیسات اتمی موجب خشونت بیشتر رژیم علیه مخالفان می شود

کسانی که به این نظر باور دارند مخاطبان خود را به کشتارهای سال ۱۳۶۷ پس از مشارکت مجاهدین خلق در جنگ علیه ایران ارجاع می دهند و معتقدند در صورت حمله‌ی نظامی به تاسیسات اتمی، رژیم هزاران تن از زندانیان سیاسی را اعدام خواهد کرد. سه مشکل در این شبیه سازی و استدلال وجود دارد. اول آن که مجاهدین خلق یک سازمان نظامی و مسلح بود که دست در دست صدام علیه حکومت می جنگید و زندانیان آن از منظر رژیم و بسیاری از نیروهای سیاسی هم پیمان با دشمن در حال جنگ شمرده می شوند. زندانیان امروز هیچ ما به ازای نظامی ندارند و عنوان جنگ نرم رژیم از آغاز برای نیروهای سیاسی صرفا ابزاری تبلیغاتی تلقی می شود. زندانیان سیاسی امروز با بسیاری از جناح های داخل رژیم روابط تنگاتنگ اقتصادی و سیاسی و خویشاوندی دارند در حالی که مجاهدین خلق دارای این سابقه‌ی چهل ساله با هیئت حاکمه نبودند.

مشکل دوم آن که حمله‌ی نظامی در صورت وقوع متوجه تاسیسات اتمی خواهد بود و نه سرنگونی رژیم. مشکل غربی‌ها غنی سازی اورانیوم است و نه ادامه‌ی حیات جمهوری اسلامی. پیامد این حمله ممکن است تضعیف رژیم باشد اما حمله کنندگان احتمالی هدفی دیگر را در سر دارند. و مشکل سوم آن که رژیم در هفته‌ی پس از انتخابات سال ۸۸ با حیات و ممت خویش درگیر بود و هرآنچه از دستش بر می آمد برای سرکوب انجام داد. ظرفیت سرکوب رژیم برای مقابله با جنبش سبز محقق شده است و در صورت تداوم وضع موجود به همین روال خواهد ماند.

در صورت حمله‌ی نظامی، ایالات متحده نفوذ خود را در منطقه به رقبای چینی و هندی واگذار خواهد کرد

برخی معتقدند که در صورت حمله‌ی نظامی به تاسیسات اتمی ایران، دول چین و هند احساس ناامنی کرده و تلاش می کنند آمریکا را از آسیا و خاورمیانه دور کنند و تاثیر آن را به حداقل برسانند. این دیدگاه غفلت می کند از این که پیوندهای ایالات متحده با ژاپن، برخی دول آسیای جنوب شرقی و بسیاری از دول عرب، استراتژیک و بلند مدت است و یک رخداد ویژه نمی تواند این شرایط را تغییر دهد.

سوء فهم‌های ذکر شده مکررا در رسانه‌های غربی و توسط شناخته شده ترین تحلیلگران عرضه شده‌اند. مواردی از آنها را می توان در نوشته‌ی روز ۲۲ فوریه‌ی ۲۰۱۰ فرید زکریا در واشنگتن پست و نوشته‌ی راجر کوهن در روز ۵ مارس ۲۰۱۰ در نیویورک تایمز یافت؛ مورد دیگر نوشته‌ی ترودی روبین در دیسپچ، ۱۵ فوریه ۲۰۱۰ است. این سوء فهم‌ها تنها در یک موضوع که وجوه بین المللی و منطقه‌ای نیز دارد بیانگر میزان اطلاع کارکنان رسانه‌های غربی از تحولات ایران و منطقه‌ی خاور میانه است. چندان جای تعجب نیست که خبرنگاران و مصاحبه کنندگان این رسانه ها در مصاحبه با مقامات ایران دچار اشتباهاتی فاحش می شوند (مثل سوال کریستین امانپور از محمد جواد لاریجانی در مورد صدور حکم اعدام عمادالدین باقی که از اساس نادرست بود) تا حدی که رسانه‌های دولتی ایران مقامات ایرانی را برنده‌های این مصاحبه‌ها می دانند.

وقتی احمدی نژاد از کیتی کوریک، خبرنگار ارشد شبکه‌ی تلویزیونی سی بی اس، در مورد زن مصری کشته شده در آلمان - برای خنثی کردن سوال در مورد ندا آقا سلطان - سوال کرد وی اظهار بی اطلاعی کرد. خبرنگاری که از حساسیت‌های طرف مورد مصاحبه بی اطلاع است یا اطلاع کافی از رخدادها ندارد به مرخصی آموزشی یا بازنشتگی نیاز دارد. خبرنگاران رسانه‌های آمریکایی از جهت کم اطلاعی بالاخص محبوب مقامات ایرانند در حالی که اکثر خبرنگاران اروپایی و عموم روزنامه نگاران مستقل ایرانی به آنها دسترسی ندارند.

بردردی با داروهای داروخانه‌ها قابل درمان است

**RX MARKET PHARMACY**  
COMPOUNDING SPECIALIST

دکتر آرمن ظاظاوسیان

ما با ۱۵ سال سابقه در خدمت شما هستیم

۲۰ دلار تخفیف برای انتقال نسخه‌ها به داروخانه مارکت فارمیسی

تحويل دستگاه اندازه گیری قند خون به طور رایگان

ما برای آرامش بیشتر شما داروهای راسریعاً و بطور رایگان دلیوری کنیم

قابل توجه	پذیرش	عرضه کننده
<input checked="" type="checkbox"/> ایرانیان مقیم شمال ولی <input checked="" type="checkbox"/> اعضای خانه سالمندان	<input checked="" type="checkbox"/> مدیکل <input checked="" type="checkbox"/> مدیکر	<input checked="" type="checkbox"/> ویلجر <input checked="" type="checkbox"/> واکر <input checked="" type="checkbox"/> کفش‌های طبی

محل جدید 9250 Reseda Blvd Northridge

818-700-4510 داخل شاپینگ سنتر 818-701-7777

آیا شما برای بیمه خود زیاده از حد پرداخت می کنید؟

به سرپرستی **ایرج منیفی** CASPIAN INSURANCE SERVICES

بیمه های

تجارتی	اتومبیل
صدمه بدنی در محل کار	منزل
ضمانت نامه	بازنشستگی
درمانی و سلامت	عمر و از کارافتادگی

4523 Van Nuys Blvd., #200 Sherman Oaks, CA 91403 (818) 783-8385 FAX: (818) 783-8360

برآورد بهترین نرخ بیمه از طریق کامپیوتر همراه با پرداخت سریع خسارت

هر هفته

حراج کتاب - جدول

DVD و CD

310-477-7477

1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024



# آیا «جنگ چیز خوبی است»؟

فریار نیکبخت



یک جنگ بزرگ و خانمان برانداز دیگر، همانا کنار زدن کل رژیم و جایگزینی آن با حکومتی سکولار، یعنی غیر ایدئولوژیک، غیر جهادی، دمکراتیک و لیبرال است که در صدر اهداف آن، رعایت منافع واقعی ملی، رفاه و بهروزی مردم کشور و آزادی و حقوق بشر قرار گرفته باشد.

تمامی محاسبات دیگر، اعم از فریبکارانه یا خوشبینانه، در مورد رژیمی که محاسبات آن بر مبنای اهداف غیر واقعی و غیر انسانی (به مفهوم خواسته‌های طبیعی و واقعی انسان‌ها) قرار نگرفته باشد، مردود و محکوم به شکستند، زیرا که منافع مادی و حتی جان یک انسان یا یک ملت در «برابر اهداف الهی» و آن جهانی حائز هیچ ارزشی نیستند. برای آن که اظهارات معروف احمدی نژاد درباره نابودی اسرائیل و لزوم احیای خلافت اسلامی که در سیصد سال گذشته به زعم ایشان در برابر غرب رو به ضعف و اضمحلال گذاشته بود (در همان سخنرانی)، یک استثنا و اشتباه در ترجمه قلمداد نشود و اظهارات متعدد رهبر فعلی نظام در این موارد بزرگ‌نمایی و جنون‌آرزیایی نشود، لازم است که از میان هزاران گفته و نوشته‌ی رهبران نظام، به چند مورد آن‌ها جدا توجه شود.

## حکومت جهانی و جهاد نظامی، به عنوان هدف انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی

«قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران... زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند و بویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند». مقدمه، بخش ششم (شیوه‌ی حکومت در اسلام)، پاراگراف دوم، تأکید از نویسنده مقاله.

«... بدین جهت، ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در تطابق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود...» مقدمه قانون اساسی، بخش دهم (ارتش مکتبی)، تأکید از نویسنده مقاله.

سپاه پاسدارانی که بر خلاف دروغ پردازی‌های رایج، اساساً نه برای حفظ مرزها بلکه در درجه‌ی اول برای سرکوب خونین مخالفان ایرانی و داخلی شکل گرفت، همان سپاهی است که روی آرم آن، آیه معروف «وَأَعِدُوا لَهُمْ ما اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» نقش بسته که به موجب آن وظیفه مسلح شدن به کلیه آلات جنگی، بدون محدودیت (بر خلاف پلوه‌هایی که می‌گویند به اعتقاد آن‌ها سلاح اتمی و کشتار جمعی تحریم شده است) نیز برعهده‌ی آن است. این سپاه، نیرویی است که

در حافظه‌ی جمعی نسل‌های حاضر شاید موردی بجز سران جمهوری اسلامی یا اسلام‌گرایان افراطی و جهادی را نتوان یافت که با صراحت اعلام کرده باشند که «جنگ چیزی خوبی است» یا اهداف خود را بر این اساس مکتوب و اعلان نموده باشند. کشورها، نیروها و نهضت‌های جنگ‌آور همواره برای عمل نظامی خود انواع دلائل و بهانه‌ها را مطرح ساخته‌اند تا جنگ را تدافعی، تحمیلی، مشروع، انقلابی و یا بشردوستانه و آزادیبخش جلوه دهند. در میان مردم جهان نیز کمتر کسی است که بطور مطلق مخالف جنگ بوده باشد و یک یا چند نوع جنگ را لازم و مشروع نداند. در همین چند ساله‌ی گذشته، نیروهای ظاهراً ضد جنگ، هوادار حملات پیمان ناتو یا سازمان ملل به بوسنیا و کاسوو و مخالف حملات همین نیروها به افغانستان و عراق بوده‌اند. در گذشته‌ی دورتر نیروهای ظاهراً ضد جنگ، هوادار جنگ‌های عظیم انقلابی و یا اشغال کشورهای موسوم به «بلوک شرق» توسط شوروی سابق و حتی تهاجم خونریزانه‌ی شوروی به چکسلواکی آزادی طلب و مخالف شدید جنگ‌های بلوک غرب بوده‌اند. هم‌امروز نیز، چنین نیروهایی شادمان از حمله‌ی غزه به اسرائیل و مخالف فوق تصور و شدیداً احساسی حمله‌ی اسرائیل به غزه می‌باشند. در این میان، لااقل در محدوده‌ی توجه ما، تنها جمهوری اسلامی بوده است که هم در شعار و هم در برنامه، جنگ را فی‌نفسه مثبت و برنامه‌ریزی جنگی را جزو اهداف خود اعلام کرده است.

امروزه، بسیاری از هواداران جمهوری اسلامی و بخش‌هایی از مخالفان نرم نظام حاکم، از یک سو باتظاهر به مخالفت اصولی با جنگ و از سوی دیگر با آشفته نمودن مباحث مربوط به توانایی‌های نظامی رژیم، سعی در نجات آن و جلب هواداری ملی و بین‌المللی برای آن را دارند. ستون اصلی استدلال آنان نیز در واقع، ندیده گرفتن کامل نیت‌ها و انگیزه‌های نظام، اظهارات سران نظام و کوچک جلوه دادن توانایی‌های تکنولوژیک رزمی آن است. در این زمینه، بسیاری نیز تمامی اهداف گفته شده و نوشته شده‌ی سران نظام را در زمینه جنگ و سیاست جهانی بطور کلی مزاح و «بلوف» جلوه می‌دهند، گویی که جنایات عظیم و ستم‌های قانونی و فرهنگی حکومتی نیز که در ابتدا با جملات ناآشنا و ظاهراً بی‌معنایی مانند «محرابه با خدا» یا «مفسد فی الارض» یا «فاسم الجبارین» و غیره و در زمینه‌ی جملات ظاهراً فکاهی رهبر انقلاب مطرح می‌گردیدند نیز همه شوخی و «بلوف» بوده‌اند.

از آن‌جا که اهداف اعلام شده نظام دارای ریشه‌های عمیق عقیدتی می‌باشند، قاعدتاً نباید شکی وجود داشته باشد که تنها راه نجات میهن و خلق‌های منطقه از







می‌دانند

### جنگ، ضد جنگ و انقلاب

جنبش ضعیف کنونی متظاهر به ضد جنگ بودن، عملاً تا این زمان بجز جانب‌داری عملی از سیاست خارجی امپریالیستی و جهادگرایی جمهوری اسلامی و در نتیجه تقویت آن، کاری از پیش نبرده است. بدون تردید در غیاب یک جنبش قدرتمند ضد جنگ در میان ایرانیان و بخصوص در درون کشور، احتمال وقوع جنگ هر روز افزایش می‌یابد.

جنگی که این بار از آن سخن می‌گویند، جنگی است که علاوه بر احتمال کشتار وسیع انسانی و تخریب زیربنای کشوری، خطرات جدی تجزیه میهن و عدم ثبات درازمدت ایران را دربر خواهد داشت. بنابراین، در حال حاضر هیچ راه‌حل قطعی بجز تغییر نظام در برابر ملت ایران قرار ندارد. متأسفانه، بسیاری از ایرانیان، ضمن خودداری از شرکت فعال در تلاش‌های مؤثر سیاسی و عدم احساس مسئولیت در زمینه‌ی ایجاد اتحاد و تشکیل نیروی جایگزین، به وقوع جنگ خارجی آزادببخش و به قول برخی «جنگ بشر دوستانه» ای دلبسته‌اند که با توجه به سرنوشت جنگ‌های افغانستان و عراق و لیبی، هیچ احتمالی بر آزادببخش بودن چنان جنگی دیده نمی‌شود. تجزیه‌ی تلخ سه جنگ خارجی نامبرده نشان می‌دهد که تنها کسانی که انگیزه‌ی آزادی و امنیت و ثبات و رفاه برای کشور خود را در دل دارند، همان مردم آن کشورها هستند و بس. بنابراین مسئولیت خطیر تغییر نظام و حتی در ناخواسته‌ترین شرایط، شرایط وحشت‌بار و دشوار بازسازی و ثبات پس از یک جنگ بزرگ خانمان برانداز نیز برعهده‌ی همه ماست. ادامه وضعیت کنونی، رخوت و بی‌خیالی، عدم اتحاد و عدم مسئولیت‌پذیری شرایط را از این که هست هم بدتر و آینده‌ی ایران ما را سیاه‌تر رقم خواهد زد.

بخش‌هایی از آن، نه تنها در نقاط فراوانی از جهان مشغول پایگاه‌سازی و تعلیم و حمایت انواع تروریست‌های جهانی هستند (مانند نیروی موسوم به سپاه قدس) بلکه بارها با کشورهای مردمان دیگر عملاً وارد جنگ شده است. این مسئله محدود به حضور سپاه در غزه و کمک‌های استراتژیک به حماس، یا به سرکوب مخالفین در سوریه کنونی نبوده و ابعاد بسیار بزرگ‌تری را شامل می‌شده و از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. در این رابطه، نقل قول زیر از نشریه‌ی حزب‌اللهی موسوم به «الثارات الحسین» جالب توجه است:

«... ایران به قلب تپنده‌ی جنبش اسلامی برای نجات فلسطین تبدیل شده بود. جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران و هم‌زمان با آن، اشغال لبنان توسط اسرائیل و اعزام قوای محمد رسول الله (ص) به فرماندهی حاج احمد متوسلین از سوی ایران برای مبارزه با فرزندان یهودی جالوت فضای جدیدی برای مبارزه با اسرائیل پدید آورد که مبنای آن را ایمان و اعتقادات اسلامی و شیعی تشکیل می‌داد. و این چنین بود که حزب‌الله لبنان تولد یافت...» یالثارات الحسین - ۲۱ آذر ۱۳۸۰ صفحه ۹. «بازخوانی حدیث غمبار اشغال فلسطین بدست فرزندان یهود» - یاسین حکیمی، تأکید از نویسنده مقاله

در سال‌های اول جنگ ایران و عراق، امام خمینی رهبر انقلاب، بارها در سخنرانی‌های خود اشاره می‌کرد که «جنگ چیز خوبی است»، «جنگ نعمت الهی است» و غیره. او توضیح می‌داد که چگونه جنگ موجب رفع خودمندی امت می‌شود و چرا شهادت در جنگ بر علیه کفار، خود یک هدف است. نمونه‌ای از شعارهای دیواری آن روزگار در همین شماره نشریه ایران‌شهر به چاپ رسیده است. در صفحه اول کیهان با تیتر بزرگ «شاه رفت» به تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷، در میان تیترهای کوچک‌تر بالای صفحه، به نقل قول دیگری از آیت‌الله خمینی برمی‌خوریم: «ایران خود را در حال جنگ با اسرائیل می‌داند» که تصویر آن نیز در این شماره ارائه شده و نشان دهنده‌ی جنگ‌طلبی وافر سران این نظام از همان روزهای نخست قدرت‌گیری آن‌هاست.

در این میان، شاید روشن‌ترین نقل قول از سران و ستون‌های نظام که دال بر اعتقادات عمیق جنگ‌طلبی و نه تنها تبلیغ شهادت فردی بلکه شهادت طلبی ملی و امتی و حتی استفاده از سلاح‌های اتمی است، متعلق به هاشمی رفسنجانی است: «اگر روزی دنیای اسلام متقابلاً به سلاح‌هایی که اسرائیل دارد مسلح بشود، آن روز این راه‌بُرد استکبار به بن‌بست خواهد رسید، چون استعمال یک بمب اتم در اسرائیل هیچ چیز را باقی نمی‌گذارد، ولی در دنیای اسلام فقط آسیب می‌رساند... چنین سناریویی چندان دور از ذهن نیست...»

«...حقیقتاً یهودیان باید منتظر روزی باشند که این جسم زائد (اسرائیل) از پیکره منطقه و دنیای اسلام بیرون آید و آتانی که (...به خاطر علاقه‌ای که به دولت دینی خودشان داشتند...) در اسرائیل گرد آمده بودند، دوباره سرگردان شوند.»

آیت‌الله هاشمی، رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمهوری اسلامی، در خطبه‌ی نماز جمعه تهران، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ به مناسبت روز قدس، کسانی که این سخنان را مربوط به گذشته و مقوله‌ای فراموش شده می‌دانند، خوب است پای صحبت مسئولین به خارج آمده نظام بنشینند تا بدانند اندیشه‌های شهادت طلبی ملی در راه خدا، چقدر زنده و گسترده‌اند. در این میان، سخنان اصلاح‌طلبان نظام نیز کمتر از سخنان جنگ طلبانه‌ی پیش گفته نبوده است.

«کمک به انتفاضه‌ی فلسطین تا زمان برقراری کامل کشور فلسطینی در جهت منافع استراتژیک ایران است. این تنها زمانی ممکن خواهد بود که هیچ یهودی در سراسر اسرائیل باقی نماند.»

علی‌اکبر محتشمی پور، رئیس فراکسیون اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی در ایران، ۹ ژانویه ۲۰۰۲، بیروت، کنفرانس روحانیون کشورهای اسلامی. محتشمی پور، معروف به پدر خوانده‌ی حزب‌الله لبنان کسی است که برخی، او را عامل اصلی انفجارات عظیم سفارت امریکا و خوابگاه «مارینز» امریکایی در لبنان

# رویارویی نظامی و هزینه آن برای آمریکا



تنها کشوری است که می‌تواند در خلیج فارس بسیار مشکل ساز شود. اگر ایران اقدام به بستن تنگه هرمز و یا لاقط ایجاد اختلال در جریان صادرات نفت بکند، قیمت مواد انرژی‌زا در کل جهان افزایش می‌یابد که این امر لطمه‌ای است برای اقتصاد جهانی.

علاوه بر این رژیم مذهبی ایران ابزار زیادی برای اعمال نفوذ در عراق، افغانستان، لبنان و اراضی فلسطینی دارد. ایران تنها کشوری است که هم با عراق و هم با افغانستان مرز مشترک دارد.

حکومت عراق پس از سقوط صدام به جای آن که دوست آمریکا بشود، عملاً یک متحد شیعه ایران از کار درآمد. آمریکا پس از حمله به عراق و برکناری صدام طی حدود ۷ سال حدود هزار میلیارد دلار هزینه مالی متحمل شد و ۴۵۰۰ سرباز آمریکایی کشته شدند اما در پایان کار نیز سود چندانی از این اقدام نظامی نبرده زیرا با این کار رژیم دیکتاتوری بعثی را با یک دولت شیعی «غیر دوست» جایگزین کرده.

افکار عمومی امریکایی‌ها از جنگ عراق خاطره بدی دارد و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثر مردم این کشور حمله به عراق را عملی اشتباه با هزینه‌های غیرقابل توجیه تلقی می‌کنند. این خاطره تلخ موجب شده که اصولاً در حال حاضر آمریکایی‌ها نسبت به هرگونه اقدام نظامی جدید آکراه داشته باشند. این سخن بسیار شنیده می‌شود که آمریکا مشکلات داخلی و اقتصادی زیادی دارد و دولت باید بیشتر به وضع داخلی بپردازد تا موضوعات خارجی و بین‌المللی.

و اما از لحاظ پیامدهای هرگونه عمل نظامی علیه ایران، این نکته قابل توجه است که شمار زیادی از چهره‌های سیاسی در اسرائیل نیز با درخواست‌های نتانیاهو برای اقدام نظامی علیه ایران مخالفند. از جمله شیمون پرز به همراه چند تن از روسای سابق سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل بارها تأکید کردند که ایجاد یک ائتلاف جهانی منسجم برای اعمال فشار به رژیم اسلامی بسیار بهتر از توسل به اقدامات نظامی است زیرا ایران با توجه به موقعیت سوق الجیشی خود، زرادخانه بزرگ سلاح‌های موشکی، نزدیک بودن به مراکز نفتی عربستان و توانایی به کارگیری گروه‌هایی مانند حزب‌الله و حماس می‌تواند مشکلات پر هزینه‌ای برای منطقه و جهان ایجاد کند. حمله نظامی به ایران هزینه و پیامدهایی خواهد داشت که شاید هیچ کس نتواند آن‌ها را کنترل کند.

رویارویی جمهوری اسلامی با جامعه جهانی بر سر مسئله انرژی هسته‌ای همچنان ادامه دارد و تحریم‌ها و مجازات‌های شدید اقتصادی که بر علیه ایران اعمال شده بحران اقتصادی وخیمی برای کشورمان پدید آورده. در این میان به نظر می‌رسد که خطر حمله نظامی به ایران که از سوی برخی رهبران سیاسی در آمریکا و اسرائیل تشویق می‌شد خوشبختانه فعلاً غیرمحتمل به نظر می‌رسد.

آن‌ها که تحولات سیاسی داخل آمریکا را از نزدیک تعقیب می‌کنند، می‌دانند که روسای جمهور آمریکا در اتخاذ هر تصمیم سیاسی باید حتماً سمت و سوی افکار عمومی را در نظر بگیرند، زیرا به خوبی می‌دانند اگر اقدام آن‌ها با مخالفت و نارضایتی رأی دهنندگان مواجه شود در هنگام انتخابات بهای سنگینی خواهند پرداخت. برای نمونه شکست‌های سیاسی دولت کارتر در اقتصاد داخلی و سیاست خارجی عامل اصلی باخت او در انتخابات سال ۱۹۸۰ بود. همچنین جورج بوش به خاطر نافرجام ماندن جنگ با عراق و پیامدهای آن که هزینه سیاسی و مالی بسیار سنگینی برای آمریکا داشت شدیداً در دوسال پایانی حکومتش «غیر محبوب» شد و همین مسئله دلیل مهمی برای شکست جمهوری خواهان در انتخابات سال ۲۰۰۸ بود. باراک اوباما که یک سیاستمدار جوان و بسیار محتاط قلمداد می‌شود، اصولاً با شعار پایان دادن به جنگ‌های عراق و افغانستان و پرهیز از ماجراجویی به کاخ سفید راه یافت. در دوره اول ریاست جمهوری او، جمهوری خواهان تندرو، گروه‌های سیاسی راستگرا و دولت اسرائیل با تأکید بر خطر احتمال دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی خواستار حمله پیشگیرانه به ایران و نابودسازی تأسیسات هسته‌ای آن بودند، اقدامی که مشابه آن را اسرائیل علیه عراق و سوریه انجام داده بود.

اما اوباما شدیداً با این درخواست‌ها مخالفت کرد تا آن‌جا که روابط آمریکا و اسرائیل بر سر این ماجرا به سردی گرایید.

برآورد‌های سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا تاکنون تأکید کرده‌اند که ایران هنوز فاصله زیادی تا دست یافتن به تکنولوژی کامل سلاح اتمی دارد. آن‌ها همچنین تأکید می‌کنند که اقدام نظامی علیه ایران بهای سیاسی و اقتصادی بسیار سنگینی به همراه دارد و می‌تواند خطرات بزرگی نه تنها برای خاورمیانه بلکه کل صلح جهانی داشته باشد.

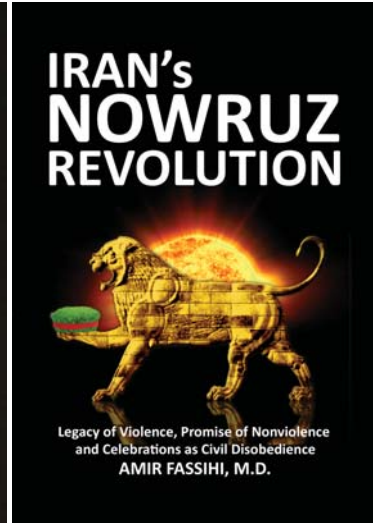
ایران کشوری بزرگی است با حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت و از لحاظ جغرافیایی





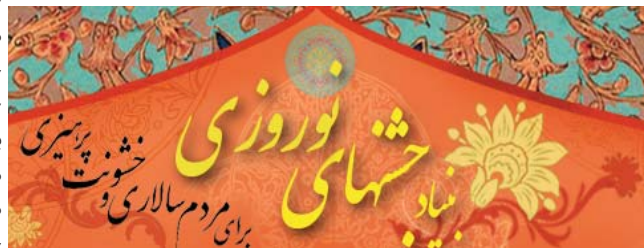
دکتر امیر فصیحی (فعال سیاسی و نویسنده کتاب انقلاب نوروز ایران):

# تنهاراه جلو گیری از جنگ، نافرمانی مدنی فراگیر است



دکتر فصیحی در توضیح تئوری خود معتقد است که مقابله و سرکوب مردم در قالب این جشن‌های صلح‌آمیز باریشه‌های تاریخی کار ساده‌ای برای حکومت نیست و وقوع این اتفاق به زنده شدن روحیه سیاسی جامعه و خروج آن از حالت رکود منجر شده و به تلاش اجتماعی برای تسری نافرمانی‌های مدنی منجر خواهد شد.

دکتر امیر فصیحی در توضیح کارکردهای نافرمانی‌های مسالمت‌آمیز مدنی بر اساس مدل «جین شارپ» نظریه پرداز معاصر و پدر خوانده جنبش‌های اجتماعی پرهیز از خشونت، متدهای موجود را به سه گروه مبارزات اعتراضی، عدم همکاری عمومی با حاکمیت و تحصن و جنبش‌های حضور در خیابان و اشغال کردن مراکز عمومی طبقه بندی کرده و یکی از موثرترین مسیرهای منتهی به تغییر حکومت در ایران بدون مداخله نظامی خارجی را در احیای جشن‌های ملی به عنوان پایه این روند



فکری قلمداد می‌کند.

دکتر فصیحی که در کتاب خود به تفصیل کارکردهای امروزی جشن‌های ملی از نوروز گرفته تا یلدا، جشن سده و چهارشنبه سوری و نمونه‌های دیگر این مراسم‌های ملی پرداخته است، معتقد است که نباید اجازه داد حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی، استراتژی ما را تعیین کند بلکه باید با پیش‌دستی و ایجاد اتفاق در نیروهای داخلی و خارجی و بدنه فعال اپوزیسیون کاری کرد که مسیر تغییر برای ایران از کمترین هزینه جانی و مالی برخوردار باشد. چرا که تجربه سوریه، لیبی و ... نشان داده است مسیر مداخله نظامی در ایران به ویرانی گسترده این کشور خواهد انجامید. از این روست که وقتی با همه قدرت به جنگ نه می‌گوییم باید راهکاری اجرایی برای جایگزینی حکومت در ایران با سیستمی مبتنی به رای مردم و با اجتناب از درگیری‌هایی که به تجزیه ایران منجر شود رو بیابیم.

دکتر فصیحی با اشاره به برگزاری جشن فروردگان در لس‌آنجلس در سال ۲۰۱۰ در خاتمه گفته‌های خود یادآور می‌شود که جشن‌های ملی ما پتانسیل حفظ تمامیت ارضی کشور، ایجاد اتحاد در اپوزیسیون و گسترش مبارزات بدون خشونت در ایران را به درستی داراست که می‌توان از آن بهره برد.

دکتر امیر فصیحی از فعالان سیاسی و یکی از کوشندگان مسیر تغییر در ایران از طریق مبارزات بدون خشونت است که در سال‌های اخیر با تمرکز فعالیت‌هایش در «بنیاد جشن‌های نوروزی» نقش موثری در ترویج تلاش برای احیای مبارزات مدنی و کنش‌های اجتماعی بدون خشونت در ایران داشته است.

دکتر فصیحی به تازگی کتابی را به زبان انگلیسی تحت عنوان «انقلاب نوروزی» منتشر کرده است، در کتاب خود در سه بخش مجزابه بررسی میراث خشونت در تاریخ

ایران پرداخته و از تاثیر آن بر فرهنگ ملی و پیدایش خشونت سیاسی به تفصیل سخن گفته است. او در بخش میانی کتاب خود میثاق خشونت پرهیزی، با مقایسه بنیادین بین جامعه ایران و دیگر جوامع بشری مانند آمریکا و پیگیری خط سیر پیدایش فلسفه خشونت پرهیزی که گاندی در راه مبارزات خود بنیان نهاد و با واژه «ساتیا گراها» از آن

یاد کرده است به لزوم مبارزه برای حقیقت و رفع تبعیض و توجه به این نکته اساسی پرداخته است که مبارزه به مفهوم عدم قبول ظلم و تبعیض از مسیر ایجاد تبعیض و با استفاده از روش‌های تبعیض‌آمیز هرگز میسر نمی‌شود.

دکتر فصیحی در سومین فصل کتاب «انقلاب نوروزی» نافرمانی‌های مدنی در جشن‌های ملی را راهکاری اجرایی و اتحاد آفرین بین بخش‌های گوناگون بدنه اجتماعی ایران که متشکل از قومیت‌ها و مذاهب گوناگون است دانسته و به تفصیل در خصوص این جشن‌ها، چرایی پیدایش آنها و متد لازم برای تبدیل کاربری این جشن‌ها از وحشت ستیزی تاریخی پیرامون هریک از آنها به کارکردهای امروزی و قابل درک عینی برای جامعه می‌پردازد.

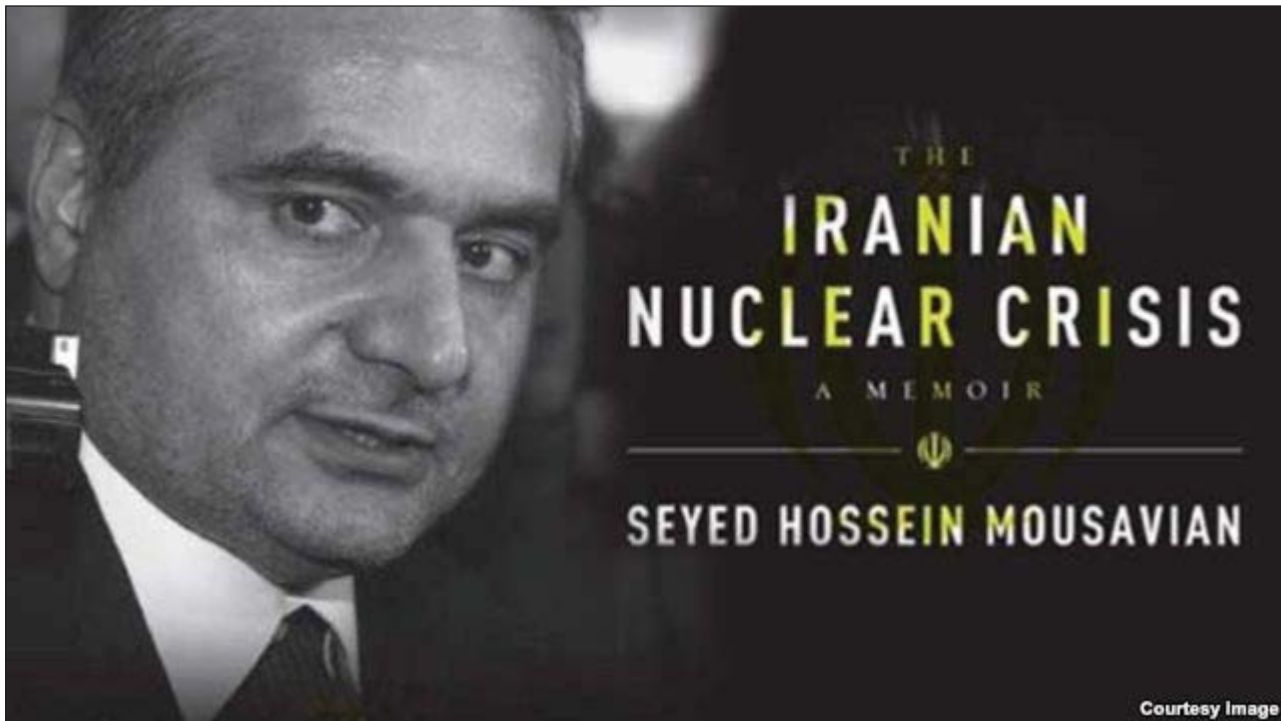
آنچنان که برپایی مرتب جشن‌های ماهیانه ایرانی از جشن فروردگان برای یادبود روح درگذشتگان گرفته تا جشن اسفندگان که برای تحسین و بزرگداشت زنان است، دلیل قابل اعتنائی برای دستیابی به بیداری فرهنگی، درک درست از شرایط جامعه کنونی، پرهیز از درگیری با اعتقادات گروه‌های دیگر و روشی مسالمت‌آمیز برای دست یافتن به آزادی است که جامعه را به بدنه فعال جنبش‌های اجتماعی بدون خشونت مبدل می‌کند.





# ده دلیل برای آن که ایران بمب اتمی نمی خواهد

حسین موسویان



بگشاید  
حسین موسویان در ادامه این مطلب استدلال‌های خود را مبنی بر این که ایران به دنبال تولید بمب اتمی نیست ارائه می‌کند.

## ۱- تعهدهای دینی

علاوه بر تعهد بین‌المللی، ایران بر اساس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، طبق فتوای شخص آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، این کشور با تولید و به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و هرگونه سلاح کشتار و تخریب جمعی دیگر مخالف است.

این فتوا در سال ۱۹۹۰ یعنی هشت سال قبل از آغاز غنی‌سازی اورانیوم به مقامات حکومت ایران اعلام شده است. تمام مراجع تقلید برجسته شیعه نیز فتوای مشابهی صادر کرده‌اند.

## ۲- فقدان منافع درازمدت

بر اساس ارزیابی‌های ایران، بمب اتمی فقط یک برتری منطقه‌ای کوتاه‌مدت را برای این کشور به ارمغان خواهد آورد که در درازمدت به نقطه‌ضعف بدل خواهد

حسین موسویان، مسئول سابق مذاکرات هسته‌ای ایران، که در سال‌های اخیر به آمریکامهاجرت کرده و اکنون از پژوهشگران دانشگاه «پرینستون» است در مطلبی تحلیل خود از بحران هسته‌ای ایران و راه حل‌های آن را تشریح کرده است. حسین موسویان در مقدمه مطلب خود که در «شنال اینترست» منتشر شده، یادآوری می‌کند که از زمان شکل‌گیری بحران هسته‌ای ایران، غرب همیشه بر این اعتقاد بوده است که اعمال تحریم و مجازات‌های شدید و تهدید به حمله نظامی تنها راه تغییر برنامه هسته‌ای و توقف غنی‌سازی در ایران است. اما وی بارها به دوستان خود در غرب گفته است که فشارهای بین‌المللی در دیدگاه و روش برخورد رهبران ایران تغییری ایجاد نخواهد کرد و گزینه نظامی نیز برای ایران، منطقه و کل جهان فاجعه‌بار خواهد بود.

به نوشته نویسنده، پس از گذشت یک دهه، فشارهای غرب به اهداف خود نرسیده و در حقیقت ایران توانسته است برنامه هسته‌ای خود را توسعه داده و تکمیل‌تر کند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که غرب این واقعیت‌ها را بپذیرد. حال سوال مهم این است که آیا حکومت ایران در نهایت در پی تولید سلاح هسته‌ای است یا نه. اگر ایران واقعا چنین هدفی ندارد، در آن صورت اتهام‌ها و سوءظن‌های غرب باید به حد کافی کاهش یابند تا راه را برای توافقی دیپلماتیک



شد. این اقدام رقابتی هسته‌ای را در سطح منطقه آغاز خواهد کرد که دیر یا زود مصر، عربستان سعودی و ترکیه را نیز به صف صاحبان سلاح‌های هسته‌ای خواهد افزود.

### ۳- انتخاب نوع فناوری‌ها

نوع فناوری‌هایی که ایران برای برنامه هسته‌ای خود انتخاب کرده نشان می‌دهد که به دنبال دستیابی به امکانات غنی‌سازی گسترده و سریع اورانیوم است و نه تولید سلاح هسته‌ای. فناوری‌هایی که ایران انتخاب کرده حرکت به سمت نسل بعدی از تکنولوژی هسته‌ای است و نه تولید و به کارگیری شمار گسترده‌ای از سانتریفیوژها. اگر ایران واقعا به دنبال تولید سلاح هسته‌ای بود، از سال‌ها پیش می‌توانست در گزینش نوع فناوری‌ها به سمت تولید سریع بمب حرکت کند.

### ۴- انزوا

ایران به خوبی می‌داند که با تبدیل شدن به یک کشور صاحب سلاح هسته‌ای چین و روسیه را به سمت همراهی با آمریکا سوق خواهد داد و تحت تاثیر آن تحریم‌های گسترده‌تری علیه این کشور به اجرا در خواهند آمد که اقتصاد ایران را به طور کامل نابود خواهد کرد.

ایران می‌داند که داشتن سلاح هسته‌ای باعث خواهد شد که اسرائیل بتواند آمریکا و بخش مهمی از جامعه جهانی

به سمت استراتژی خود جلب کند و بر اساس این ادعا که ایران خطری برای موجودیت اسرائیل است جنگ دیگری را در خاورمیانه آغاز کند.

### ۵- اهداف درازمدت

راهکار و هدف نهایی ایران بدل شدن به کشوری مدرن است که بتواند به خوبی در عرصه فناوری‌های جدید با غرب رقابت کند. اکثریت سیاستمداران ارشد ایران معتقدند که تولید سلاح هسته‌ای به یک مانع بزرگ بر سر راه دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و توسعه روابط با کشورهای صنعتی جهان بدل خواهد شد. آنها نمی‌خواهند حالت انزوای مطلق که در مورد کره شمالی روی داده شامل حال ایران نیز شود.

### ۶- حسن نیت

در طول مذاکرات هسته‌ای، چه در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ با نمایندگان اتحادیه اروپا و چه در چند سال اخیر با نمایندگان کشورهای گروه پنج به علاوه یک، ایران در موارد زیادی حسن نیت خود را نشان داده است. در سال‌های اول مذاکرات، ایران سقف پنج درصد برای عیار غنی‌سازی اورانیوم را پذیرفت و در روند مذاکرات سال‌های اخیر نیز طرح پیشنهادی روسیه برای حل تمام سوءظن‌های غرب را قبول کرد. هنوز هم مقامات ایران به آمادگی برای یافتن نوعی راه حل اشاره می‌کنند، ولی متأسفانه آمریکا و اتحادیه اروپا این پیشنهادها را رد کرده‌اند.

### ۷- ایران اورانیوم ذخیره نمی‌کند

اتهام‌های مربوط به ذخیره اورانیوم غنی‌شده در ایران بی‌اساس است. ایران برای سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر سالانه به ۲۷ تن اورانیوم با غلظت ۳٫۵ درصد نیاز دارد. تا این مقطع ایران فقط توانسته است هفت تن اورانیوم تولید کند، بنابراین برای تامین سوخت این نیروگاه حداقل به بیست تن دیگر نیاز دارد.

### ۸- پیشنهاد‌های مربوط به غنی‌سازی

در دوره اخیر بزرگ‌ترین نگرانی غرب و مهم‌ترین موضوع در مذاکرات غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بیست درصد بوده است. ایران بارها اعلام کرده است که این اورانیوم برای مصرف راکتور تحقیقاتی تهران است و اگر ایران بتواند این نوع اورانیوم را از خارج وارد کند تولید آن را در داخل متوقف خواهد کرد. ولی طرف مقابل تاکنون چنین پیشنهادی را نپذیرفته است.

### ۹- مهار قدرت ایران

یکی از اتهام‌های اصلی این است که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد از آن علیه آمریکا و اسرائیل استفاده خواهد کرد. چنین اتهامی واقعا بی‌معنا است، چون ایران به خوبی می‌داند که حمله یا تحریک کشورهایی که صاحب صدها و هزاران کلاهک هسته‌ای هستند جنگی را دامن خواهد زد که به نابودی ایران منجر خواهد شد.



### ۱۰- تغییر رژیم را باید فراموش کرد

برخی معتقدند که دلیل ایران برای تولید سلاح هسته‌ای نوعی تضمین یا مقابله با سیاست آمریکا برای تغییر حکومت در ایران است. ایران برای دفاع از خود در برابر تهاجم خارجی به سلاح هسته‌ای اعتقاد ندارد و تجربه جنگ هشت ساله با عراق این را به خوبی نشان داد. در طول جنگ، آمریکا و غرب به هر شکل ممکن از حکومت متجاوز حمایت کردند، ولی در نهایت همه می‌پذیرند که ایران بدون به کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف توانست به کشور نیرومندتری در منطقه بدل شود. در حالی که طی چند دهه اخیر موقعیت آمریکا و اسرائیل با وجود برخورداری از قدرت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه به شدت تضعیف شده است.

حسین موسویان مسئول سابق مذاکرات هسته‌ای ایران در پایان این مطلب پیشنهاد می‌کند که محور اصلی یک توافق این است که ایران فتوای آیت‌الله خامنه‌ای در مخالفت با تولید سلاح هسته‌ای را عملی کرده و بر اساس آن بخش الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ان‌پی‌تی، را امضا کند و در مقابل غرب حق مشروع ایران برای غنی‌سازی اورانیوم با غلظت زیر پنج درصد و زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را بپذیرد.

چنین توافقی می‌تواند حق مشروع ایران برای غنی‌سازی اورانیوم بر اساس ان‌پی‌تی را تامین کرده و در عین حال تضمین کند که ایران برای همیشه کشوری فاقد سلاح هسته‌ای باقی خواهد ماند.



# ده دلیل برای آن که ایران بمب اتمی می خواهد

مجید محمدی (جامعه‌شناس)



ژانویه ۲۰۱۲؛ یا متهم شدن سه نفر در ایالات متحده به قاچاق الیاف کربن به ایران و چین که در برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی کاربرد دارد، بلومبرگ، ۶ دسامبر (۲۰۱۲)

## ۴. تصور بقا با اتکا

به بمب

در میان کشورهایی که دولت امریکا در

منطقه‌ی خاورمیانه با آنها مشکل داشته (سه کشور محور شرارت به علاوه‌ی لیبی، قذافی، افغانستان طالبان و سوریه‌ی بشار) تنها ایران و کره‌ی شمالی از حمله‌ی نظامی مصون مانده‌اند. رژیم‌های افغانستان و عراق و لیبی سقوط کردند و رژیم بشار نیز متزلزل است. این دو کشور نیز دارای برنامه‌ی اتمی هستند. تصور این نکته که بقای رژیم وابسته به برنامه‌ی اتمی و کسب بمب در آینده است و برنامه‌ی اتمی می‌تواند عمر رژیم را افزایش دهد تصور بی‌پایه‌ای در میان مقامات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی نیست.

## ۵. کسب بمب اتمی برای اسلامگرایان حاکم منع شرعی ندارد

هیچ گونه منع مذهبی در چارچوب نگرش اسلامگرایانه به متون دینی برای کسب سلاح اتمی وجود ندارد. مسلمانان صاحب قدرت برای دفاع از خود می‌توانند هر گونه عده و عده‌ای را فراهم کنند. اما آنچه در مورد فتوای خامنه‌ای در این باب گفته می‌شود (که ایشان متنی مکتوب تحت این عنوان صادر نکرده‌اند) صرفاً اشاراتی در سخنان وی بوده است.

آنچه حسن روحانی به مذاکره‌کنندگان اروپایی تحت عنوان فتوای آیت الله خامنه‌ای فروخت سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه‌ی تهران بود به این ترتیب: «سلاح اتمی، تولیدش، نگه‌داشتنش و به کار بردنش، هر کدامی یک اشکالی دارد؛ ما نظر شرعی خودمان را هم گفته‌ایم؛» (۱۵ آبان ۱۳۸۳) این جمله هیچ گونه منعی را نمی‌رساند. حسن روحانی در گفتگو با اروپاییان از همین متن به عنوان فتوا یاد می‌کند: «آن زمان که ایشان در نماز جمعه مطرح کردند گفتند که تولید، نگه‌داری و استفاده، یعنی از هر سه مورد نام بردند. فکر می‌کنم در نیمه آبان ماه سال ۸۳ بود که ایشان برای اولین بار این فتوا را در دانشگاه تهران در نماز جمعه مطرح کردند. آن زمان در آستانه‌ی بحث‌های توافق پاریس نیز بود.» (مصاحبه با مهرنامه، اردیبهشت ۱۳۹۱)

اعلام حرام بودن سلاح اتمی که سالها از قول ایشان نقل می‌شد نه تنها موضوعی را روشن نمی‌کند بلکه تاریخ تر می‌سازد. خامنه‌ای اصولاً در مقام

حسین موسویان، مسئول سابق مذاکرات هسته‌ای ایران، که در سال‌های اخیر به آمریکا مهاجرت کرده، اخیراً در مقاله‌ای در سایت آمریکایی «شنال اینترست»، «ده دلیل برای آن که ایران بمب اتمی نمی‌خواهد» ذکر کرده است. در پاسخ به این مطلب، مجید محمدی، ده دلیل برای آن که جمهوری اسلامی در پی سلاح هسته‌ای است، نوشته است.

برای نقد مواضع دول غربی در برابر برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی و اقدامات مبتنی بر آنها یعنی تحریم‌ها و تهدید نظام یا با هدف به جریان انداختن دیپلماسی فعال تر، گروهی اصولاً منکر ابعاد نظامی این برنامه شده و دلالی برای آن ذکر کرده‌اند. در این نوشته دلالی را که برای احتمال معقول وجود ابعاد نظامی برای این برنامه متصور است ذکر می‌کنم:

## ۱. پنهانکاری و فریبکاری

اگر برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ابعاد نظامی نداشت (مثل برنامه‌های اتمی دهها کشور دیگر که از آغاز و کاملاً تحت نظارت آژانس فعالیت کرده‌اند) دیگر نیازی به این همه فریبکاری و پنهانکاری نبود. برای این پنهانکاری‌ها و فریبکاری‌ها نیازی نیست به سخنان مقامات آژانس و مقامات دول غربی رجوع کنیم. کافی است به مصاحبه‌ی حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده‌ی ارشد هسته‌ای، با نشریه‌ی مرکز تحقیقات استراتژیک در ایران در این مورد و کتاب او با عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» نگاهی بیندازیم.

## ۲. کار با شبکه‌ی عبدالقدیر خان

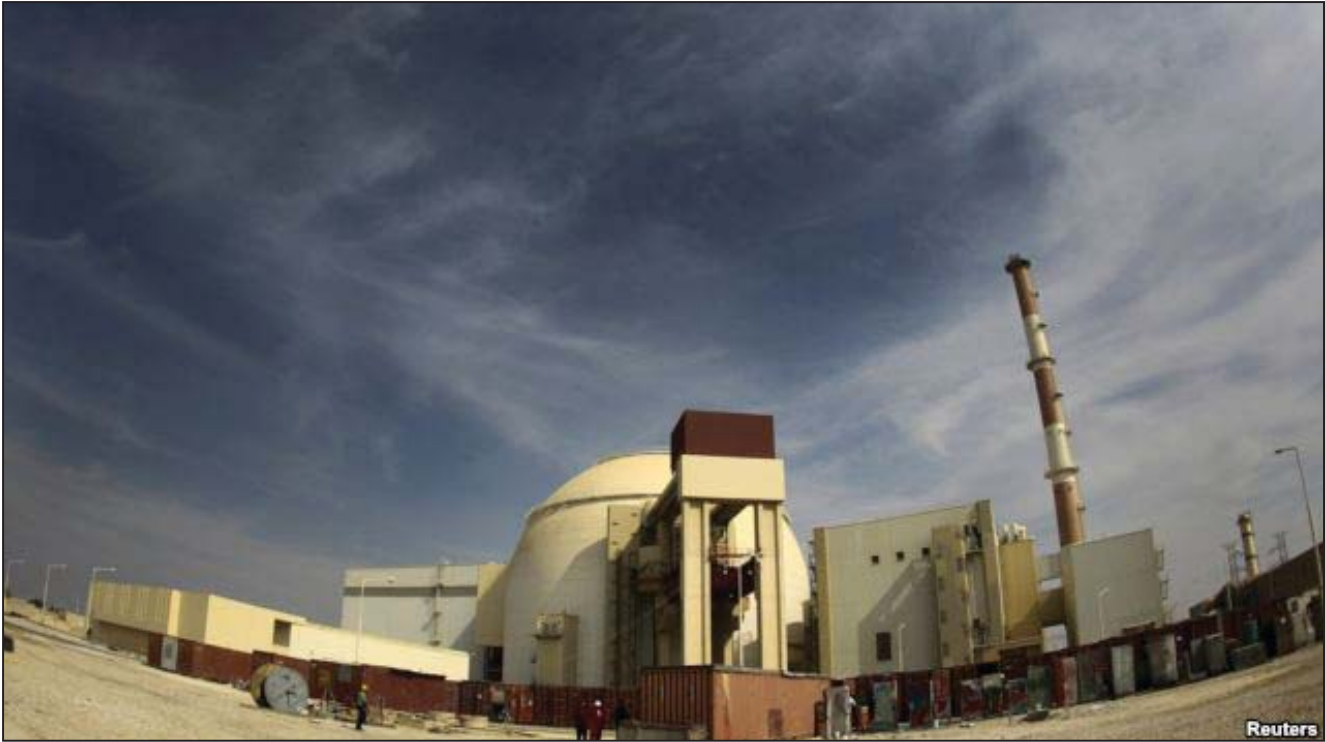
همه‌ی کسانی که در دهه‌ی شصت و هفتاد با نهادهای سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی رفت و آمد داشتند از فعالیت شدید این نهادها در پاکستان خبر داده‌اند. (نویسنده‌ی این یادداشت به مدت دو سال در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری فعالیت داشت و شاهد سفرهای مکرر مقامات امنیتی و سابقاً امنیتی و نظامی به پاکستان در این دوره بود). در آن دوره پاکستان اولویت اول جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و ارتباط با نهادهای مدنی و افراد و اشخاص و بالاخص نظامیان آن کشور بود. این رابطه تنها با امکان دست‌یابی به اطلاعات قدیر خان، «پدر تسلیحات هسته‌ای پاکستان» قابل فهم است. رابطه‌ی عبدالقدیر خان و جمهوری اسلامی موضوعی قابل انکار نیست.

## ۳. تلاش برای کسب مواد و تکنولوژی‌هایی با کاربرد دوگانه

در دو دهه‌ی اخیر دهها نفر در کشورهای غربی به اتهام ارسال تجهیزاتی با کاربرد دوگانه در برنامه‌ی اتمی ایران بازداشت و محکوم شده‌اند. بخشی از این تجهیزات به کاربردهای نظامی برنامه‌ی اتمی مربوط بوده است. (مثل بازداشت یک تاجر ایرانی به اتهام صادرات غیرمجاز تجهیزاتی که در ساخت موشک‌های بالستیک کاربرد دارد، تابناک، ۲۶ مهر ۱۳۸۸؛ دستگیری فردی ایرانی به اتهام خرید تجهیزات آزمایشگاهی با کاربرد دوگانه در ایالات متحده، سحام نیوز ۲۸







تصمیمات و اقدامات ایشان نبوده‌اند.

#### ۶. سرکوب جنبش سبز

جنبش سبز در یک هفته‌ی اول پس از انتخابات به دنبال براندازی خامنه‌ای نبود. اما خامنه‌ای تنها به خاطر عدم اعتماد به اصلاح طلبان در برنامه‌ی اتمی و اعتماد به احمدی نژاد، در این برنامه احمدی نژاد را به موسوی ترجیح داد و بسیاری از نزدیکان خود (حتی هاشمی رفسنجانی) را با هزینه‌ی بسیار از دست داد.

#### ۷. رفتار دوگانه با سیاست اتمی دولت خاتمی

تلاش‌های دولت خاتمی (محدود کردن غنی سازی به ۵ درصد، صادر کردن اورانیوم به خارج برای قراردادن در میله‌های سوخت، پذیرش الحاقیه، و فراهم کردن حداکثر شفافیت) برای کاهش تنش را نمی توان به حساب ذخیره‌ی خامنه‌ای در برنامه‌ی هسته‌ای گذاشت. نمی شود در داخل کشور به دولت خاتمی برای این امور ناسزا گفت و در خارج از آنها اعتبار کسب کرد. خامنه‌ای و احمدی نژاد و دیگر مقامات شورای امنیت ملی (مثل علی لاریجانی) چندین بار از این سیاست‌ها به عنوان سیاست‌های شاه سلطان حسینی و مبادله‌ی گوهر و آب نبات سخن گفته‌اند. کسانی که به سیاست‌های دولت خاتمی برای باز بودن جمهوری اسلامی بر نوعی مصالحه انگشت می گذارند به نحو ارادی تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به برنامه‌ی اتمی در جمهوری اسلامی را به فراموشی می سپارند.

در دو سال اخیر سخنان احمدی نژاد در باب برنامه‌ی هسته‌ای نیز (مثل پیشنهاد ایشان برای توقف غنی سازی در صورت تامین سوخت ۲۰ درصد) دیگر، مواضع رژیم به حساب نمی آید. ایشان در کنار این سخنان دهها نظر دیگر نیز داشته‌اند (مثل اجرای قانون اساسی توسط رئیس دولت، ریاستی بودن نظام جمهوری اسلامی، برقراری رابطه با امریکا) که همه از سوی بیت رهبری نادیده گرفته شده‌اند.

فتوا نبوده و نیست تا چنین فتوایی داده باشد (مرحوم منتظری در سخنانی که به حصر وی انجامید به صراحت مرجعیت وی را انکار کرد) و آنچه به عنوان فتوا به غربیان فروخته می شود یک تاکتیک برای جلب اعتماد است. آنچه از قول خامنه‌ای در این زمینه گفته شده نیز منع «استفاده و کاربرد» سلاح هسته‌ای بوده و نه «ساخت و ذخیره سازی و نگه داری» آن: «ما کاربرد این سلاح‌ها هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم.» (پیام به کنفرانس خلع سلاح هسته‌ای، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹) خامنه‌ای بر خلاف نقل قول‌هایی که از وی در باب منع ساخت شده هیچگاه ساخت سلاح اتمی را به روشنی منع نکرده است.

تنها فقیه‌ی که در میان فقهای شیعه‌ی معاصر فتوایی در منع سرمایه گذاری، تولید، نگهداری و به کارگیری انرژی هسته‌ای در فناوری تسلیحاتی و ساخت سلاح های کشتار جمعی فتوا داده مرحوم منتظری است که مطرود رژیم بوده و مبانی متفاوتی در برخورد با امور داشته است.

در ضمن علی خامنه‌ای سخنان و نظراتی داده که همه‌ی آنها در عمل نقض شده است. حتی اگر کسب بمب منع شرعی داشته باشد مقامات جمهوری اسلامی خود را به منع شرعی محدود نمی کنند چون مصلحت نظام فراتر از توحید و نماز است. دروغ گویی مقامات اگر تنها به مسئله اتمی محدود می شد می شد آن را باور پذیر تر می کرد.

علی خامنه‌ای به کدام یک از دستورات خود مربوط به اموری که مد نظرش نبوده وفادار مانده است؟ مگر وی دستور پی گیری قتل‌های زنجیره‌ای و دو حمله به کوی دانشگاه و کشتن معترضان در کهریزک را نداد (بر خلاف میل خود و بر خلاف دستورات قبلی خود)؟ نتیجه چه شد؟ جمهوری اسلامی به کدام یک از تعهدات بین المللی اش وفادار بوده که آن پی تی را دومین مورد آن بشماریم؟ مقامات جمهوری اسلامی تعهدات و متون صادره از سوی مجامع بین المللی را بیش از سه دهه است کاغذ پاره می دانند. نه الزامات مذهبی و نه الزامات حقوقی هیچ یک محدود کننده‌ی مقامات جمهوری اسلامی در

# ۱۰ دلیل که موسویان خلاف می گوید!

رضا تقی زاده (تحلیلگر سیاسی)



راکتور در اندازه های بوشهر حتی به مدت یک هفته هم نخواهد بود. در بند ۴، موسویان تلاش ایران برای به دست آوردن بمب را به منزوی شدن ایران نسبت می دهد. دیدن انزوای ایران در منطقه و جامعه جهانی، به عنوان یکی از هزینه های تلاش برای به دست آوردن بمب چندان دشوار نیست. این هزینه در حال حاضر پرداخت شده است.

در بند ۵ استدلال موسویان ابتدایی تر از بند قبلی است. او مدعی است که ساختن بمب ایران را از دسترسی به تکنولوژی مدرن باز می دارد و به عقب ماندگی ایران منجر خواهد شد. اینجا هم او نعل وارونه میزند زیرا ایران در نتیجه اعمال تحریم ها و مدیریت غلط در اندازه های کلان و خرد، هر روز از مدل یک کشور مدرن و فرصت تبدیل شدن به کره جنوبی فاصله گرفته و به مدل کره شمالی نزدیک تر می شود. حضور موسویان در پریستون، و ترک ایران در نگاه او مدرن و آباد، شاهد این مدعی است. برخلاف گفته او این هزینه هم اکنون پرداخت شده و جای نگرانی برای تشدید آن در آینده نیست!

## ایران به دنبال تولید سوخت اتمی نیست

در بند ۵ موسویان مدعی است که ایران در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ طی مذاکرات اتمی حسن نیت داشته است. حق با اوست. به همین دلیل ایران طی سال های یاد شده مشمول تحریم های شورای امنیت نشد. دور تازه بحران در مناسبات ایران با آژانس و شورای امنیت از سال ۲۰۰۵ آغاز و ادامه یافته است. طی این دوره دوم مذاکرات ایران نه تنها انعطاف در مقابل خواسته های جامعه جهانی نشان نداده که در مواضع خود سخت تر شده. در نتیجه

حسین موسویان، سفیر پیشین جمهوری اسلامی در آلمان و معاون شورای امنیت ملی در زمان دبیری حسن روحانی، که همزمان در تیم مذاکره کنندگان اتمی ایران نیز نقش داشت بعد از فراهم آمدن شرایط گفت و گوهای تازه بین ایران و گروه ۵+۱، که ممکن است در ماه ژانویه آینده برگزار شود، به نوشتن مقاله ای در ۱۰ بند پرداخته که از ابتدا تا انتها حاوی شعارهای قراردادی تهران است و فاقد توجیه در اثبات ادعای او.

موسویان در ابتدای نوشته خود، مدعی است که ایران به دنبال بمب اتمی نیست. نتیجه گیری او نیز در انتهای نوشته، توصیه به غرب است برای پذیرفتن ایران اتمی! پرسش متقابل از حسین موسویان و جمهوری اسلامی، در صورت پذیرفتن فرضی این ادعا که «ایران به دنبال بمب نیست»، این است که ایران با تحمل هزینه های نجومی سال های اخیر به راستی به دنبال چیست؟

در رد اتهام تلاش جمهوری اسلامی برای دست یافتن به بمب اتمی که در اثبات آن تاکنون صدها نشانه روشن از سوی ده ها منبع دولتی و علمی و جهانی منتشر شده، و به دلیل اعتبار آنها پرونده مربوط به شورای امنیت ارسال و در شورا ۴ قطعنامه تنبیهی و ۳ قطعنامه توبیخی علیه ایران صادر گردیده، موسویان ابتدا به فتوای علی خامنه ای متوسل می شود.

با این حال فتوای آیت الله علی خامنه ای، مانند هر فتوای دیگری در هر زمان توسط خود او قابل تغییر است و قانون ماندگار نیست. به علاوه، علی خامنه ای نیز مانند هر موجودی همیشه در خطر مرگ است و فتوای مجتهد بعد از مرگ او قابلیت اجرایی خود را از دست می دهد.

پرسش حقوقی از حسین موسویان این است که در صورت نداشتن انگیزه دست یافتن به بمب، چرا موضوع براهت از بمب اتمی به جای فتوای علی خامنه ای، در مجلس اسلامی ایران مطرح نمی شود و شکل تکلیف قانونی بخود نمی گیرد؟ ایران تاکنون حتی از پذیرفتن پر تکل الحاقی نیز که متضمن بازرسی های دقیق تر از فعالیت های پیدا و پنهان اتمی جمهوری اسلامی است شانه خالی کرده چه رسد به طرح و تصویب قانون منع ساختن بمب اتمی.

## وضعیت موجود ایران کلکسیونی است از محاسبات غلط

در بند ۲ موسویان ضمن پذیرفتن برتری کوتاه مدت ناشی از تصاحب بمب، مدعی است که داشتن بمب در میان مدت به نقطه ضعف جمهوری اسلامی تبدیل خواهد شد.

موسویان اشتباه می کند. حتی حرکت به سمت و سوی بمب نیز به زبان ایران است چه رسد به داشتن آن. فارغ از سود و زیان محتمل، جمهوری اسلامی هرگز فرصت در اختیار گرفتن بمب را نخواهد یافت. با این حال این حرکت را با تکیه بر محاسبات غلط تاکنون ادامه داده است.

تلاش محتمل جمهوری اسلامی برای به دست آوردن بمب اتمی اولین و تنها اشتباه استراتژیکی جمهوری اسلامی نیست. وضعیت موجود ایران کلکسیونی است از محاسبات غلط و مدیریت ضعیف جمهوری اسلامی در مناسبات خارجی. پایه استدلال بند ۳ در بیانیه موسویان از بند ۱ و ۲ نیز ضعیف تر است. وجود فوردو با ظرفیت تنها ۳۰۰۰ سانتر فیوز شاهد گویایی است که جمهوری اسلامی بدنبال تولید سوخت نیست. فوردو در صورت ماندگاری، هر سال قادر به تولید ماده انفجاری برای ۴ بمب خواهد بود ولی قادر به تامین سوخت برای گرم کردن یک



## ۸. فقدان توجیه اقتصادی

پی گیری برنامه اتمی از حیث استفاده صلح آمیز به هیچ وجه مقرون به صرفه نبوده است. تنها برای یک برنامه‌ی نظامی می توان چنین هزینه‌ی بزرگی تا حد تحریم‌ها را پرداخت. رفتار رژیم جمهوری اسلامی بر اساس هزینه و فائده‌ی ملی و بر اساس مقتضیات امنیت و منافع ملی انجام نمی گیرد تا بر این گونه مبانی پی گیری برنامه‌ی اتمی برای دست یابی به بمب رامننتی بدینم، عقلانیت هیچ نقشی از آغاز در برنامه‌ی اتمی ایران نداشته است.

فقدان محاسبات عقلانی و عدم ملاحظه‌ی هزینه- فائده بخشی از چارچوب تصمیم گیری جمهوری اسلامی در سیاست داخلی و خارجی آن است. در همین موضوع غنی سازی پنج موضوع مشخص نمایانگر تاثیر منفی برنامه‌ی هسته‌ای بر منافع و امنیت ملی کشور هستند:

فقدان ذخایر کافی اورانیم (۴ تا ۱۰ سال بسته به تعداد نیروگاه‌ها اگر فرض کنیم که هدف صرفا استفاده‌ی صلح آمیز باشد)، خرید اورانیم بسیار گران از قزاقستان یا برخی کشورهای امریکای لاتین، فقدان توجیه اقتصادی کسب انرژی برق از هسته‌ی اتم با توجه به ذخایر گاز و نفت، تحریم‌های اقتصادی ناشی از پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای که دهها میلیارد دلار خسارت برای کشور به بار آورده است، و فراهم کردن زمینه‌ی مسابقه‌ی هسته‌ای در منطقه در آینده. مقامات جمهوری اسلامی علی رغم انتقادات کارشناسان در این مقولات هیچگاه به آنها پاسخ نداده‌اند. جمهوری اسلامی بمب اتمی را به هر قیمت می خواهد همان طور که احمدی نژاد در ابتدای ریاست جمهوری خود به حسن روحانی پیشنهاد کرده بود که کل بودجه‌ی آژانس بین المللی انرژی اتمی را بدهد (حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای) تا آژانس مطابق میل جمهوری اسلامی عمل کند.

فقدان منفعت بلند مدت، انزوا و افزایش خطر جنگ اموری نیستند که جمهوری اسلامی را از پی گیری سیاست‌هایش باز داشته باشند. رفتار جمهوری اسلامی نشان می دهد که این رژیم در پی ساختن یک ایران مدرن که بدون تنش می خواهد به ارتقای زندگی و معیشت شهروندانش بپردازد نیست.

## ۹. بستن فضای عمومی

کارشناسان سیاسی و روزنامه نگاران و دیگر کارشناسان این حوزه در ایران از بیان نظرات خود منع شده‌اند. شورای امنیت ملی در این باب دستورات مشخصی را به مطبوعات ارسال می داشته است. اصولا افکار عمومی در این حیطه قفل شده است تا فقط صدای مقامات شنیده شود. اگر برنامه‌ی اتمی رژیم ابعاد نظامی ندارد و برای تولید برق و خدمات پزشکی است (و اکثر کارشناسان با اینها مخالفتی ندارند، بجز طرفداران محیط زیست که با نیروگاه‌های اتمی نیز مخالفند) چرا باید چنین قفلی بر دهان‌ها زده شود؟ چرا یکی از مذاکره کنندگان ارشد هسته‌ای که حدود یک دهه در خدمت این برنامه بوده و هنوز هم در خدمت آن است تنها به جرم سخن گفتن غیر مطابق با نظرات تیم احمدی نژاد اتهام جاسوسی دریافت می کند؟

## ۱۰. سوخت بوشهر از روسیه می آید

می گویند ذخیره سازی مواد غنی سازی شده با توجیه فراهم کردن سوخت برای بوشهر است اما این امر هیچ توجیهی ندارد. از ابتدا قرار بوده است سوخت نیروگاه بوشهر را روس‌ها تامین کنند و نه جمهوری اسلامی.

\*\*\*

با در نظر گرفتن اقداماتی که جمهوری اسلامی در پیشبرد برنامه‌ی اتمی خود تا کنون انجام داده، دلایل فوق به روشنی نشان می دهند که هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای صلح آمیز بودن همه‌ی ابعاد این برنامه وجود ندارد بلکه دلایل طرف مقابل قابل قبول تر به نظر می آید. همچنین برای ترس زدایی از اقدامات تنش زای مقامات گفته می شود کسب بمب اتمی توسط جمهوری اسلامی با هدف حمله‌ی اتمی به ایالات متحده یا اسرائیل صورت نمی گیرد اما نمی توان فقدان مفروض این عزم را ضرورتا به معنی عدم پی گیری ساخت بمب توسط جمهوری اسلامی گرفت.

حسن نیت ادعایی ایشان بی شباهت به کاربرد طعنه برای بیان لجبازی نیست. در بند ۷ موسویان مدعی است که ایران به دنبال ذخیره اورانیم نیست! کسی هم مدعی ذخیره سازی اورانیم در ایران نیست! هر چند که محاسبه او از سوخت مورد نیاز راکتوری در اندازه‌های بوشهر غلط است و این اشتباه محاسبه در خدمت رد قوی تر استدلال او قرار می گیرد. ایران برای تامین مصرف یکسال راکتور بوشهر ۸۰ تن سوخت با غلظت ۳٫۵ در صد از روسیه خریداری کرده است. معادل نیمی از این حجم نیز در مراحل آزمایشی و تا رسیدن ظرفیت کوره به حد اکثر گداز مورد نیاز است. در نتیجه مفهوم تولید ۷ تن سوخت در طول ۷ سال، نیاز داشتن به ۷۰ سال زمان بیشتر برای تامین سوخت یکسال راکتور بوشهر است. به این دلیل ایران به دنبال تولید سوخت اتمی نیست

پرسش از آقای موسویان این است که تحمل هزینه‌های نجومی از جمله محروم ماندن از ۵۰ میلیارد دلار صادرات نفت خام، برای رسیدن به ظرفیت تولید یکسال سوخت راکتور بوشهر در ۷۰ سال آینده قابل توجیه است؟

در بند ۸، موسویان به آمادگی ایران برای قطع تولید اورانیم با غلظت ۲۰ در صد اشاره می کند. این شرط ۲ سال پیش برای پیشبرد مذاکرات با گروه ۱+۵ لازم و کافی بود. اما در حال حاضر تنها یکی از ۳ شرط لازم برای دست یافتن به یک توافق اصولی است.

ایران اینک در مذاکرات با جامعه جهانی در موقعیتی ضعیف تر از ۲ سال پیش قرار دارد. هر چند که این پیشنهاد حسین موسویان هرگز به صورت رسمی از سوی مذاکره کنندگان اصلی جمهوری اسلامی، بدون شرط مورد قبول قرار نگرفته است. در بند ۹ موسویان مدعی است که «ایران بمب اتمی احتمالی خود را علیه اسرائیل و آمریکا بکار نخواهد بود، زیرا به نابدی ایران منجر خواهد شد». به جای مورد خطاب قرار دادن غرب، بهتر است آقای موسویان این نکته را به رهبران جمهوری اسلامی یادآور شود، هر چند که صف مخالفان برنامه‌های اتمی مشکوک جمهوری اسلامی تنها محدود به آمریکا و اسرائیل نیست.

در بند ۱۰ از مقاله که، موسویان غرب را از تلاش برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی پرهیز می دهد و مدعی است که حاکمیت کنونی از پس مخالفان مهاجم با استفاده از سلاح‌های متعارف نیز بر خواهد آمد.

آقای موسویان در این مورد نیز یا ناگاهانه استدلال می کند و یا دانسته از دیدن تصویر واقعی طفره می رود. بی شک طبیعت جنگ احتمالی آینده با ایران مشابه جنگ فرسایشی ۸ ساله با عراق نخواهد بود و طول آن از چند روز فراتر نخواهد رفت.

در یک رویارویی محتمل، طرف مهاجم ارتش عراق با تجهیزات ۳۳ سال پیش نخواهد بود، در حالی که بنیه دفاعی ایران، به جز ظرفیت موشکی و نمونه سازی های نمایشگاهی، همچنان متکی به ابزارهای عتیقه همان سال‌ها باقی مانده است.

به دلیل ضعف اقتصادی و محروم ماندن از خرید تسلیحات پیشرفته، بنیه دفاعی ایران در مقایسه با همسایگان کوچک ایران نیز تحلیل رفته، چه رسد به مدعیان بزرگتر. ضعف بنیه دفاع متعارفی ایران است که می تواند تلاش جمهوری اسلامی را برای به دست آوردن سلاح هسته‌ای نزد رهبران آن توجیه کند.

تنها عمق دفاع استراتژیکی باقیمانده ایران، مساحت ایران است و دشواری های رویارویی با آن از راه زمین. تغییر طبیعت جنگ این نقطه قوت را نیز تا حدود زیادی تغییر داده است. گذشته از آن، تغییر رژیم جمهوری اسلامی موضوع داخلی ایران است و تاکنون هیچ کشور خارجی موضوع آنرا در دستور کار خود قرار نداده است.

از این لحاظ موسویان دست کم در مقاله ۱۰ بندی اخیر خود، در توجیه تبلیغاتی مواضع دولت متبوع خود نیز از هدف بازمانده است، چه رسد به عرضه پیشنهادی معتبر با استفاده از دیپلماسی خط دوم.

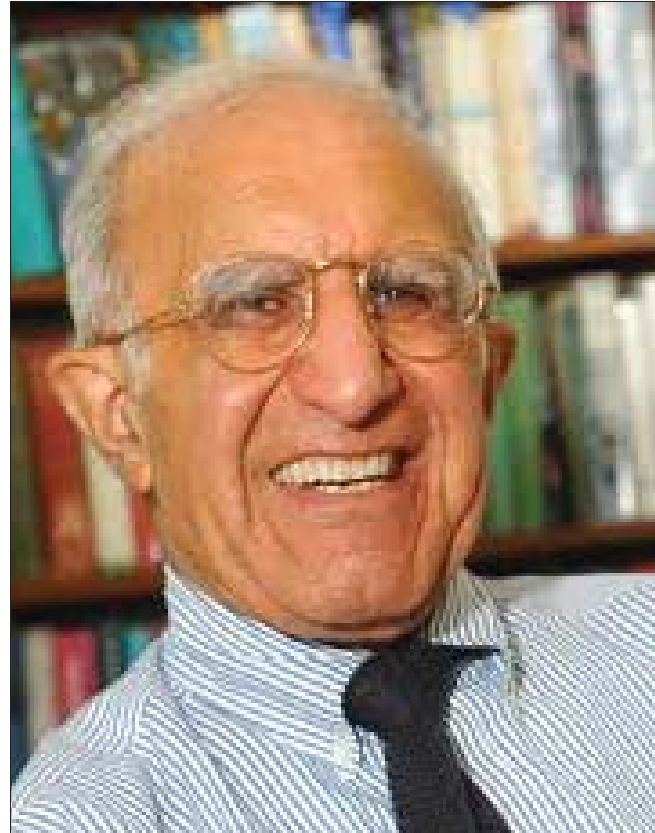
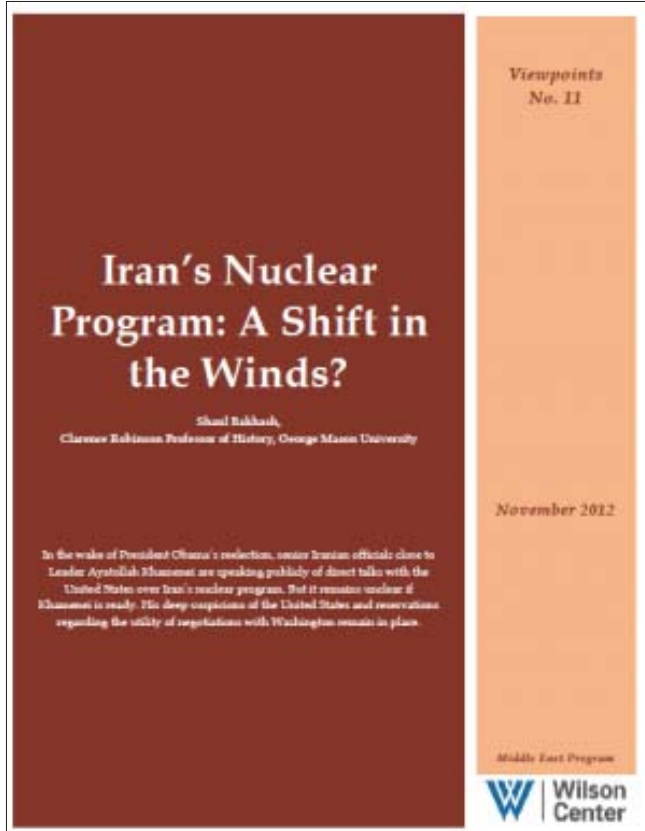




# برنامه اتمی ایران: تغییر جهت باد؟

نوشته شائول بخاش

استاد تاریخ دانشگاه جورج میسون ایالت ویرجینیا



بسر می‌برد) که گفته بود ایران حاضر به گفتگو با آمریکا است، سرعاً حمله کرد. طی چند ماه اخیر، فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اسرائیل را در صورت حمله به ایران تهدید به نابودی کردند.

در اوایل ماه نوامبر، محمدرضا نقدی فرمانده بسیج، آمریکا را «جنایتکارترین رژیم روی زمین» خواند و گفت روابط با آمریکا فقط در صورتی ممکن است که آمریکا سازمان سیا را منحل کند، ناوهای جنگی خود را از خلیج فارس خارج کند و ۵۰ پایگاه نظامی خود در سراسر دنیا را برچیند - به عبارتی دیگر هرگز. نقدی سیاست رسمی را بیان نکرد؛ اما اظهارات او منعکس کننده موانع موجود در فرماندهی نظامی ایران است که باید پیش از توافق با آمریکا برداشته شود. در عین حال اخیراً محمد جواد لاریجانی، رئیس کمیسیون حقوق بشر قوه قضاییه، اظهار داشت که مذاکره با آمریکا تابو نیست و اگر منافع کشور ایجاب کند، «ما حتی در قعر جهنم هم با آمریکا مذاکره می‌کنیم.» لاریجانی قبلاً در وبسایت خود، عملکرد اوپاما را به عنوان رییس جمهور آمریکا مثبت ارزیابی کرده بود. (خامنهای در گذشته بارها اوپاما را ادامه دهنده سیاست خصمانه دولت های پیشین نسبت به ایران خوانده بود). اظهارات لاریجانی با اهمیت است. یکی از برادرانش، علی لاریجانی رئیس مجلس ایران و از نزدیکان مورد اعتماد خامنهای است؛ برادر دیگرش، صادق، رئیس قدرتمند قوه قضائیه است.

در پی انتخاب مجدد باراک اوپاما به ریاست جمهوری، ایران نشانه‌هایی بروز داده که آماده مذاکره اتمی مستقیم با آمریکا است. موجی از اظهارات نزدیکان خامنهای در ماه نوامبر، حاکی از امکان مذاکره مستقیم بدون محکوم کردن با طرد ایده مذاکره است.

وزارت اطلاعات ایران در تحلیلی که به صورت عمومی منتشر کرد یادآور شده که هر گونه غفلت از احتمال حمله نظامی علیه تاسیسات اتمی ایران، «گناهی نابخشودنی» است و تأکید کرده که تدابیر دیپلماتیک برای حل مسئله اتمی ایران ارجحیت دارد.

محمود احمدی نژاد آشکاراً از مذاکرات مستقیم حرف زده است. دلیل این تغییر موضع آشکار - خامنهای در مورد مسئله اتمی همچنان در موضع مخالف باقی مانده است - به احتمال قوی فشار تحریم هاست که باعث بی ثباتی بسیاری در اقتصاد ایران شده، و همچنین این چشم انداز که ایران باید در چهار سال آینده نیز به تعامل با اوپاما ادامه دهد. اما هنوز روشن نیست که آیا خامنهای آمادگی سازش و دادن امتیاز لازم برای هرگونه توافق با آمریکا را دارد یا نه؟ از طرفی، نشانه های تغییر موضع غیر قابل انکار است. اخیراً در ماه سپتامبر، علی اکبر ولایتی، مشاور عالی خامنهای در سیاست خارجی، به پیشنهاد احمدی نژاد ( وقتی که برای نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک





AP

«ضروری - و کم هزینه» خوانده است. ایران در گذشته اعتماد زیادی به سازمان ملل ابراز نکرده و اژانس بین المللی انرژی اتمی را به جانبداری در ارزیابی مقاصد اتمی ایران متهم کرده است.

ترجیح مذاکره بر تقابل را باید تا حد زیادی با توجه به سابقه مشکلات شدید اقتصادی که کشور (ایران) با آن روبروست درک کرد - مشکلاتی که در اثر تحریم‌ها و همچنین سوء مدیریت اقتصادی محمود احمدی نژاد ایجاد شده اند. تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا خرید نفت و گاز ایران را ممنوع کرده، شرکت‌ها و افراد ایرانی مشخصی را هدف قرار داده، و توانایی بانک‌های ایرانی را برای مبادلات مالی بین المللی به شدت محدود کرده اند.

این تحریم‌ها بخشی از اقتصاد ایران را فلج کرده است. صادرات نفت ایران تقریباً نصف شده، یعنی ۳۵ میلیارد دلار از درآمد سالانه کشور کاهش یافته است.

تحریم‌های بانکی و محدودیت‌ها برای انتقال دلارهای نفتی به تهران، به این معنی ست که ایران غالباً قادر به دریافت پول فروش نفت خود نیست. ایران مجبور شده در چین و هند ارز آن کشورها را در مقابل فروش نفت بپذیرد، که فروش نفت را وابسته به خرید اجناس و کالاهای محلی می کند.

گزارش‌های زیادی خبر از این موضوع می دهد که ایران برای فروش نفت در بازارهای آسیا، نفت خام را با تخفیف ارائه می کند. کارخانه‌ها جهت وارد کردن مواد خام و قطعات یدکی با مشکلات و سختی‌هایی روبرو هستند؛ خطوط تولید به اجبار متوقف شده اند؛ و کارگران اخراج شده اند. تورم به شدت در حال افزایش است، و بانک مرکزی به وضوح نگران کاهش آهسته ولی پیوسته منابع ذخیره ارزی خود است.

دولت در حالی که دسترسی آسان به ارز خارجی را محدود کرد، سعی کرد دلار را در نرخ رسمی ۱۱۴۰۰ ریال نگه دارد. ولی ارزش ریال در بازار آزاد به شدت نزول کرد و در فاصله ژوئن ۲۰۱۱ تا اوت ۲۰۱۲ حدوداً ۵۰ درصد کاهش یافت. در اواخر سپتامبر، ترس بر جامعه چیره شد و ایرانیان از ریال به ارز خارجی پناه بردند.

در عین حال لاریجانی قوه قضائیه، محتاط‌تر به نظر می‌رسد و اظهار داشته که رابطه بین ایران و آمریکا «یک شبه» برقرار نمی‌شود و اگر ایران به پای میز مذاکره بیاید، «آمریکایی‌ها فکر نکنند می‌توانند از ملت ایران باج بگیرند.»

اینکه صادق لاریجانی اصولاً صحبت از مذاکره کرده و آن را کاملاً رد نکرده، قابل توجه است. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، گفته که تنها راه حل مشکلات بین ایران و آمریکا، گفتگوی مستقیم بین دو کشور است.

شاید تحلیلی که در سایت وزارت اطلاعات تحت عنوان «دلایل و موانع حمله نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران» آمده، قابل توجه تر باشد. در این تحلیل آمده که حمله اسرائیل به ایران با توجه به آمادگی نظامی ایران، آسیبی که ایران می‌تواند به اسرائیل وارد کند و پیامدهای جدی حمله نظامی اسرائیل بر ثبات کل منطقه، بعید به نظر می‌رسد. اما این تحلیل همچنین بین برخورد اسرائیل و آمریکا با برنامه اتمی ایران، تفاوت قائل شده است.

در این مقاله آمده که اسرائیل، هرگونه توانایی اتمی ایران را (حتی برای مقاصد صلح آمیز) به مثابه تهدیدی علیه موجودیت خود می‌بیند و به دنبال نابودی کامل تاسیسات اتمی ایران است. اما اینطور که تحلیل وزارت اطلاعات تشریح می‌کند، آمریکا دیدگاه «کاملاً متفاوتی» دارد.

آمریکا از دسترسی ایران به فن آوری هسته‌ای تهدیدی احساس نمی‌کند و حتی آماده‌است که با ایران در مورد غنی سازی سوخت در سطوح پایین در داخل کشور، گفتگو کند.

دولت اوباما به دنبال منع اسرائیل از یک حمله پیشگیرانه به تاسیسات اتمی ایران است، و مطمئن است که اگر ایران تصمیم به ساخت سلاح بگیرد، «چشم‌ها» و ابزارهای اطلاعاتی‌اش به سرعت مطلع خواهند شد. آمریکا امیدوار است که مسئله اتمی ایران را از راه دیپلماسی و مذاکره و با تحریم‌های سخت حل کند.

این مقاله ضمن تأکید بر ظرفیت‌های نظامی و توانایی ایران برای دفاع از خود، نهایتاً بر اهمیت پرهیز از جنگ با توسل به «ابزارهای دیپلماسی و سیاسی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین المللی» تأکید کرده است. و این راه را





ارزش ریال نسبت به دلار آمریکا در عرض یک هفته ۴۰ درصد کاهش یافت و اوایل اکتبر در بازار آزاد هر دلار بیش از ۳۵۰۰۰ ریال معامله شد. دولت با یک سری اقدامات عکس العمل نشان داد.

دولت بازار آزاد مبادلات ارزی را محدود کرد؛ نرخ رسمی ریال را تقریباً ۵۰ درصد پایین آورد، ارز دولتی را به واردات مواد غذایی و دارو محدود کرد و برای سایر بخش‌های واردات، نرخ‌های دیگری اعلام کرد؛ واردات فهرست بلندی از کالاهای لوکس را ممنوع کرد؛ صادرکنندگان را وادار کرد ارز خود را به جای نرخ بازار آزاد، با نرخ رسمی به وارد کنندگان بفروشند؛ و صادرات بیش از ۵۰ قلم کالا از جمله گندم، غلات، شکر، روغن نباتی، لاستیک ماشین، کاغذ، و انواعی از فلزات و مواد اولیه پتروشیمی را محدود کرد.

این قوانین جدید تبادل ارز و واردات-صادرات مشکلات خاص خود را ایجاد کرده است، بخشی با افزایش هزینه واردات و بخشی با آشفته‌گی بازار. بر اساس قوانین جدید صادرات، حتی کالاهایی که برای صادرات بار کامیون بودند، از دم مرز برگردانده شدند. وزیر بهداشت گزارش داده که داروهای بیماری‌های جدی مثل داروی سرطان و شیمی درمانی، در دسترس نیست یا به شدت گران شده است. بیمارستان‌ها می‌گویند بودجه از پیش تعیین شده برای خرید تجهیزات و دارو را از دولت دریافت نمی‌کنند.

مصرف کنندگان از افزایش شدید قیمت همه اجناس خبر می‌دهند، از گوشت و ماهی گرفته تا شیر و لبنیات و برنج. شرکت هواپیمایی «ایران ایر» قیمت بلیت پرواز خارجی را ۹۰ درصد افزایش داد. یک نماینده با نفوذ مجلس در اوایل نوامبر گفت که در اثر تورم، «در جامعه امروز ایران، مردم یا فقیرند یا ثروتمند. دیگر یک طبقه متوسط حقوق بگیر نداریم.»

این مشکلات، دیدگاه کسانی را که خواستار سیاست خارجی معتدل هستند تقویت کرده است. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور سابق، به آرامی (و نه خیلی قوی) خواستار اصلاح رویه و پایان دادن به سیاست تقابل شده است. محمود احمدی نژاد معمولاً سختی‌های رسیدن به درک متقابل بین ایران و آمریکا را دست کم می‌گیرد، ولی مدت‌هاست که از مذاکره بین دو کشور استقبال می‌کند. او در ماه سپتامبر در نیویورک مشاهده کرد که هر گونه گفتگوی مستقیم باید بعد از انتخابات آمریکا اتفاق بیفتد؛ ولی حالا که باراک اوباما برای دومین بار بر سر کار خواهد بود، روشن است که تهران باید با دولت او مذاکره کند.

گفتگوی مستقیم در مورد مسئله اتمی ممکن است با پیشرفت محدودی که در مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ (۵ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان) بدست آمده، فعال شود. در حال حاضر این گروه در حال بررسی دور تازه مذاکرات با ایران است، ولی بعضی از اعضای این گروه معتقدند که حل مشکل هسته‌ای ایران، به گفتگوی مستقیم ایران و آمریکا نیاز دارد.

در ایران، بعید است که وزارت اطلاعات و برادران لاریجانی بدون تأیید رهبری (آیت الله خامنه‌ای)، مذاکرات مستقیم را طرح کنند؛ ولی واقعیت این است که خامنه‌ای هنوز خود را موافق گفتگوهای مستقیم نشان نداده است. برعکس، او در مقابل تحریم‌ها پایداری می‌کند و همچنان آمریکا را دشمن دیرینه ایران می‌خواند. موارد مخالفت و ترس او از مذاکره با آمریکا متعدد است.

خامنه‌ای مسئله هسته‌ای و حق ایران برای داشتن تکنولوژی اتمی و غنی سازی سوخت را به غرور ملی تبدیل کرده است. پذیرفتن خواسته‌های آمریکا و

اتحادیه اروپا - که ایران غنی سازی بالای سطح حداقلی را متوقف کند، سوخت غنی شده تا سطح ۲۰ درصد را به خارج از ایران بفرستد، تاسیسات غنی سازی سنگین فردو را تعطیل کند، و به بازرسی‌های سرزده مجوز دهد - برای او و جامعه ایران به مثابه عقب نشینی است.

نمونه صدام حسین در عراق همیشه در ذهن خامنه‌ای هست. او از این موضوع هراس دارد که اگر ایران یکی از خواسته‌های آمریکا را بپذیرد، خواسته‌های بیشتری به دنبالش می‌آید، بدون هیچ چشم اندازی برای پایان آنها.

به علاوه، او به آمریکا اعتماد ندارد. خامنه‌ای اخیراً در اظهار نظری گفت «آنها دروغ می‌گویند» که احتمالاً پاسخ غیر مستقیمی بود به اظهارات هیلاری کلینتون مبنی بر اینکه اگر ایران در مسئله هسته‌ای کوتاه بیاید، از شدت تحریم‌ها کاسته خواهد شد. او عقیده دارد که هدف نهایی آمریکا تغییر رژیم است. اخیراً در یک سخنرانی گفت که برنامه اتمی ایران بهانه است و آنچه آمریکا نمی‌تواند تحمل کند، موجودیت جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌رسد که او اثرات مخرب تحریم‌ها را دست کم می‌گیرد و باورش این است که ایران آن‌ها را تحمل خواهد کرد. امسال را سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کرده بود. او در یک سفر استانی در ماه اکتبر گفته بود که تحریم‌های اعمال شده علیه ایران «غیر منطقی و وحشیانه» است، ولی همچنان آنها را بی‌اثر خواند. او گفت ایران «از این قله هم عبور خواهد کرد» همانطور که در گذشته بر تحریم‌ها غلبه کرده است. این لحن رهبری نیست که بخواهد با آمریکا و اتحادیه اروپا کنار بیاید.

روشن است مردانی در حلقه داخلی خامنه‌ای هستند که به او اصرار می‌کنند مذاکره با آمریکا را لااقل آزمایش کنند؛ و ممکن است او به آن‌ها اجازه داده باشد که امکان و حتی مطلوب بودن مذاکره مستقیم را در فضای عمومی مطرح کنند. همچنین ممکن است خامنه‌ای، توافقی را بپذیرد که در عین حالی که بیشتر خواسته‌های آمریکا را برآورده می‌سازد، بتواند آن توافق را به عنوان یک پیروزی بزرگ برای ایران به مردم عرضه کند.

ولی همانطور که آمریکا از ایران خواسته‌هایی دارد که خامنه‌ای حاضر به برآوردنشان نیست، خامنه‌ای هم از آمریکا انتظاراتی غیر واقعی دارد - لغو سریع تحریم‌ها، پذیرفتن حق غنی سازی برای ایران (حتی اگر ایران نخواهد از این حق استفاده کند)، و به رسمیت شناختن ایران به عنوان یک بازیگر اصلی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، با جایگاهی بر سر میز مذاکره در مورد مسائل منطقه.

بادها در ایران تغییر جهت می‌دهند؛ اما فعلاً به تدریج.





هر هفته  
مراج کتاب - جدول  
DVD و CD

در قلب وست وود

Persian Square



شرکت کتاب  
شنبه شب تا ۱۱ شب

پذیرای خریداران و دیدارکنندگان است.

کتابفروشی شرکت کتاب

● آخرین کتاب های منتشر شده ایران

● آخرین جدول ها و مجلات چاپ ایران

● کتاب های ممنوعه در ایران (چاپ اروپا و امریکا)

● کتاب های انتشارات شرکت کتاب

● DVD و CD های هنرمندان ایرانی داخل و خارج کشور

● دو هفته نامه ایرانشهر - مطالب سیاسی، اجتماعی و بیش از ۵۰ جدول

از یاری و همکاری مشاغل زیر که آنها نیز تا دیر وقت شب برای خدمت به هم میهنان پذیرای شما هستند سپاسگزاریم.

عطای، وست وود گالری، سوپر توپال، رتوران شهرزاد، رتوران شعله، رتوران دلفی، رتوران شیری، کافه نینو، بستنی فروشی گل و ملیل، کافه پرسپولیس و کافه گلانه

PERSIAN BOOKS & MU

KETAB CORP.

شرکت کتاب

310-477-7477

1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024

توجه داشته باشید سال ۲۰۱۲ سالی است کیسه (ماه فوریه ۲۰۱۲، ۲۹ روزه بوده است) بنابراین روزهای برابر سال خورشیدی ایرانی و سال میلادی با یک روز جابجایی نسبت به تقویم سال گذشته تقویم می شوند

# روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

## ۱۱ دیماه تا ۱۱ بهمن

### January 1st - January 31st

#### ۱۱ دی (ژانویه)

۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
محمدرضا شاه و فرح پهلوی وارد دهلی شدند.  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در مجلس شورای ملی ایران  
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت مهین اسکویی هنرمند برجسته تئاتر و نخستین کارگردان زن در ایران (متولد ۱۳۰۹ در تهران)  
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت ناصر خدایار، روزنامه نگار و نویسنده در ایران.

#### ۱۲ دی (ژانویه)

۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۸ میلادی)  
درگذشت اعتصام الملک - روزنامه نگار، نویسنده و مترجم، پدر پروین اعتصامی  
۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۳ میلادی)  
اعلام انتزاع دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ و استقلال آن به عنوان یک واحد مستقل فرهنگی با شرایط خاص خود  
۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)  
ژنرال ضیاءالحق رییس حکومت نظامی پاکستان وارد ایران شد.  
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت شاعر توانای معاصر ترانه خلعتبری، خواهرسیمین بهبهانی.

#### ۱۳ دی (ژانویه)

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۳ میلادی)  
دکتر علی اکبر سیاسی از طرف رؤسای دانشکده های دانشگاه تهران به ریاست دانشگاه تهران انتخاب شد  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)  
کنفرانس گوادولوپ با شرکت رؤسای جهور آمریکا، فرانسه و نخست وزیران آلمان و انگلیس در جزیره گوادولوپ برای رسیدگی به بحران ایران تشکیل شد  
ارتشبد عباس قره باغی از طرف محمدرضا شاه به ریاست ستاد ارتش منصوب شد

#### ۱۴ دی (ژانویه)

۱۲۹۴ خورشیدی (۱۹۱۶ میلادی)  
اشغال شهرهای قم و کاشان توسط قوای روس  
۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۲ میلادی)  
رضاخان سردار سپه وزیر جنگ، فرماندهی لشکر مرکز را بر عهده گرفت  
۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۷ میلادی)  
زادروز شهره صولتی، هنرمند آواز مقیم خارج از ایران  
کلیه سی دی های خانم شهره صولتی در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)  
گشایش دانشگاه اهواز با نام دانشگاه گندی شاپور، حکومت جمهوری اسلامی که موضعی علیه دست آوردهای ایرانیان در پیش از هجوم اعراب به ایران را دارد، نام این دانشگاه را به دانشگاه اهواز تغییر داد

#### ۱۵ دی (ژانویه)

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)  
انتصاب جمشید بهنام به ریاست دانشگاه فارابی  
۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)  
درگذشت حشمت سنجری، موسیقیدان و رهبر دائمی ارکستر سمفونیک  
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)  
درگذشت علیرضا پهلوی سومین فرزند و دومین پسر محمدرضا شاه پهلوی، به علت خودکشی در سن ۴۴ سالگی در بوستون امریکا در منزل شخصی خود.

#### ۱۵ دی (ژانویه)

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)  
زادروز فروغ فرخزاد - شاعر و فیلمساز  
آثار شنیداری، دیداری و کتابهای فروغ فرخزاد و در مورد او در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
درگذشت میر سید محمد امامی - امام جمعه تهران  
۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)  
درگذشت حمید سیاح - رجل سیاسی ایران  
۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)  
مقامات امنیتی ایران تعداد دانشجویان ایرانی کنفدراسیون را در خارج از کشور ۱۵۰۰ نفر اعلام کردند

#### ۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)

کلیه مراکز دانشگاهی در اعتراض به سفر کارتر به ایران، ۳ روز تعطیل شد  
۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)  
درگذشت ملوک ضرابی، هنرمند آواز ایران

#### ۱۶ دی (ژانویه)

۱۲۹۴ خورشیدی (۱۹۱۶ میلادی)  
تصرف جنوب ایران توسط قوای انگلیس و عقب نشینی نیروهای آلمان  
۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)  
درگذشت نیمیوشیچ (علی اسفندیاری) بنیان گذار شعر امروز ایران  
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)  
آغاز محاکمه متهمان سوء قصد به خاندان سلطنتی در دادگاه نظامی  
کتاب در این مورد یکی با عنوان «من یک شورشی هستم» توسط عباس سما کار و دیگری با عنوان «دستی در هنر، چشمی بر سیاست» توسط رضا علامه زاده از انتشارات شرکت کتاب در چند سال گذشته منتشر شده است.

#### ۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)

درگذشت بهرام صادقی، نویسنده  
۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)  
درگذشت حمید عاملی، قصه گوی قدیمی رادیو ایران بر اثر سرطان ریه در سن ۶۶ سالگی در تهران. او کار خود را از سال ۱۳۳۰ و از سن ده سالگی در رادیو آغاز کرد. از سال ۱۳۵۰ اجرای برنامه پرتعداد «راه شب» رادیو ایران را بر عهده گرفت. بخش برنامه «قصه یک روز تعطیل» که ۳۳ سال به طور مداوم ادامه داشت، شهریور ماه ۱۳۸۵ به دستور مدیر رادیو تهران متوقف شد و فعالیت حمید عاملی بعد از بیش از پنجاه سال در رادیو متوقف شد.

#### ۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

درگذشت محسن پزشکیور، بنیان گذار حزب پان ایرانیست در هشتاد و سه سالگی به علت بیماری در تهران. وی مخالف مشهور جدایی بحرین از ایران بود. وی در سال ۱۳۲۷ همراه با داریوش فروهر حزب ملت ایران را تشکیل داد. در سال ۱۳۳۰ از این حزب جدا شد و حزب پان ایرانیست را به طراداری



از سلطنت تشکیل داد. آقای پزشکپور حقوقدان و وکیل دادگستری بود و از وی دختری به جا مانده است.

شرکت کتاب از ناصر انقطاع کتاب «پنجاه سال تاریخ با پان ایرانیستها» را منتشر کرده است

### ۱۷ دی (۷ زانویه)

۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)  
استعفای زین العابدین رهنما - معاون رییس الوزرا  
۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)

اعلام رسمی کشف حجاب با برگزاری جشنی در دانشسرای عالی و شرکت رضا شاه پهلوی و همسر و دختران وی در این جشن

۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)  
تأسیس سازمان پرورش افکار در ایران  
۱۳۲۲ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)

درگذشت سلیمان میرزا اسکندری - رهبر سوسیالیست ها، وزیر معارف کابینه سردار سپه، رهبر حزب توده ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰

۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)  
زادروز محمدرضا لطفی، آهنگساز و نوازنده چیره دست تار.

آثار موسیقی محمدرضا لطفی در «مرکز موسیقی و فیلم ایران» وابسته به شرکت کتاب موجود است  
۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)

انتصاب دکتر منوچهر اقبال به ریاست دانشگاه تهران  
۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)

درگذشت غلامرضا تختی - قهرمان کشتی ایران و جهان (تولد: ۵ شهریور ۱۳۰۹ خورشیدی)  
۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)

انتشار مقاله «ارتجاع سرخ و سیاه در ایران» به قلم احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات  
۱۳۶۲ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)

درگذشت لطف الله مفخم پایان - موسیقیدان و نخستین ناشر آثار موسیقی  
۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)

رانیا، ملکه اردن، برای بازدید از مناطق زلزله زده بم، وارد ایران شد.

### ۱۸ دی (۸ زانویه)

۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)  
درگذشت مظفرالدین شاه، پنجمین پادشاه ایران از دودمان قاجار

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)  
علی اصغر حکمت به پاس اقدامات خود در مورد روز

۱۷ دی (کشف حجاب زنان)، به مقام وزارت معارف ارتقاء یافت  
۱۳۵۰ خورشیدی (۱۹۷۲ میلادی)

درگذشت رضا بو شهنری، بازرگان، سناتور و نماینده مجلس شورای ملی

### ۲۰ دی (۱۰ زانویه)

۱۲۶۲ خورشیدی (۱۸۸۳ میلادی)  
زادروز استاد حسین کاظمزاده ایرانی شهر مدیر مسئول و سردبیر مجله‌ی ادبی ایرانشهر

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)  
خلع منوچهر کلالی از دبیرکل حزب ایران نوین به علت اهمال در انجام وظیفه

۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)  
سفر فرح پهلوی به آمریکا  
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)

درگذشت عبدالله نومی - نوازنده و موسیقیدان

### ۲۱ دی (۱۱ زانویه)

۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۸ میلادی)  
انتصاب میرزا حبیبی خان دیبا (ناظم الدوله) به معاونت رییس الوزرا

### ۲۲ دی (۱۲ زانویه)

۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)  
درگذشت محمدعلی فرزین - وزیر دربار  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)

پرنس آقاخان رییس فرقه اسماعیلیه وارد تهران شد  
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)  
درگذشت هاجر تربیت - سناتور

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)  
گزینش امیرعباس هویدا به دبیرکل حزب ایران نوین

۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)  
درگذشت محمود نامجو - قهرمان وزنه برداری ایران و جهان

### ۲۳ دی (۱۳ زانویه)

۱۲۹۳ خورشیدی (۱۹۱۵ میلادی)  
تصرف شهر تبریز توسط نیروهای آلمان و ترک  
۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)

درگذشت فاطمه معصومه دده بالا «هایده» - آوازخوان، در سافرانسیسکو - کالیفرنیا  
۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی)

درگذشت استاد موسی نی داوود - موسیقیدان در لانگ آیلند، آمریکا

### ۲۴ دی (۱۴ زانویه)

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)  
زادروز غلامحسین ساعدی، نویسنده ی داستان، فیلمنامه و نمایشنامه

۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)  
تظاهرات برخی از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا به عنوان اعتراض به ورود فرح پهلوی به آن کشور

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)  
ورود محمدرضا شاه و فرح پهلوی به مصر

۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
خودداری ارتشبد فریدون جم از قبول وزارت جنگ و خروج وی از ایران

کتابی با عنوان «خاطرات و یادداشت های ارتشبد فریدون جم» تالیف دکتر مرتضی مشیر توسط شرکت کتاب منتشر شده است

### ۱۹ دی (۹ زانویه)

۱۲۳۱ خورشیدی (۱۸۵۳)  
قتل میرزا تقی خان امیرکبیر در حمام فین کاشان

کتاب «امیر کبیر اخگری در تاریکی» نوشته ی ناصر انقطاع از انتشارات شرکت کتاب  
۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۳ میلادی)

درگذشت محمدعلی مصاحبی «عبرت» - شاعر و ادیب  
۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)

تشکیل اولین جلسه دادرسی دادگاه تجدید نظر نظامی مأمور رسیدگی به اتهامات دکتر محمد مصدق و سر تیپ تقی ریاحی  
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)

دادگاه نظامی متهمان طیفور بطحایی، خسرو گل سرخی، منوچهر مقدم سلیمی، کرامت الله دانشیان، عباسعلی سماکار، محمدرضا علامه زاده و ایرج جمشیدی رابه اعدام محکوم و بقیه رابه حبس بین ۳ تا ۵ سال محکوم کرد

۱۳۵۳ خورشیدی (۱۹۷۵ میلادی)  
درگذشت سیدکاظم عصار - استاد ممتاز دانشگاه و فیلسوف عالی مقام شرق

۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
شاپور بختیار اعلام کرد محمد رضا شاه به زودی ایران را ترک خواهد کرد

کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از انتشارات شرکت کتاب

مأموریت ژنرال هویزر در ایران تمدید شد  
۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)


درگذشت ادوارد ژوزف - پژوهشگر، مترجم و ادیب ایرانی/ارمنی در گلندل - کالیفرنیا  
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

محمد ایوبی، داستان نویس ایرانی در سن ۶۷ سالگی و بر اثر بیماری ریوی در بیمارستان ابن سینای تهران از دنیا رفت.

ایوبی متولد سال ۱۳۲۱ در شهر اهواز و از اعضای قدیمی کانون نویسندگان ایران بود.

محمد ایوبی در رشته های تاریخ و زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده بود و سال ها در مدارس شهر تهران تدریس ادبیات می کرد.

بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه ها (جراید، رادیوها، تلویزیون ها و سایت های خبری و تحلیلی) با ذکر ماخذ مجاز است.





۱۳۷۵ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)  
 قتل دکتر احمد تفضلی، نویسنده، مترجم و کارشناس  
 زبان پهلوی (از سری قتل های زنجیره ای)  
 ۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)  
 درگذشت محمد قاضی، مترجم  
 ترجمه های محمد قاضی در شرکت کتاب موجود  
 است

۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
 درگذشت غلامرضا طباطبایی بازیگر سینما تئاتر  
 تلویزیون ایران و عضو ارشد انجمن بازیگران خانه  
 سینما در لوس آنجلس.

### ۲۵ دی (۱۵ ژانویه)

۱۳۳۰ خورشیدی (۱۸۵۲ میلادی)  
 اعدام طاهره قره العین (عالم، سخنور، شاعر) در باغ  
 ایلیخان تهران  
 کتاب های گوناگون در مورد طاهره قره العین و  
 اشعار او به فارسی و انگلیسی در شرکت کتاب موجود  
 است

۱۳۱۷ خورشیدی (۱۹۳۹ میلادی)  
 مجلس شورای ملی، تأسیس بانک رهنی ایران را با  
 سرمایه ۲۰۰ میلیون ریال تصویب کرد  
 ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
 تصویب طرح مربوط به چاپ فرهنگ علی اکبر  
 دهخدا در مجلس شورای ملی

فرهنگ فارسی به فارسی دهخدا بر روی سی دی  
 و به صورت کتاب در ۲ جلد و شانزده جلد در شرکت  
 کتاب موجودند

۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)  
 درگذشت دکتر مهدی سمسار، روزنامه نگار  
 ۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)  
 درگذشت بهمن جلالی عکاس سرشناس ایرانی  
 در سن ۶۵ سالگی به دلیل مشکلات حاد کبدی در  
 تهران. وی متولد سال ۱۳۲۳ در تهران بود. از اوست  
 کتاب های کتاب هنر آفرینای سیاه و روزهای خون و  
 آتش و خر مشهر و گنج پیدا.

### ۲۶ دی (۱۶ ژانویه)

۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۸ خورشیدی)  
 مستوفی الممالک رییس الوزرا شد  
 ۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی)  
 شمس الملوک مصاحب، نخستین زن ایرانی که از  
 دانشگاه تهران درجه دکتر گرفت، جلسه ی دفاع از  
 رساله ی دکترای خود را برگزار کرد  
 ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)  
 مدیر باغ وحش تبریز را شیر خورد  
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
 محمدرضا شاه و فرح پهلوی ایران را ترک کردند  
 ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)  
 درگذشت علی دشتی - نویسنده، پژوهشگر و  
 سیلستمدار

کتابهای علی دشتی شامل: ۲۳ سال و سیری در  
 دیوان شمس به فارسی و انگلیسی و کتابهای ایام  
 محبس، دمی با خیام، در قلمرو سعدی، نقشی از حافظ،  
 عقلا بر خلاف عقل و هم چنین کتاب تخت پولاد به  
 صورت مکتوب و گویا در شرکت کتاب موجودند

### ۲۷ دی (۱۷ ژانویه)

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)  
 تیرباران شدن نواب صفوی، خلیل طهماسبی، مظفر  
 ذوالقدر و سیدمحمد واحدی در لشکر ۲ زرهی  
 ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
 سومین فرزند شاهزاده رضاپهلوی و یاسمین پهلوی  
 - فرح پهلوی - در واشینگتن آمریکا متولد شد.

### ۲۸ دی (۱۸ ژانویه)

۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)  
 تاجگذاری محمد علی شاه قاجار  
 ۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)  
 آغاز تظاهرات شدید در تهران و شهرستانهای ایران  
 بر له و علیه دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی و  
 تعطیل مغازه ها  
 ۱۳۳۲ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)  
 انتشار اولین شماره مجله «ستاره سینما» در تهران  
 ۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)  
 انحلال ضرابخانه و انتقال وظایف آن به بانک مرکزی  
 ایران

### ۲۹ دی (۱۹ ژانویه)

۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)  
 درگذشت رضا ورزنده - نوازنده، موسیقیدان و  
 استاد سننور  
 ۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
 درگذشت مهدی برکشلی - نویسنده و موسیقیدان  
 ۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
 محمود مشرف تهرانی، معروف به م. آزاد، شاعر و  
 مترجم در تهران درگذشت.

### ۳۰ دی (۲۰ ژانویه)

۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)  
 ایجاد تغییرات دامنه دار در کادر قضایی کشور  
 توسط داوود وزیر عدلیه  
 ۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی)  
 رضا شاه دستور داد وزارت دربار را منحل کنند و  
 اعلام کرد دربار وجود ندارد و تیمورتاش دیگر وزیر  
 دربار نیست  
 ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
 استعفای ابراهیم حکیمی نخست وزیر به علت عدم  
 موفقیت در قضیه آذربایجان  
 ۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۳ میلادی)  
 صدور نامه تاریخی آیت الله کاشانی رییس مجلس

شورای ملی به دکتر مصدق که ضمن آن نوشت «از  
 راه خطایی که می بینم پشیمان خواهید شد. قصد  
 تجاوز به حقوق عامه را کنار بگذارید»

۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)  
 موافقت دولت با تأسیس سازمان هواپیمایی ملی  
 ایران در داخل و خارج کشور  
 ۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۴ میلادی)

آغاز بهره برداری کارخانه پتروشیمی آبادان  
 ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
 درگذشت فیروز شیروانلو - نویسنده و مترجم  
 ۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)

درگذشت حاج قربان سلیمانی، استاد پیشکسوت  
 موسیقی مقامی خراسانی، در سن ۸۵ سالگی بر اثر  
 کهولت سن. وی متولد ۱۳۰۲ در روستای علی آباد  
 قوچان بود.

### ۱ بهمن (۲۱ ژانویه)

۱۳۲۴ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
 زادروز کیومرث منشی زاده، شاعر  
 ۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)  
 درگذشت نظام وفا - شاعر  
 ۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)  
 سفر محمدرضا شاه به اتریش  
 ۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
 عزت الله عاملی سفیر ایران در عراق به اتهام شرکت  
 در کودتای عراق از بغداد خارج شد  
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)

شاپور بختیار، محمدرضا شاه را بخاطر نقض قانون  
 اساسی در طول حکومت خود، بشدت مورد انتقاد  
 قرار داد  
 سیدجلال الدین تهرانی رییس شورای سلطنت، در  
 پاریس از مقام خود کناره گیری کرد  
 کارکنان سازمان رادیو تلویزیون علیه بختیار اعلام  
 جرم کردند

آیت الله خمینی اعلام کرد دولت بختیار خیانتکار است  
 و از مردم خواست قدرت قانونی او را واژگون کنند  
 ۱۳۶۵ خورشیدی (۱۹۸۷ میلادی)

درگذشت ابراهیم بونوری - خوشنویس و موسیقیدان

### ۲ بهمن (۲۲ ژانویه)

۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
 درگذشت عارف قزوینی - شاعر ملی ایران  
 کتاب مجموعه کامل آثار عارف قزوینی چاپ پیش  
 از انقلاب و باز تکثیر در خارج از ایران و بدون سانسور  
 در شرکت کتاب  
 ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)  
 تأسیس اولین بانک خصوصی ایران به نام «بانک  
 بازرگانی ایران» با سرمایه پنجاه میلیون ریال در  
 تهران  
 ۱۳۳۷ خورشیدی (۱۹۵۹ میلادی)  
 درگذشت داریوش رفیعی - خواننده



۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)

محمدرضا شاه و فرح پهلوی مصر را بسوی مراکش ترک کردند  
ارتشبد فریدون جم آینده ایران را تاریک و خونین خواند

۳ بهمن (۲۳ ژانویه)

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۳ میلادی)  
زادروز دکتر اسماعیل نوری علاء (پيام)، شاعر، روزنامه نگار، و پژوهشگر  
کتاب پیدایش و نقش دینکاران امامی در ایران نوشته دکتر اسماعیل نوری علاء انتشارات شرکت کتاب  
۱۳۴۵ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی)  
انتشار دومین کتاب محمدرضا شاه به نام «انقلاب سفید»  
کتاب «انقلاب سفید» توسط شرکت کتاب تجدید چاپ شده است

۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)  
سفر محمدرضا شاه و فرح پهلوی به بانکوک  
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)  
دادگاه تجدیدنظر نظامی، طیفور بطحایی، خسرو گل سرخی، کرامت الله دانشیان، عباسعلی سماکار و محمدرضا علامه زاده را به اعدام محکوم کرد  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
استعفای محمدرضا جلالی نایب‌السناتور  
۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
درگذشت شریف لنگرانی - مترجم  
۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت محمدحسین بهرامیان، مجسمه ساز ایرانی به علت خودکشی در مجتمع لوور پاریس.

۴ بهمن (۲۴ ژانویه)

۱۲۸۵ خورشیدی  
زادروز دکتر احمد بیرشک، از پیشگامان و محققان معاصر علوم ریاضی و تجربی  
۱۳۰۷ خورشیدی (۱۹۲۹ میلادی)  
درگذشت احمد بدر «نصیرالدوله»، مؤلف، سیاستمدار و مؤسس مدرسه موزیک  
۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)  
آیت الله سیدمحمود دالغانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و دیگر اعضای نهضت آزادی در رابطه با تظاهرات مخالفت آمیز مربوط به رفراندوم ۶ بهمن دستگیر و زندانی شدند  
۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۶ میلادی)  
۹ تن از محکومان دادگاه نظامی تیرباران شدند  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
مجاهدین خلق سفارت ایران در پاریس را اشغال کردند  
شاپور بختیار لایحه انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور را تسلیم مجلس کرد

۵ بهمن (۲۵ ژانویه)

۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
اشغال کنسولگری ایران در حیدرآباد توسط دانشجویان ایرانی  
۶ بهمن (۲۶ ژانویه)  
۱۳۳۸ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی)  
درگذشت ابوالحسن فروغی - فیلسوف و دانشمند معاصر و مدیر روزنامه «تربیت»  
۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)  
اصول ششگانه‌ی انقلاب سفید توسط محمدرضا شاه پهلوی به مردم ابلاغ شد  
۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)  
حسنعلی منصور - نخست وزیر - در اثر جراحت های وارده از تیراندازی محمد بخارایی در بیمارستان پارس در تهران درگذشت  
امیرعباس هویدا - وزیر دارایی - فرمان نخست وزیری گرفت  
۱۳۵۵ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)  
درگذشت مجتبی مینوی - ادیب و پژوهشگر

۷ بهمن (۲۷ ژانویه)

۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)  
از طرف شهربانی، دکتر شاپور بختیار، مهندس خنجی و مسعود حجازی بازداشت شدند  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
درگذشت ابراهیم قوام شیرازی (قوام الملک) - سیاستمدار  
۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
شهره آغداشلو هنرپیشه‌ی ایرانی تئاتر و سینما، برای بازی در فیلم آمریکایی «خانه‌ای از ماسه و مه» نامزد دریافت جایزه‌ی معتبر سینمایی اسکار شد.

۸ بهمن (۲۸ ژانویه)

۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
درگذشت سیدحسین تقی زاده - آخرین بازمانده رجال مشروطیت  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
حزب دمکرات کردستان اعلام کرد که خواستار تجزیه نیست  
اعضای سازمان ملی دانشگاهیان (واحد کرمانشاه) در مراسم بازگشایی دانشکده علوم، دکتر فریدون معتمدوزیری رییس دانشگاه را برکنار کردند.  
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)  
درگذشت داریوش همایون در سن ۸۲ سالگی در ژنو سوئیس. او وزیر اطلاعات دولت‌های هویدا و آموزگار و سردبیر روزنامه‌ی آیندگان و از رهبران مشروطه طلب بود که سال‌ها در خارج از کشور به مبارزه و روشنگری پرداخت و با انجام مصاحبه‌ها، نوشتن مقالات متعدد و شرکت در جلسات گوناگون راه مبارزه با نظام اسلامی را پیش گرفت.

۹ بهمن (۲۹ ژانویه)

۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۷ میلادی)  
زادروز مجید روشنگر، ناشر و سردبیر «بررسی کتاب» و «کاکتوس»  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
اشغال سفارت دانمارک توسط دانشجویان ایرانی  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)  
درگذشت محمود ابطحی، شاعر، نویسنده، ادیب و پژوهشگر در سن ۸۰ سالگی در لندن. او داماد سیدضیاءالدین طباطبایی شخصیت برجسته دوران رضاشاه و محمدرضا شاه بود.


۱۰ بهمن (۳۰ ژانویه)

۱۳۰۴ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)  
زادروز اسماعیل شاهرودی، «آینده»، شاعر معاصر در دامغان  
۱۳۱۸ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)  
درگذشت دکتر تقی ارانی در ۳۶ سالگی در زندان قصر تهران - وی به اتهام ترویج مرام کمونیستی به ده سال زندان محکوم شده بود  
۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)  
سپهبدنعمت الله نصیری رییس شهربانی کل کشور به سمت معاون نخست وزیر و رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور منصوب شد  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
درگذشت حبیب الله مشیرهمایون شهردار - نوازنده و موسیقیدان  
۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۴ میلادی)  
درگذشت محمد حجازی «مطیع الدوله» - سناتور و نویسنده  
۱۳۶۶ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
درگذشت امیرناصر افتخار - نوازنده تنبک

۱۱ بهمن (۳۱ ژانویه)

۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)  
انتشار نخستین شماره روزنامه مردم به سردبیری عباس نراقی و هیئت تحریریه‌ی مرکب از مصطفی فاتح، ایرج اسکندری، بزرگ علوی و انور خامه‌ای  
۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
جبهه ملی ایران در خبرنامه خود شاپور بختیار را مورد حمله قرار داد  
ترور رییس شهربانی کرمان  
۱۲۰۰ آمریکایی دیگر تهران را ترک کردند.  
۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
دکتر فواد روحانی نخستین دبیرکل سازمان اوپک که از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۴ دبیرکلی این سازمان را برعهده داشت، در لندن درگذشت.

بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (جراید، رادیوها، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر ماخذ مجاز است.




# قتل فجیع یک بانوی یهودی در جوپاره در اصفهان

## اطلاعیه کمیته دیده بان جنایت جوپاره در باره



ارث»، قطعات کوچک چهارضلعی را نشان می‌دهند که سابقاً منازل یهودیان این گوشه از «جوپاره» بوده و اکنون به صورت «پارک»هایی درآمده‌اند که فعلاً محل تجمع معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر شده و به روشنی نشان دهنده‌ی آن است که کل این محله هدف «پاکسازی»، مصادره و تبدیل آن به موارد استفاده‌ی دیگری قرار گرفته است. معمولاً مناطق بسیاری در ایران که در مجاورت اماکن مذهبی اسلامی قرار داشته‌اند، در جهت دسترسی و توسعه‌ی این اماکن مصادره شده‌اند.

محله «جوپاره» اصفهان، به معنای دیوار یا قلعه‌ی یهودیان، یکی از باستانی‌ترین مناطق شهری ایران به حساب می‌آید که از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون، زیستگاه یهودیان بوده و زمانی به نام «یهودیه» خوانده می‌شده است. در یغا که تبعیضات و فشارهای رژیم حاکم، جامعه‌ی یهودی و باستانی میهن را در شرف اضمحلال و آخرین بازمانده‌های آنان را بدینگونه در معرض رعب و وحشت رها کرده است.

قتل فجیع بانوی یهودی نهداران، در حال حاضر زیر نظر کمیته‌ی «دیده بان...» و سایر مجامع یهودی خارج از کشور قرار گرفته و تحت نظر مجامع حقوق بشری جهان قرار خواهد گرفت.

مسئولین کشوری و انتظامی در ایران باید بدانند که مسئولیت جان و امنیت یهودیان ایرانی، و بویژه شاهدان زنده‌ی این قتل فجیع و ناظران و شاهدان تهدیدات قبلی، بر عهده‌ی آنهاست. کمیته‌ی «دیده بان جنایت جوپاره» از تمامی مأموران شریف انتظامی، و کلای دلسوز و وظیفه‌شناس قضایی و همسایگان و مسلمانان شریف محلی و اصفهانی انتظار دارد که ناظر و حاضر در صحنه‌ی تحقیقات باقی بمانند، موارد مشکوک و مدارک کلیدی جنایت را به ما یا به مراکز دیگر مورد اعتماد خود گزارش دهند و تا شناسایی و دستگیری آمران و عاملان این قتل ضدانسانی از پای ننشینند. جای تاسف است که قوانین جاری در ایران، مجازات‌های متفاوت و آسان‌تری را برای قتل غیرمسلمانان در نظر گرفته‌اند که این خود می‌تواند باعث دلگرمی و تشویق قاتلان بوده باشد. در این فرصت از وکلای اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی نیز انتظار می‌رود که در جهت تساوی حقوق و توازن مجازات‌ها در مورد کلیه‌ی اتباع کشور صرف نظر از تعلقات دینی اقدام نمایند.

لازم به ذکر است «کمیته دیده بان جنایت جوپاره» به منظور رسیدگی به مساله و گزارش یافته‌های خود در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۲ بوجود آمده و آدرس الکترونیکی آن به قرار زیر است:

[jewbareh@gmail.com](mailto:jewbareh@gmail.com)

بر اساس آخرین تحقیقات، یک بانوی ۵۷ ساله‌ی یهودی به نام طوبی نهداران، همسر آقای ن، در تاریخ دوشنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۱۲، ۶ آذر ۱۳۹۱ خورشیدی (۲۵۷۱ ایرانی خورشیدی) مطابق با یازدهم ماه محرم ۱۴۳۴، شب هنگام در منزل قدیمی و نیمه مخروبه‌ی خانوادگی خود، واقع در کوچه‌ی کریم ساقی در محله‌ی فقیرنشین یهودیان اصفهان معروف به «جوپاره» و در نزدیکی مسجد «کریم ساقی»، به طرز فجیع و مشکوکی به قتل رسیده است. خانم طوبی نهداران، در این منزل از دو خواهر خود که یکی از آنان نابیناست نگاهداری می‌کرده که در زمان وقوع قتل در خانه بوده و سالم مانده‌اند. همسر داغدار ایشان نیز در آن زمان برای شرکت در مراسم عزاداری سی‌ام پدر خود در تهران بوده است.

این خبر برای نخستین بار توسط آقای منشه امیر در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی انگلیسی زبان «تایمز اسرائیل» در ۲۸ نوامبر منعکس گردیده بود. بر اساس این خبر، در زمینه‌ی شکایت قبلی خانوادگی مقتوله از مسجد نام برده، به علت غصب بخشی از منزل آنان و پس از فشارهای تهدیدآمیز دیگر در جهت فروش بقیه‌ی منزل مسکونی، تعدادی از اوباش به داخل منزل حمله کرده و با ضربات متعدد چاقو، خانم نهداران را به قتل رسانده‌اند. به گفته‌ی تایمز اسرائیل، قاتلان دستان مقتول را نیز قطع کرده، اما از قتل یا صدمه زدن به دو خواهر ایشان خودداری می‌نمایند. تحقیقات مان نشان می‌دهند که جسد نامبرده پس از چند روز به خانواده و روحانیون محلی یهودی تحویل داده شده و در مراسم هفتم ایشان تعداد زیادی از بستگان و آشنایان، از جمله آشنایان مسلمان شرکت کرده‌اند. یکی از شاهدان، که به شدت از دیدن جسد منقلب شده است، اظهار نموده است که بعید به نظر می‌رسد که عده‌ای «سارق» به این صورت و شدت، دست به چنین قتل فجیعی زده باشند. این گفته در زمانی است که شایعاتی مبنی بر «عادی بودن» و بی‌اهمیت بودن این جنایت، در میان یهودیان اصفهان و ایران پخش شده و افرادی سعی در تیره‌تر ساختن مسئولین حتی در غیاب تحقیقات و نتیجه‌گیری مسئولانه از آنها را داشته‌اند.

اهالی «جوپاره» به اعضای «کمیته دیده بان...» اظهار نموده‌اند که در چند سال گذشته تعدادی از منازل یهودیان محله جوپاره مصادره شده و صاحبان آنها از هراس مسئولین و شرایط موجود، جرات بازگشت، بازپس‌گیری یا زندگی در آن محیط را نداشته‌اند. همچنین، آشنایان و بستگان بانوی به قتل رسیده، تایید می‌نمایند که در حدود چهار سال پیش، وکیل انجمن کلیمیان در اصفهان به دفاع از حقوق خانوادگی ایشان در مساله مصادره منزل مسکونی دخالت کرده است. تصاویر هوایی «گوگل





Statement of the “Jewbareh Committee”

# The Gruesome Murder of a Jewish Woman In the Jewish Quarter of Isfahan, Iran

Los Angeles, December 6th 2012

According to the latest findings, a 57 year old, married Jewish woman named Toobah Nehdaran (N.) has been murdered in a brutal and possibly ritual manner on the night of Monday November 26th 2012, in her own home near the “Kareem Saaghi” Mosque in the Jewish quarter of the city of Isfahan in Iran, called the “Jewbareh”. The victim, who lived in a dire financial situation in a dilapidated house, in one of the poorest areas of the city, was also taking care of her two sisters, who lived there, one of them blind. The victim’s husband was in Tehran, attending the 30th day of his father’s passing.

This news was originally reported on November 28th, in “The Times of Israel”[2], in an interview with Mr. Menasheh Amir, a well known, highly respected and long time radio reporter in the Farsi section of the “Voice of Israel”.

According to the above report, the murder took place against the background of the victim’s previous official complaint against the takeover of a section of her family residence, by Islamic “religious radicals” for annexation to the neighboring Mosque and harassment for the sale of the rest of the property, and therefore, under suspicious circumstances. Isfahani locals have confirmed to us that in fact the whole area, including the victim’s home, has been targeted for expropriation, and four years ago the Isfahan Jewish Association’s attorney had intervened on behalf of the victim.

Already many Jewish homes in the old quarter have been expropriated, since their owners have been too scared to return and live there, says a Jewish Isfahani in Los Angeles. Google Earth aerial photos show a patchwork of small square “parks”, replacing old Jewish homes, while Isfahani locals say these “parks” are frequented by drug users.

Several “thugs broke into the home, tied up her two sisters and repeatedly stabbed her to death,” according to the above report, which also specifies that the two sisters were spared, but the killers, as if in a ritual manner, “butchered” the victim’s body and “cut off her hands”. Our investigation indicates that the victim’s body was surrendered to the family and the local Rabbis who had requested it, on Thursday, November 29th. People, who have seen the body, talk of mutilation as the result of multiple stabbings, following the strangulation of the victim. One witness, overwhelmed by the scene, believes that it is highly improbable that “burglars” would have killed someone in this manner

Rumors aimed at diluting the nature of the crime and absolving the authorities before any investigation, are however being spread among the Jewish communities in Iran. At this time, the Jewbareh community and Isfahani Jews

are horrified due to lack of security, the existence of highly discriminatory laws against religious minorities, lack of trust towards the authorities who have historically covered up religious or political assassinations and the highly charged religious atmosphere during the month of Moharram, which is a month of zealous mourning and ceremonial rituals.

The Jewbareh area of Isfahan (pronounced Jew-Baareh), literally meaning the “Jewish Wall”, or “Jewish Fortification”, is one of the most ancient urban districts in Iran, inhabited by Jews for about 2,500 years. This area, once much bigger and called “Judea”, is now home to only a few Jewish families, due to the circumstances leading to the emigration of the majority of non Muslims from their ancestral homeland.

In the last several years, numerous Jewish properties, graveyards, synagogues, schools and historical monuments and locations, have either been expropriated or destroyed, or are under the threat of being taken over all over Iran, even though there is plenty of unused land as well as very well established Islamic Mosques, centers and schools. It is certain that the Iranian regime has been implementing a policy of planned, gradual extinction of religious minorities in Iran.

Discriminatory laws in Iran, include uneven punishments for the same crimes, if the victims are non Muslim. There is no “retribution” (Qissaass) law for murdering non Muslims by Muslims and perpetrators can get away only with monetary fines. This may have contributed or even facilitated this murder.

The “Jewbareh Committee” has appealed to all the kind hearted Muslims and neighbors in Isfahan and around the Jewbareh district, as well as honest police officers, to observe the situation, report any suspicious findings and push the authorities to launch a fair investigation into this matter. We have also cautioned the Iranian and local Isfahani authorities that they will be held responsible for the security and safety of the witnesses as well as that of the whole Jewish community in Iran. The “Jewbareh Committee” also demands that the authorities allow neutral foreign observers to review the entire case.

The Jewbareh “Committee also hereby appeals to all human rights, minority related and Iran related organizations and institutions to intervene and demand a full investigation by the local Iranian authorities, and by international jurists and observers. In addition, we appeal to the international news media to cover the story and its development.

The Jewbareh committee shall be issuing further statements and updates, as needed, and can be contacted at: [jewbareh@gmail.com](mailto:jewbareh@gmail.com)





# سوریه: معمای بزرگ پس از سقوط اسد

سرسخت اسرائیل بوده گرچه در جنگ‌های خاورمیانه عملکردی ضعیف داشته و پس از تصرف کوه‌های جولان توسط اسرائیل هرگز نتوانست این اراضی را بازپس بگیرد. اقلیت کردها در شمال و شرق سوریه همسایگان عراق و ترکیه هستند که این امر نیز به نوعی سوریه را با مسئله کردها درگیر می‌سازد. رابطه سوریه و لبنان نیز دشواری‌های خاص خود را دارد.

به تمامی این مسائل باید اختلافات شیعه و سنی را نیز اضافه کرد که در عراق و سوریه و لبنان وضعیت پیچیده‌ای ایجاد کرده. و بالاخره رژیم‌های ایران و عربستان نیز این رقابت سیاسی شیعه و سنی را هر کدام به نفع خود در سوریه دامن می‌زنند. جنبه اپوزیسیون که متشکل از گروه‌های متعددی است گرچه بسیار فعال بوده، اما این گروه‌ها تاکنون متفرق و فاقد انسجام سیاسی و ملی بوده‌اند.

با توجه به تمامی این زوایای تاریک و روشن بحران سوریه می‌توان گفت که حکومت خاندان اسد به احتمال قریب به یقین روزهای پایانی را می‌گذرانند، اما یک سوال نگران کننده این است که پس از پایان این دیکتاتوری خونین، سوریه می‌تواند به ثبات و آرامش برسد و یا تجربه دردناک دیگری سوریه را با سرنوشته مشابه افغانستان و لیبی و سومالی مواجه خواهد ساخت؟

بحران خونین سوریه پس از حدود دو سال که از آغاز قیام سیاسی آن کشور می‌گذرد همچنان ادامه دارد و علیرغم پیشرفت تدریجی مخالفان مسلح به سوی پایتخت، بشار اسد همچنان اصرار دارد که بر سر قدرت باقی بماند.

حاصل این لجاجت دیکتاتور منزوی سوریه آن است که خونریزی و جنگ داخلی کماکان ادامه دارد و اکنون شمار کشتگان بحران دو ساله در حدود ۴۰ هزار تن برآورد می‌شود، که اکثر این قربانیان را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند. تمامی شواهد نشان می‌دهد که اسد هیچگونه پایگاهی در میان مردم ندارد و حکومت او پس از این همه کشتار خونین نمی‌تواند به صورت عادی ادامه یابد. اما رژیم بعثی با استفاده از ارتش بزرگ سوریه تاکنون موفق شده پایه‌های لرزان حکومت را همچنان حفظ کند و متقابلاً نیروهای اپوزیسیون گرچه از حمایت مردمی برخوردارند، ولی در یک جنگ تمام عیار مقابل ارتش اسد به نوعی بن‌بست نظامی برخورد کرده‌اند. مخالفان حلب، پرجمعیت‌ترین شهر سوریه را تصرف کرده‌اند و بخش‌های بزرگی از سایر مناطق شهری و روستایی را از کنترل دولت خارج ساخته‌اند. آن‌ها حتی در حومه پایتخت پیشرفت‌هایی داشته‌اند، اما به دلیل کمبود اسلحه و امکانات نظامی هنوز قادر به پیروزی نهایی نشده‌اند.



امین اکبریان  
allenakbari@yahoo.com

رژیم اسد تاکنون فاقد حمایت داخلی است و تنها حامیان او دولت‌های تهران و مسکو هستند. مقامات روسیه که سابقاً می‌گفتند پشت سر اسد باقی می‌مانند، به تازگی تلویحاً اذعان می‌کنند که حکومت او آینده‌ای ندارد و نشانه‌های جدید حکایت از احتمال قطع حمایت مسکو دارد.

تحولات روزهای اخیر، بار دیگر گمانه‌زنی در مورد احتمال سقوط قریب‌الوقوع رژیم اسد را افزایش داده، گرچه چنین پیش‌بینی‌هایی در طول دو سال گذشته ادامه داشته ولی اسد همچنان بر اریکه قدرت تکیه زده و حاضر به پذیرش واقعیت نیست. در این میان آن‌چه که به صورت یک سوال دشوار و بی‌جواب درآمده، وضعیت سوریه پس از حکومت اسد است.

با توجه به روند اوضاع جاری احتمال پایان رژیم کنونی بسیار زیاد است اما ناظران می‌گویند دوران پس از این حکومت، دشواری‌های دیگری را به همراه خواهد آورد. وضعیت سوریه با ۲۵ میلیون نفر جمعیت متشکل از چندین گروه قومی و مذهبی متفاوت در یک منطقه بسیار حساس و ناآرام، یک معمای پیچیده سیاسی است.

در حدود ۷۵ درصد سوری‌ها سنی مذهب هستند و مابقی جمعیت را علوی‌ها، مسیحیان، دروزی‌ها، کردها و چند اقلیت کوچک دیگر تشکیل می‌دهند.

از زمانی که حافظ اسد، پدر بشار، در سال ۱۹۷۱ با کودتای نظامی به قدرت رسید، او خانواده خود و سایر علوی‌ها را در مقامات کلیدی قرار داد و این اقلیت ده‌درصدی عملاً حکومت را طی بیش از چهار دهه در کنترل خود داشته. سوریه همواره دشمن قدیمی و

## نوحه خوانی عاشورا علیه جمهوری اسلامی!

انتقام یک مراسم نوحه خوانی اعتراضی و سیاسی در یزد، نشان داد که میزان مخالفت و ناراضی‌تی علیه جمهوری اسلامی حتی به طبقات مذهبی جامعه نیز گسترش یافته است. در جریان عزاداری‌های عاشورا در شهرستان یزد گروه بزرگی از عزاداران، مراسم سینه‌زنی را با اشعاری برگزار کردند که مضمون سیاسی آن بسیار گزنده و بر علیه ظالمان و حاکمان تاریک اندیش است.

این مراسم که جریان پخش زنده آن از تلویزیون محلی به طور ناگهانی قطع شد نشان داد که حتی در یک شهر مذهبی با گرایش‌های سنتی مخالفت با ظلم و استبداد حاکم به طبقات عامی و مذهبی جامعه نیز سرایت کرده که این خبر بدی برای رژیمی است که همه توان و نیروی سیاسی خود را مدیون حمایت‌های قشر مذهبی جامعه است.

نوحه خوان این مراسم در بخشی از اشعار خود می‌گوید:

دارالخلافة آباد، جهل و خرافه آزاد

بیداد پشت بیداد، حرف اضافه ممنوع

و یا در جایی دیگر این بیت را که:

ای لباس ظلم را جای عدالت پیرهن کرده

جامه رنگ و ریای دین و دینداری به تن کرده

فیلم این مراسم را که در اینترنت بسیار پر بیننده شده و انعکاس گسترده‌ای یافته، می‌توانید به آدرس زیر مشاهده کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=xPOb5GQmNFI>



# باز هم کشتار بی گناهان!

امین اکبریان

allenakbari@yahoo.com



بار دیگر اسلحه در دستان یک فرد جنون زده فاجعه‌ای دردناک در آمریکا آفرید و موجب مرگ ۲۸ انسان شد که ۲۰ نفر آن‌ها کودکان بی گناه بودند!

در جنایت خونین شهر نیو تاون در ایالت «کاناتیکت» که به خبر اول رسانه‌های آمریکا تبدیل شده، یک جوان ۲۰ ساله که ظاهراً سابقه مشکلات روحی و روانی داشته، نخست مادر خود را به ضرب گلوله کشت و سپس با حمله به یک مدرسه ابتدایی کودکان و آموزگاران را به گلوله بست. او سپس در محلی دیگر اقدام به خودکشی کرد. در پایان این کشتار وحشتناک پلیس اجساد ۲۰ کودک ۶ تا ۷ ساله و ۶ تن پرسنل این مدرسه را از محل خارج ساختند. خودکشی فرد ضارب و مادرش که او نیز آموزگار همین مدرسه بود شمار کل قربانیان را به ۲۸ تن رساند. فرد قاتل «آدام لانا» نام داشت و گزارش‌هایی حاکیست که سابقه ناملایمات شدید روحی و روانی داشته. گرچه قتل و جنایت‌های مسلحانه در آمریکا متأسفانه سال‌هاست که جنبه تقریباً دائمی یافته، اما این واقعه یکی از بدترین موارد از جنین جنایت‌های خونین در تاریخ آمریکا به شمار می‌رود، خصوصاً آن که قربانیان اصلی آن کودکان خردسال بودند.

جنایت تکان دهنده جمعه گذشته بار دیگر به این سوال و بحث قدیمی در آمریکا دامن زد که چرا در این کشور پیشرفته و ثروتمند مهد تمدن، معضل اجتماعی قتل و جنایت این چنین گسترده است و چرا دولت و جامعه هنوز نتوانسته‌اند این بحران اجتماعی را درمان کنند؟

در پی وقوع این جنایت بار دیگر فعالین اجتماعی و چندین شخصیت سیاسی خواستار اجرای قوانین موثرتر در جهت نظارت بر فروش اسلحه شدند. بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی آزادی بی حد و حصر خرید و فروش اسلحه و دسترسی آسان به انواع سلاح‌های گوناگون را عامل بروز چنین جنایت‌های پرتلفات در آمریکای دانند.

## نامزدهای فستیوال سینمایی «گلدن گلوب»

ده‌ها کشور مختلف هستند برگزیده می‌شوند. این فستیوال در واقع مقدمه‌ای است برای جشنواره اسکار و غالب فیلم‌های موفق در گلدن گلوب در اسکار نیز درخشش خوبی دارند.

و اما از میان هنرپیشگان مرد نقش اول، دانیل لوئیس، دنزل واشنگتن، ریچارد گیبر، جان هاکز، واکین فینیکس نامزدهای اصلی هستند و برای هنرپیشگان زن جسیکا جاستین، ماریون کوتیلارد، هلن میرن، ناتومی واتس، ریشل وایز نامزدهای جایزه نقش اول می‌باشند.

فیلم دیگری که در پایان امسال خیلی خبرساز شده صفر تاریک سی (ZERO DARK THIRTY) نام دارد. این فیلم که ماجرای تعقیب و قتل بن‌لادن را به تصویر می‌کشد، اثر جدید «کاترین بیگلو» می‌باشد که تاکنون چند محصول بسیار موفق سینمایی را بر پرده نمایش برده است.

دنیای فیلم‌سازی و کارگردانی به طور سنتی یک حرفه مردانه بوده، اما بیگلو یکی از معدود زنانی است که طی سال‌های اخیر با تولید فیلم‌های پر قدرت، تحسین منتقدین سینمایی را برانگیخته است. ساخته قبلی او (HURT LOCKER) که آن هم یک فیلم جنگی بود جوایز سینمایی متعددی در اروپا و آمریکا دریافت داشت. مراسم اعطای جوایز گلدن گلوب در ۱۳ ژانویه برگزار می‌شود و یک ماه بعد زمان برگزاری فستیوال اسکار است.

فهرست نامزدهای رسمی جشنواره سینمایی گلدن گلوب اعلام شد و سه فیلم پرهزینه استودیوهای هالیوود ظاهراً بهترین شانس را برای کسب جوایز اصلی این فستیوال سالانه دارا می‌باشند.

فیلم لینکلن اثر جدید «اسپیلبرگ» به همراه «آرگو» و همچنین «آزادی جانگو» بیش از سایر کاندیدهای رسمی جشنواره «گوی طلایی» (Golden Globe) شانس برنده شدن دارند.

«لینکلن» که یک فیلم سیاسی - تاریخی مربوط به جنگ داخلی آمریکا می‌باشد در هفت زمینه و از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین هنرپیشه اول کاندیدای رسمی کسب جوایز است.

فیلم آرگو که مربوط به ماجراهای سیاسی دوران گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در انقلاب ایران است و توسط «بن افلک» کارگردانی شده، در ۵ زمینه نامزد بهترین فیلم است. همچنین «آزادی جانگو» اثر جدید تارانتینو سومین فیلمی است که بیشترین شانس کسب جوایز اصلی را داراست. دو نامزد دیگر جایزه «بهترین فیلم» یکی «زندگی پای» و دیگری «صفر تاریک سی» است.

«گولدن گلوب» یکی از جشنواره‌های معتبر سینمایی است که توسط انجمن خبرنگاران خارجی مستقر در آمریکا برگزار می‌شود و به همین دلیل جنبه بین‌المللی دارد زیرا فیلم‌های این فستیوال توسط گزارشگران غیرآمریکایی که اتباع





# فوت کوزه گری



محمود افهمی



وقتی کسی از همه جزئیات امری آگاهی داشته باشد و تجربه کار باشد و به قولی «کاربلد»، می‌گویند «فوت و فن کار رو بلده». فن که به معنی توانایی و مهارت است. اما فوت یعنی چه؟... داستان دارد!

نقل می‌کنند که شاگرد کوزه‌گری چند سالی نزد استادش شاگردی کرد. کم کم به فن کار آشنا شد و کاسه و کوزه‌های خوبی هم ساخت و مشتری بسیار یافت. آرام آرام به خودش و فنی که یاد گرفته بود مغرور شده و بنای ناسازگاری گذاشت که بله: «...حق من شاگردی نیست و تا کی برای مردم کار کنم و وقت اون رسیده که آقای خودم و اوستای خودم و شاگرد خودم باشم» با همین حرف‌ها از استاد جدا شد و در آن طرف شهر یک کوزه‌گری قابلی به راه انداخته و نشست پشت چرخ کوزه‌گری و شروع کرد به ساخت. از هر چیزی که بلد بود تعداد زیادی ساخته و گذاشت تا خشک شوند. بعد کوره را روشن کرد و لعاب را فراهم آورد و ظروف را لعاب داد و گذاشت توی کوره تا پخته و آماده فروش شوند. یک شب تا صبح، از شوق پای کوره نشست. صبح که در کوره را باز کرد دید ای دل غافل! همه ظروف خرد شده و شکسته یا ترک خورده. حسابی

حالش گرفته شد. کلی دانسته‌هایش را مرور کرد تا بلکه ببیند کجای کار را اشتباه کرده اما چیزی دستگیرش نشد. قدم به قدم کارهای استادش را تکرار کرده بود. این شد که دوباره نشست پشت چرخ و ساخت. باز لعاب و خشک شدن و کوره زدن و باز خرد شدن و ترک خوردن ظروف. گفت شاید دمای کوره تنظیم نیست. باز ساخت و کوزه زد و باز هم همه‌اش خرد شد... عاجر و درمانده برگشت پیش استادش و سر پایین و بغض در گلو موضوع را برای استاد کوزه‌گر تعریف کرد. استاد گفت: «پسر جان تو فن کوزه‌گری را بلدی اما فوتش رو نه» شاگرد گفت: «فوتش چیه؟» گفت: «بیا تا نشونت بدم»

استاد رفت توی درگاهی کوره ایستاد و به شاگرد گفت یکی یکی کوزه و کاسه‌ها را به دستش بدهد. استاد هر کاسه‌ای را که می‌گرفت محکم فوتی به آن می‌کرد و در کوره می‌گذاشت. شاگرد خیال کرد استاد مسخره‌اش می‌کند. ولی استاد گفت: «ببین پسر جوون! وقتی ظرف رو لعاب می‌زنی و می‌گذاری که خشک بشه، گرد و خاک روش می‌شینه که این گرد و خاک‌ها توی کوره می‌سوزند و باعث خرد شدن سفال می‌شن. پس قبل از کوره‌زنی ظرف‌ها، اون‌ها رو باید فوت کنی تا گرد و خاکشون بره و ترک نخورن»

این داستان به زبان مردم راه پیدا کرده و به جنبه‌های خاص و بسیار مهارانه هر کاری که فقط به تجربه و دست بوسی استاد حاصل می‌شود می‌گویند «فوت یا فوت کوزه‌گری». این است که همیشه برای نصیحت کردن جوانان می‌گویند که فوت و فن کار را باید بیاموزند. چه بسا که دانستن فوت بر دانستن فن ارجحیت هم داشته باشد.

**Mahmoud Afhami**  
مجموعه‌ای از رسنه‌های صرب الفیل‌های فارسی  
و نکه‌های عامانه

یک سبد حکایت

1 855.HEKAYAT  
WWW.YEK SABADHEKAYAT.COM

**AVAILABLE NOW**



دکتر رادنی مصریانی

Rodney Mesriani, Esq.

وکیل رسمی  
دادگاه های کالیفرنیا و فدرال  
و همکاران

MESRIANI LAW GROUP

A Professional Law Corporation

تصادفات صدمات بدنی

Personal Injury Accidents

حقوق ناشی از کارافتادگی

Disability Benefits

امور کارمند و کارفرما

Employment / Labor Law

949 - 272 - 2920

IRVINE

310 - 826 - 6300

LOS ANGELES

818 - 401 - 4747

S.F. VALLEY

(866) 99-VAKIL

(866) 998-2545

Main Office: 510 Arizona Ave., Santa Monica, CA 90401

www.mesriani.com

rodney@mesriani.com

TASADOFAT

Rodney Mesriani, Esq.

PERSONAL INJURY / ACCIDENTS





# ایالت مریلند



در شامگاه ۲۸ آوریل ۱۷۸۸ با امضای سند استقلال به وسیله نماینده مریلند، این ایالت به عنوان هفتمین عضو اتحادیه ایالت متحده آمریکا بخشی از سرزمین پهناوری شد که آینده جهان را تحت تاثیر خود قرار داد.

## دکتر مهدی آقازمانی

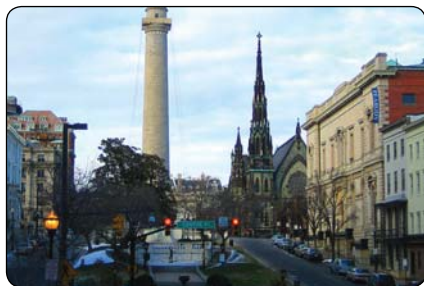


واشنگتن دی.سی) در ساحل رودخانه پوتوماک به عنوان پایتخت ایالات متحده آمریکا گمارد. اگر چه همجواری این ایالت با منطقه کلمبیا (پایتخت آمریکا) به آن ویژگی‌های خاصی در تقسیم جمعیت بخشیده است، با این حال همچنان بزرگترین شهر ایالت مریلند، بندر بالتیمور است که تاریخ تاسیس آن به دوران استعماری در سال ۱۷۲۹ باز می‌گردد که امروز نزدیک ۲/۵ میلیون آمریکایی در کانتی این شهر سکونت دارند. آنابولیس که مرکز ایالت در آن واقع شده است نیز از دیگر شهرهای مهم این ایالت محسوب می‌شود که علاوه بر استقرار پارلمان ایالتی و خانه فرماندار از لحاظ نظامی نیز با وجود آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بزرگترین دانشگاه‌های افسری این کشور حائز اهمیت بالایی در سیستم دفاع ملی آمریکا است. با آنکه مریلند از ایالت‌های ساحل شرقی آمریکا

مریلند به خانه مهاجران کاتولیک تبدیل شد و بسیاری از محکومان به تبعید به این سرزمین فرستاده شدند. شورش معروف پیورتین‌ها در خلال سال‌های ۱۶۵۰ تا ۱۶۵۴ که به سوزانده شدن بسیاری از کلیساهای کاتولیک در جنوب مریلند انجامید، یکی از نمونه‌های منازعاتی که در این پهنه رخ داده است. سرانجام با آغاز مبارزه با استعمار، مریلند یکی از سیزده ایالتی بوده که به شورش علیه حکومت بریتانیا پیوست و انقلاب آمریکا طرح انداخت. شورش بالتیمور در ۱۸۶۱ و نبرد خونین آنتیام در هفدهم دسامبر ۱۸۶۲ که خونین‌ترین روز از جنگ‌های داخلی آمریکا و تمام تاریخ نظامی این کشور با بیش از ۲۳ هزار کشته محسوب می‌شود در دیگر برگ‌های تاریخ این ایالت است. با این حال مریلند با اهدای بخشی از سرزمین خود در سال ۱۹۷۰ به احداث منطقه کلمبیا

ایالت مریلند با ۱۲۴۰۷ مایل مربع (معادل ۳۲۱۳۳ کیلومترمربع) مساحت در رتبه چهل و دوم جدول پهناوری ایالت‌های پنجاه‌گانه قرار دارد و امروز خانه حدود ۵ میلیون و ۸۲۸ هزار شهروند ایالات متحده آمریکاست. جمعیتی که رتبه نوزدهم جدول جمعیتی را به این ایالت اختصاص داده است. وجه تسمیه این ایالت به دربار انگلستان در قرن هفدهم میلادی و زمان سلطنت چارلز اول باز می‌گردد و به یادبود ملکه فرانسوی تبار وقت «هنریتا ماریا» (همسر چارلز اول که پیرو مذهب کاتولیک بوده و در حمایت از همسرش و سلطنت‌طلبان در مقابل پارلمان‌گراها فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داد) «مری‌لند» نام گرفت. این اتفاق به سال ۱۶۳۲ میلادی و با امضای قرارداد معروف به منشور ۱۶۳۲ رخ داد. در خلال سال‌های میانی قرن هفدهم آرام آرام





۱۱/۳۵ درصد، کالیفرنیا ۱۰/۳۰ درصد، رود آیلند ۹/۹ درصد و ورمونت ۹/۵ درصد در رتبه پنجم با حدود ۹/۴۵ درصد است که نشانی از گرانی سطح زندگی در این ایالت دارد. با اینکه به طور متوسط ضریب قیمت حامل‌های انرژی در این ایالت از میانگین فدرال ها حدود ۶،۷ درصد ارزان تر است اما قیمت محصولات خوراکی در مناطق شهری از میانگین فدرال بیش از ۲۱ درصد گرانتر برآورد می‌شود.

مریلندی‌ها به صورت تاریخی به حزب دمکرات گرایش دارند و در آخرین انتخابات ریاست جمهوری این کشور در نوامبر ۲۰۱۲، ده رای این ایالت در مجلس الکترال به نفع پرزیدنت اوباما محاسبه شد.

مریلند برای ایرانیان هم خانه مناسبی محسوب می‌شود تا آنجا که پس از جنوب کالیفرنیا که بزرگترین پایگاه حضور ایرانیان در آمریکا شناخته می‌شود، این ایالت، علی‌الخصوص مناطق مجاور آن با واشنگتن دی.سی و ویرجینیا دومین سکونت‌گاه ایرانیان آمریکا است.

نزدیکی به پایتخت آمریکا، مجاورت دانشگاه‌های معتبر، تمرکز به دلایل فعالیت‌های اجتماعی، رسانه‌ای و سیاسی از عمده‌ترین دلایل حضور ایرانیان در این منطقه محسوب می‌شود.

چندین فروشگاه ایرانی، رستوران و شمار کثیری از بیزنس‌های محلی مربوط به ایرانیان، انتشار چندین نشریه ایرانی از جمله نشریات ایرانیان، تهران پست، ایران تایمز و ... مرکز شبکه خبری صدای آمریکا، بخش فارسی بنگاه سخن‌پراکنی آمریکا و ... باعث شده است که این منطقه برای طیف کثیری از ایرانیان، علی‌الخصوص روشنفکران و فعالان سیاسی- اجتماعی به انتخاب مناسبی برای زندگی تبدیل شود.

چهره‌های معروفی از ایرانیان در این منطقه زندگی می‌کنند که در میان آنها می‌توان به خانواده پهلوی (شهبانو فرح پهلوی و شاهزاده رضا پهلوی اشاره کرد).

تخمین‌ها نشان می‌دهد که در هر سه منطقه واشنگتن دی.سی مریلند و ویرجینا چیزی حدود ۷۰ هزار ایرانی سکونت دارند.



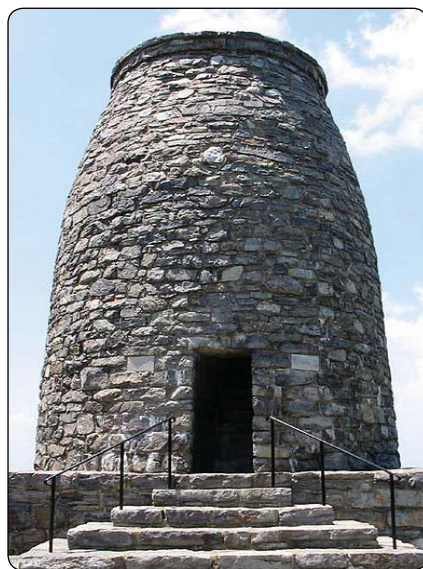
اقتصاد پویا و رو به رشد در این ایالت که با درآمد ناخالص ملی ۲۵۷ میلیارد دلاری در حدود کشوری مانند آفریقای جنوبی قرار دارد، خانواده‌های این ایالت را به یکی از مرفه‌ترین خانوارهای آمریکایی با درآمد سالانه بالای ۶۹ هزار دلار تبدیل کرده است. اقتصاد ایالت مریلند بر پایه خدمات عالی طراحی شده و در حوزه‌های حمل و نقل، بانکداری، گمرکات، صنایع دفاعی، صنایع هوا، فضا، تحقیقات زیست محیطی و علمی، خدمات مربوط به ستادهای دولت فدرال و تامین نیروی انسانی و خدمات آموزشی (دانشگاهی) متمرکز شده است. با این حال کشاورزی و دامداری علی‌الخصوص صنایع کشاورزی مبتنی بر تولید مواد لبنی در اقتصاد این ایالت نقش چشمگیری بازی می‌کند. وجود دشت‌های حاصل‌خیز و قابل کشت وسیع در شمال غرب این ایالت این امکان را فراهم آورده است که شاهد تمرکز صنایع کشاورزی در غرب ایالت مریلند باشیم. از سوی دیگر کارخانه‌های بزرگی چون لاکهید مارتین به افزایش کارگران مزدبگیر در این ایالت دامن زده است. وجود معادن سرشار علی‌الخصوص در جنوب شرقی ایالت و امکان بهره‌برداری از آنها را بیش از پیش بر اقتصاد ایالت تاثیر مثبت داشته است.

میزان مالیات در ایالت مریلند پس از نیویورک با



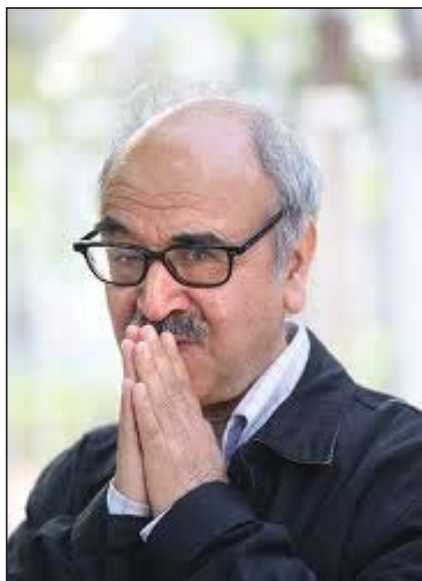
محسوب می‌شود، اما بیشتر تحت تاثیر آب و هوای قاره‌ای است که برای آن فصول چهارگانه با تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد و مرطوب به ارمغان آورده است. دمای هوا در مناطق مختلف این ایالت از حداقل ۲۱ درجه فارنهایت هاگراستون برای فصل سرد تا ۹۱ درجه فارنهایت در شهر بالتیمور برای فصل گرم در اداره هواشناسی ایالات متحده به ثبت رسیده است. همین تناسب دما، موقعیت چهارفصل و برخورداری از موقعیت نزدیکی به اقیانوس اطلس شمالی موجب شده است تا شهرهای بسیاری در این ایالت پدید آید که باعث ارتقای ضریب تراکم جمعیت در این ایالت بوده است. تا آنجا که در میان ۵ ایالت اولیه آمریکا از لحاظ تراکم جمعیت قرار گرفته است. که اکثریت این ضریب تراکم در حوالی منطقه کلمبیا و شهر بالتیمور متمرکز است.

براساس آخرین سرشماری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی بیش از ۶۶ درصد جمعیت این ایالت را سفیدپوستان تشکیل داده‌اند و سیاه‌پوستان هم با ضریب ۲۹ درصدی در رتبه بعدی قرار دارند، آسیایی تبارها نزدیک به ۴/۵ درصد و مجموع سرخپوستان، بومیان سرزمین‌های شمالی و هاوایی تبارها هم کمتر از یک درصد اهالی این ایالت را تشکیل می‌دهند.



# آسیب‌شناسی نسل خرد گریز

نوشته: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



قدما، ذات مراتب تشکیک و شدت و ضعف آن در ادوار مختلف قابل بررسی است. البته همیشه استثناهایی هم وجود دارند که خط‌مشی خود را از جریان عام جدا می‌کنند و راه و رسمی خلاف سیره‌ی اکثریت برمی‌گزینند.

شاید تحلیل این نظریه و تطبیق آن بر همه‌ی ادوار تاریخ فرهنگ ایران زمین، کار یک تن نباشد. اما آیندگان باید به این نظریه با جدیت بیشتری بنگرند و در راه اثبات یا نفی آن بکوشند. من در حدود آشنایی مختصری که با ابعاد مختلف فرهنگ ایران و ساحت‌های گوناگون شعر و ادب فارسی دارم، در صحت این نظریه تردیدی ندارم.

حتی اگر تطبیق این نظریه، در شرایط کنونی، بر ادوار مختلف فرهنگ ایران زمین قابل اثبات علمی نباشد. در مورد نمایندگان برجسته‌ی آن تردیدی نباید کرد که حتی شاعر به ظاهر «ضد خردی» چون مولانا- که ناقد هوشیار قلمرو فعالیت عقل است- نیز در عالم ناقد خرد بودنش این نظریه را اثبات می‌کند؛ زیرا یکی از برجسته‌ترین نمایندگان فرهنگ ایرانی است و در قلمرو خلاقیت او جایی برای این‌گونه

سال‌ها اندیشیدم و به این نتیجه رسیدم که تکامل و انحطاط خرد ایرانی و ژرفا بلند عقلانیت ما، در ارتباط مستقیمی است با همین مسأله‌ی رعایت معتدل خانواده‌ی کلمات یا در هم‌ریختگی آن. هرگاه روح جامعه‌ی ایرانی روی در سلامت و میل به نظامی خردگرای داشته است، از میل به استعاره‌ها و مجازهای افراطی و تجرید اندر تجرید کاسته و زبان در جهت اعتدال و هم‌نشینی طبیعی خانواده‌های کلمات، حرکت کرده است. فردوسی در عصر خود، و بیهقی در عصر خود، و خیام در عصر خود، مظاهر این خردگرایی‌اند و در دوره‌های بعد نیز این قاعده صادق است.

آخرین مرحله‌ای که خرد ایرانی روی در سلامت می‌آورد، «داستان مشروطیت» است که شعرش (شعر بهار و ایرج و پروین و دهخدا)، گریزان از هر نوع استعاره‌ی تجریدی و غریب است. و متأسفانه باید گفت: خط ممتد ادبیات و فرهنگ ما، درست برعکس مغرب زمین است، هر چه از عصر فردوسی و ناصر خسرو و خیام دورتر می‌رویم میل به بالا بردن استعاره‌ها و «تجرید» بیشتر و بیشتر می‌شود تا در عصر تیموری و صفوی به اوج می‌رسد. تنها در مشروطیت است که ما به آستانه‌ی خردگرایی می‌رسیم و طبعاً از «تجرید» دور می‌شویم و باز در دوره‌هایی، پس از مشروطیت، حریص بر تجرید می‌شویم و این نشانه‌ی این است که روح جامعه از خرد گریزان است و روز به روز سیطره‌ی تفکر اشعری با تصاعد هندسی بالا می‌رود، حتی در دوره‌هایی که یک نفر هم رسماً هوادار تفکر اشعری نیست، یعنی در اوج تشیع صفوی.

اگر کسی بخواهد زمینه‌ی اجتماعی ادبیات فارسی را- به شیوه‌ای که لوسین گلدمن در کتاب خدای پنهان انجام داده است- تعقیب کند به نظر می‌رسد که روی این خطر می‌تواند حرکت کند و بی‌گمان به همین نتیجه‌ای خواهد رسید که در این یادداشت به آن اشاره کردم. هر چند که این مسأله امری است، به قول

● وقتی هنرمندی (و در اصل جامعه‌ای که هنرمند در آن زندگی می‌کند) حرفی برای گفتن ندارد، با در هم ریختن نظام خانوادگی کلمات، سر خود را گرم می‌کند و خود را گول می‌زند که من حرف تازه‌ای دارم!

● در عصر خود ما نیز نسلی که به سپهری چنان هجوم برده که گویی از نظر ایشان سپهری شاعری بزرگ‌تر از سعدی و حافظ و مولوی است، به همین دلیل است؛ این نسل، نسلی است که از هر گونه نظام خردگرایانه‌ای بیزار است

● همه این نوشته‌ها جان کلام‌شان و خلاصه «انسان‌ویسی» شان، دعوت به خردگریزی و پناه بردن به عالم اساطیر و مقولات بیرون از تجربه و «مرزهای سحر و افسون» است؛ همان‌هایی که به احضار جن و کریشنا مورتی و کاستاندا پناه می‌برند.

استعاره‌های جدولی و بیمارگونه و قالبی وجود ندارد. با این‌که او خود، به طور غریزی و از سر نیازی، گاه‌گاه خانواده‌ی کلمات را از نظام طبیعی خویش بیرون می‌آورد و در فضای بی‌کران مجازهای شگفت‌آور خویش بشریت را مسحور ذهن دریاوار خود می‌کند و می‌گوید:

آب حیات عشق را در رگ ما روانه کن

آینه‌ی صبح را ترجمه‌ی شبانه کن

که در مصراع دوم، «آینه» با «صبح» و «ترجمه» با «شبانه» از خانواده‌های دور از هم‌اند که از رهگذر نبوغ مولانا همنشین شده‌اند و «وصلت» کرده‌اند.

من در جای دیگر به این نکته که چگونه رابطه‌ای استوار برقرار است میان درهم‌ریختگی نظام کلمات و زوال خرد جامعه‌ی ما پرداخته‌ام و در یک جمله، آن را در این‌جا خلاصه می‌کنم که «وقتی هنرمندی (و در اصل جامعه‌ای که هنرمند در آن زندگی می‌کند) حرفی برای گفتن ندارد، با در هم ریختن نظام خانوادگی کلمات، سر خود را گرم می‌کند و خود را گول می‌زند که من حرف تازه‌ای دارم!» و ظاهراً نیز چنان می‌نماید که حق با اوست و این خطا را از نزدیک کمتر می‌توان مشاهده کرد؛ تنها با فاصله گرفتن و دور شدن می‌توان به حقیقت این امر پی برد. ما اکنون، به راحتی، در باب خردگرا بودن مشروطیت و طبعاً خردگریز بودن جامعه‌ی صفوی و قاجاری، می‌توانیم داوری کنیم.

کسانی که در متن این بیماری قرار داشته باشند، غالباً از اعتراف به این بیماری، سر باز می‌زنند؛ چنان‌که شاعران عصر صفوی چندان مسحور درهم‌ریختگی نظام کلمات در شعرهای ظهوری، زلالی و عرفی بودند که عقیده داشتند بزرگترین شاعر تاریخ ادب فارسی ظهوری ترشیزی (متوفی ۱۰۲۵هـ) است که از عصر رودکی (اول قرن چهارم) تا روزگار ایشان (پایان قرن دوازدهم)، در طول هشتصد سال، نه شاعری به عظمت او آمده و نه ثنروسی. این اظهار نظر بزرگ‌ترین ادیبان و ناقدان عصر است، نه سخن یک آدم بی‌سواد بی‌مایه. اما ما که امروز با بیماری خاص آن عصر فاصله داریم، این خطای ایشان را به صرافت طبع و بی‌هیچ‌گونه دلیل و برهانی درمی‌یابیم، ولی در آن روزگار جز افراد نادری - که به دلایل خاصی از این بیماری برکنار مانده بوده‌اند - هیچ‌کس از این بیماری ایشان خبر نداشته است.

در عصر خود ما نیز نسلی که به سپهری چنان

هجوم برده که گویی از نظر ایشان سپهری شاعری بزرگ‌تر از سعدی و حافظ و مولوی است، به همین دلیل است؛ این نسل، نسلی است که از هرگونه نظام خردگرایانه‌ی بیزار است و می‌کوشد که خرد خویش را، با هر وسیله‌ای که در دسترس دارد، زیر پا بگذارد و یکی از این نردبان‌ها شعر سپهری است و اگر سپهری کم‌آمد کریشنا مورتی و کاستاندا را هم ضمیمه می‌کند و گرنه چگونه امکان دارد که جوانی یک مصراع از سعدی و حافظ و فردوسی و مولوی و از معاصران امثال اخوان و فروغ و نیما به یاد نداشته باشد و مسحور هشت کتاب سپهری باشد. آیا این جز نشانه‌های آسیب‌شناسانه‌ی همان بیماری است؛ بیماری نسلی که دلش نمی‌خواهد پایش را روی نقطه‌ی اتکایی خردپذیر استوار کند و ترجیح می‌دهد و در میان ابرها و در مه خیال، «وضو با تیش پنجره‌ها» بگیرد و «تنها» باشد و از هر سازمان و گروه و حزب و جمعیتی بیزار است؛ سپهری شاعر «تنهایی» است.

صدبار گفته‌ام و در همین یادداشت هم تکرار کردم که من سپهری را صددرصد از مقوله‌ی آن شاعر عصر صفوی و هوشنگ ایرانی نمی‌دانم؛ بلکه او را یکی از شاعران بزرگ شعر مدرن فارسی پس از نیما یوشیج می‌شمارم در کنار فروغ و اخوان. ولی حرف من درباره‌ی این هجوم کورکورانه است که نسل جوان ما به او دارد؛ به ویژه نسلی که بعد از جنگ ایران و عراق و عوارض اجتماعی و فرهنگی آن، به صحنه‌ی زندگی اجتماعی ما دارد وارد می‌شود. بسیاری از اینان را دیده‌ام که از مسائل شعر معاصر یعنی شعر امثال فروغ و اخوان و نیما کوچک‌ترین اطلاعی نداشته‌اند و به این شاعران هم کوچک‌ترین تمایلی از خود نشان نداده‌اند؛ با این همه، چنان شیفته‌ی هشت کتاب سپهری بوده‌اند که کمتر کسی از ماها چنین عشقی را به حافظ و مولوی و سعدی و فردوسی نشان می‌دهد. آن‌چه نشانه‌ی بیماری است این است و گرنه در شاعر بودن و هنرمند بودن سپهری کوچک‌ترین تردیدی نیست.

این نکته را از راه کتاب‌شناسی سپهری نیز می‌توان اثبات کرد. حجم مقالات و انشاهایی که در این بیست سال تنها درباره‌ی سپهری نوشته شده است، بیشتر از کتاب‌ها و مقالاتی است که جمعاً درباره‌ی سعدی و فردوسی و مولوی، و از معاصران، مجموعه‌ی روی هم رفته‌ی نیما و اخوان و فروغ نوشته شده است. اگر به عمق

این نوشته‌ها نیز توجه شود همه‌ی این نوشته‌ها جان کلام‌شان و خلاصه‌ی «انشاویسی»‌شان، دعوت به خردگریزی و پناه بردن به عالم اساطیر و مقولات بیرون از تجربه و «مرزهای سحر و افسون» است؛ همان‌هایی که به احضار جن و کریشنا مورتی و کاستاندا پناه می‌برند.

در یک چشم‌انداز عام، تصادف در همه‌ی هنرها نقش اساسی دارد. اصلاً می‌توان گفت که هیچ اثر هنری بزرگی وجود ندارد که تصادفی خاص در آن روی نداده باشد. تمام کسانی که به نوعی با خلاقیت هنری سر و کار دارند، این گفته‌ی مرا، بدون هیچ‌گونه استثنائی، تأیید می‌کنند که در کارهای درخشان ایشان، تصادف را سهمی قابل ملاحظه است. در یک کلام می‌توان گفت: «هنر چیزی نیست جز تصادف». اما باید بلافاصله تبصره‌ای بر آن افزود که «این تصادف فقط در تجارب هنرمندان واقعی روی می‌دهد و لاغیر». بی‌گمان نمونه‌های بسیاری از تغییرات خانوادگی کلمات، در شهر همه‌ی بزرگان می‌توان یافت و بی‌گمان حافظ بخش عظیمی از عمر خود را صرف تغییر ملایم خانواده‌ی بعضی کلمات کرده است. اگر در شعر موزون - خواه به وزن آزاد و خواه به وزن عروضی کهن - دایره‌ی انتخاب و اختیار این جانشین‌ها و خانواده‌های کلمات محدود بود اینک با برداشته شدن قید وزن و قافیه، دست شاعران «شعر منثور» تا بی‌نهایت در این میدان باز است و می‌توانند شبانه‌روز روی جدول‌های بی‌نهایت خانواده‌های لغات آزمون کنند.

ولی باید بدانند که اندک‌اندک کامپیوترهای پیشرفته، جای چرتکه‌های بازار قدیم را، ولی پیچیده‌ترین کامپیوترهای قرن‌های آینده هم از آفریدن سخنانی از این دست که

اگر غم را چو آتش دود بودی

جهان تاریک بودی جاودانه

ببایید تا ایرج که گفت:

دستم بگرفت و پایه‌ی برد

تا شیوه راه رفتن آموخت

عاجزند و نیز عاجزند از این که مانند این سخن غیرجدولی همان سپهری جدول‌گرای به وجود آورند:

کسی نیست،

بیا زندگی را بدزدیم، آن وقت

میان دو دیدار قسمت کنیم.

نقل از کتاب «با چراغ و آینه»





پیرامون کتاب «چشم در برابر چشم» خاطرات آمنه بهرامی نوا، زنی که قربانی اسید پاشی شد:

# خشونت ورزی مردان، پایداری زنان



You cannot transcend what you do not know. To go beyond yourself, you must know yourself.

Sri Nisargadatta Maharaj

شما نمی‌توانید فراتر از آن‌چه نمی‌دانید بروید، اگر بخواهید از خود فراتر روید، ابتدا می‌بایست خود را بشناسید.



پیرایه خلیلی

زمانی که، زندگی آمنه بهرامی نوا، در اسپانیا، چیزی نبود جز وارونگی دنیایی ناشناخته و کبودی تازیانه خشونت بر جسم و جان، او با دشوارترین سوال زندگی روبرو می‌شود... از این پس چگونه خواهیم توانست به افق‌های زندگی بنگرم؟

اما برای دستیابی و پاسخ دادن به این سوال که جوابش ظاهراً همیشه در آینده صورت می‌پذیرد، او درمی‌یابد که نخست می‌بایست برای وضعیت کنونی‌اش معنایی بیابد؛ و این که چگونه به «این‌جا» رسیده است؛ به گم‌گشتگی غربتی چند گانه!!

به منظور خرید ضبط‌صوت کوچکی، در کوچه پس‌کوچه‌های اسپانیا راه می‌افتد. خاطرات آشنا و پراکنده را از دوران کودکی بیرون می‌ریزد، آن‌ها را مرور می‌کند، و کنار هم می‌نشانند. در لابلای خاطرات به آن روز شوم باز می‌گردد؛ روز «اسیدپاشی» بر چهره و چشمانش. به هر جا که می‌رود از آن روز سربرمی‌آورد. گویی پس‌لرزه‌های حادثه می‌خواهد همچنان، از او قربانی بگیرد و او را ضعیف و خوار و منفعل به زمین بزند. اما آمنه زنی نیست که از کنار حادثه به سادگی بگذرد.

اگر زندگی رازوار است و آزمون‌های بیش نیست، دوباره از نقطه صفر محور خشونت، بر خود و نوع خود، هم که شده آغاز می‌کند. به هر جای جسم و روح دنیای ناشناخته‌اش دست می‌زند، دردناک است. افتان و خیزان به راه می‌افتد. می‌باید تلاش کند از خود فراتر رود. می‌باید این حادثه شخصی را به درد-آگاهی جهانی مبدل کند. و در این راه زخم‌ها، رنج‌ها و چالش‌هایش را، خود، به دوش می‌کشد و به جان می‌خرد و تنها تصویرش را به جهان منعکس می‌کند.

آمنه زنی هوشمند است و قدرت واژه‌ها را خوب می‌داند. می‌داند که در دنیای حروف و کلمات، صدایش می‌تواند به یاری کوه بلند پایداری انسان، طنین‌انداز شود؛ اشک‌هایش می‌تواند به امواج دریای صداقت و شفافیت راه ببرد و از آن‌جا به دل آدمیان پیوند بخورد. از این‌رو، با زبانی شاعرانه و بُعدی معنوی به زندگی، رویاها و حوادث می‌پردازد؛ هم از درد می‌گوید هم به ورای درد می‌رود.

خواننده بی‌وقفه با او همراه می‌شود. با سادگی، صداقت و با زوایای آشکار و پنهان روحش آشنا می‌شود. با او می‌گرید. با او می‌خندد و... در پناه خاطرانش،

نه تنها به آسیب‌پذیر بودن خود، بلکه به نامحدود بودن قابلیت‌ها و توان انسان در قالب زنی جوان به نام آمنه پی می‌برد... نفس در سینه حبس می‌شود. مگر می‌شود این همه بی‌عدالتی، دگرگونی و رنج و تنهایی را تاب آورد؟! اما همچنان که صبح امید می‌دمد، خواننده به انسان‌های خیراندیش و نیکوکاری، نظیر امیر صبوری (ها) و مهدی سجودی (ها) و دیگران برمی‌خورد و نادیده با آنان رشته مهر و الفت می‌بندد؛ با کسانی که نهال امید را آبیاری می‌کنند و چراغ را نه برای پیش راه خود، بلکه برای مسیر انسانیت بالا می‌گیرند... و آه، اشک شادی!

در لابلای کتاب به افراد و جامعه‌ای برمی‌خوریم که هنوز آگاهی لازم را در رابطه با وضعیت آمنه (ها) اتخاذ نکرده است. جامعه‌ای که به دلیل عدم آگاهی و فرهنگ نادرست «کمال‌طلبی» ناشی از پایین بودن حرمت نفس، نه تنها مرهمی برای نقصان و دردها نیست، بلکه گاه خود، به «نمکی بر زخم‌ها» مبدل می‌شود و شعار خیرخواهی را در طبعی توخالی می‌دمد و با نصایح نطلبیده، اظهارنظرهای فاضلانه، سرزنش کردن، سوال‌های خصوصی، دلسوزی‌های هیجانی و شیون و ضجه‌ها... نه تنها گره از مشکلات آمنه (ها) و

مراسم امضای کتاب «چشم در برابر چشم» با حضور ادبا و هنرمندانی نظیر سیمین بهبهانی، پوری بنایی و ناصر ملک مطیعی و... در تهران برگزار شد.



خانواده‌اش باز نمی‌کند، بلکه او را هر چه بیشتر در دنیای ناامیدی، دلسردی و انزوا فرو می‌برد. جامعه‌ای که به قول سهراب سپهری، چشم‌هایش را نمی‌شوید و جور دیگر نمی‌بیند!

نمونه‌های دیگر این عملکرد را آمنه در برخی از ایرانیان اسپانیا مشاهده می‌کند، سفسطه‌ها، کلاهبرداری‌ها، دورنگی‌ها و عدم درک احساسات زنی که آشفتگی عظیم درونی را در لحظه‌های حساس مداوایش تجربه می‌کند! اما آمنه از آن دوران نیز به عنوان فرصتی برای «خودنگری» بهره می‌گیرد. پس از رویارویی با این همه بیگانگی در پس نقاب‌های گوناگون، و روزها و ماه‌ها نگرانی و تنهایی و عمل‌های پی در پی بر صورت و چشمانش، با دید مختصری که مانده، در برابر آینه می‌ایستد، به چهره دگرگون خود به آرامی دست می‌کشد و در پس آن به حقیقت وجودی زنی توانا، شجاع، مستقل و خودساخته پی می‌برد. آمنه، بارها در خیالش همزاد درونی مردانه خود را می‌بیند و با او روبرو می‌شود...

«باز هم همان جوان بلند بالای خوش قیافه در کنارم بود. چیزی نمی‌گفت. فقط نگاهم می‌کرد... هر جا که می‌رفتم، همراهیم می‌کرد. در آشپزخانه و هر گوشه و کناری از خانه، با بودن او احساس امنیت می‌کردم...» (برگرفته از کتاب)

او از این جفت همزاد مردانه که در درون هر زنی ایفای نقش می‌کند، ویژگی‌های مثبت یعنی خلاقیت، شهامت و شجاعت او را می‌جوید و همان فضیلت شهامت است که به آمنه قدرت بخشایش می‌دهد و او را از اجرای قصاص و تبدیل شدن خود به ابزار دیگری در جهت خشونت‌ورزی در دور دایره‌ی معیوب «چشم برای چشم» برحذر می‌دارد.

در کتاب بارها به مرد خود شیفته‌ای که به صورت او اسید پاشیده، می‌پردازد. به مردی که نمی‌دانست، خشونت علیه زنان، از بقایای غریز حیوانی و جنگ پنهان زینه‌ها بر سر تصاحب مادینه نشأت می‌گیرد؛ به مرد و جامعه‌ای که روش‌های لازم برای مهار کردن این گونه احساسات خشن و درنده‌خویی را هنوز نیاموخته و به والدینی که با دریغ کردن عشق و توجه کافی به کودکان خود، مردانی را با خلایب عظیم در پی گرفتن توجه ویژه و تصاحب و سلطه‌جویی در جامعه رها می‌کنند و...

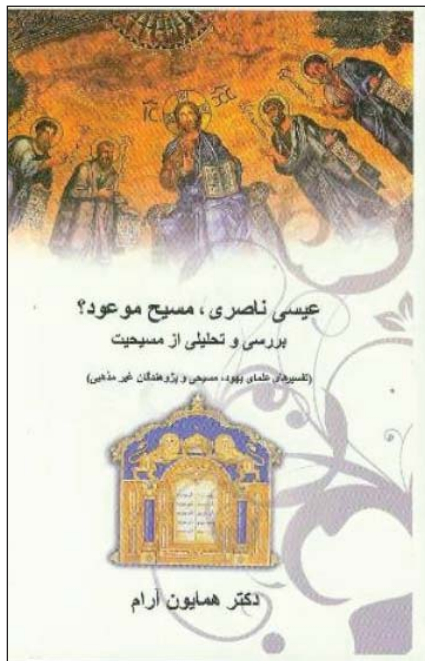
آمنه بارها از خودش می‌پرسد: چرا من؟! اما پس از گذراندن عمل‌های بی‌شمار در حالی که در محدوده بالکونی محل مسکونی‌اش در اسپانیا ایستاده و از دیدار خورشید قطع امید کرده، همان‌جا به راز خورشید پی می‌برد: تنها «حقیقت» و «پیام» نور است که دریافت کردنی است، نه خود خورشید. «تاریکی» تنها در نبود «روشنگری»، معنا می‌یابد. از این‌رو می‌بایست آنقدر شفاف شود که زندگی از خود او عبور کند و خود، منبع نور و آگاهی شود. همانگونه که در داستان نمادین رساله‌الطیر ابن‌سینا، زمانی که پزندگان خود را در بند قفس اسیر و درمانده می‌یابند، تصمیم می‌گیرند که با قفس پرواز کنند و قفس را در خود مستحیل می‌کنند...

توفان حوادث و بی‌عدالتی غالب بر هستی آمنه، عظیم‌تر از آن بود که در ظرافت روح او بگنجد. او نخست می‌بایست با آن چه بر او گذشته روبرو شود و وجودش را از آلودگی احساسات تیره و منفی ناشی از اعمال خشونت پاک و رها کند و سپس آن چه را که نگاشته با دیگران سهیم شود. و این سرآغاز «نورپاشی» اوست در برابر «اسید و نفرت پاشی» و خواننده بی‌اختیار از خود می‌پرسد:

آیا به‌راستی این حکایت فرشته چشم بسته‌ی قانون نیست؟  
آیا بدون حضور این فرشتگان و اسطوره‌های نور و آگاهی، بشر هرگز می‌توانست به قوانین «عدالت» دست یابد؟



# تفاوت‌های مسیحیت با یهودیت



نوشتار زیر فصل هفتم از کتاب «عیسی ناصری مسیح موعود؟» بررسی و تحلیل از مسیحیت با تفسیرهای علماء یهود، مسیحی و پژوهندگان غیرمذهبی می‌باشد که اخیراً انتشار یافته است. مؤلف کتاب دکتر همایون آرام و ناشر شرکت کتاب «لوس آنجلس www.ketab.com می‌باشد.»

«به یک خدا معتقدیم، پدر، قادر مطلق، سازنده آسمان و زمین و هر چه که مرئی است و نامرئی است. به یک خدا، عیسی مسیح معتقدیم. تنها پسر خدا، که به طوری ابدی از پدر زاده شد، خدا از خدا نور از نور، خدای واقعی از خدای واقعی، از او همه چیز به جود آمد، به خاطر ما و به خاطر رستگاری، او از آسمان فرود آمد و از روح القدس و مریم باکره به شکل جسم انسان درآمد. در دوران حکومت پیلات صلیب شد و دفن گردید. روز سوم از مرگ برخاست و به آسمان صعود کرد و سمت راست پدر نشست. او با جلال باز خواهد گشت تا زندگان و مردگان را داوری کند. سلطنت او بی پایان است.»

در شورای دیگری که در شهر قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی تشکیل شد. روح القدس نیز که از خدا و پسر به وجود آمد و اوامر پدر و پسر را اجرا می‌کند به الهیات مسیحی اضافه گردید. بدین گونه اندیشه‌ی تثلیث تکامل یافت. قبل از ظهور عیسی رومیان و یونانیان عقیده داشتند که در رأس خدایان شان سه خدای بزرگ وجود دارد این عقیده منشاء تثلیث می‌باشد و با آن همخوان است. پیروان عیسی برای جلب رومیان و یونانیان به کیش تازه، نهادهایی از مذهب آن‌ها را با یهودیت آمیخته و مسیحیت را پایه‌گذاری و رفته‌رفته به صورتی که امروز می‌شناسیم درآوردند.

علمای مسیحی سه‌گانگی خدا را بدین گونه توصیف می‌کنند:  
آب دارای فرمول  $H_2O$  (H<sub>2</sub>O) می‌باشد و بسته به درجه حرارت محیط می‌تواند به سه شکل مختلف جامد (یخ)، مایع (آب)، یا بخار (گاز) درآید.  
ایمان به شخص عیسی به عنوان خدا و پسر خدا سنگ بنای اعتقادات مسیحی

دکترین تثلیث در مسیحیت و تضاد آن با وحدانیت الهی در کیش یهود به باور مسیحیان یک خدا وجود دارد. ولی این خدا متشکل از سه شخصیت مشخص پدر، پسر و روح القدس می‌باشد. این عقیده رکن اساسی الهیات مسیحی است و به دکترین تثلیث (Trinity) یا سه‌گانگی موسوم می‌باشد. بنابراین نظریه عیسی پسر مریم که یهودی زاده شد هم خدا (پدر) و هم پسر و هم روح القدس می‌باشد:

خدا روح القدس (شخص سوم)

پسر (شخص دوم)

پدر (شخص اول)

دکترین تثلیث همواره مورد بحث و اختلاف نظر بین پژوهندگان و نیز مردم عادی بوده است. از تثلیث در انجیل‌ها نام برده نشده. پیروان عیسی پس از مرگ او این اندیشه را ترویج کردند.

در شورای کلیسا که در سال ۳۲۵ میلادی توسط کنستانتین امپراتور روم در شهر Nicea (ترکیه فعلی)، تشکیل شده بود نظریه خدا بودن عیسی با ۲۱۸ رای موافق و دو رای مخالف به تصویب رسید و پسر با پدر برابر اعلام گردید. کنستانتین در سال ۳۱۲ میلادی به مسیحیت گروید و کنترل امپراتور روم را در اختیار گرفت. وی مسیحیت را وسیله‌ای برای متحد کردن اتباع امپراتوری به کار برد و موفق به حل اختلافات و شکاف در گروه‌های مختلف مسیحی که دارای عقاید متفاوت و انجیل‌های متعدد بودند، گردید. قطعنامه‌ی Nicea بدین شرح است:



است.

کاتولیک‌ها مریم را به مادر خدا ملقب کرده‌اند. «پسر خدا» در انجیل‌ها به کرات ذکر شده و مرتبه ماوراء طبیعی عیسی و الوهیت و پرستش او را توجیه می‌کند. در انجیل یوحنا عیسی خود را خدا و با او یکسان می‌داند و کمتر از پدر (خدا) نمی‌باشد:

«من و پدرم خدا یکی هستیم» (یوحنا ۱۰:۳۰).

«همگان همان حرمتی را که به پدر می‌گذارند باید به پسر بگذارند» (یوحنا ۵:۲۳).

«پسر خدا بودن عیسی در انجیل‌های دیگر نیز ذکر گردیده» (مرقس ۳:۱۱ و مرقس ۹:۷)

عیسی در گفتگو با پیشوایان یهود گفت: «به یقین به شما می‌گویم قبل از این که حتی ابراهیم به این دنیا بیاید، من وجود داشتم» (یوحنا ۸:۵۸). وی با این گفته مدعی گردید که ابدی می‌باشد.

وقتی عیسی مدعی گردید که با خدا یکی است، او را متهم به کفرگویی کردند و می‌خواستند او را سنگسار کنند سران قوم به او گفتند تو یک انسان هستی ولی ادعای خدایی می‌کنی؟ (یوحنا ۱۰:۳۱-۳۳).

«سران قوم که دیگر طاقت شنیدن سخنان او را نداشتند سنگ برداشتند تا او را بکشند. ولی عیسی از کنار ایشان گذشت و از خانه خدا بیرون رفت و از نظرها پنهان شد» (یوحنا ۸:۵۹).

علمای مسیحی برای توجیه نظریه تثلیث به چند آیه زیر در کتاب مقدسه یهود استناد می‌کنند:

«خدا گفت انسان را شبیه خود بسازیم» (پیدایش ۱:۲۶).

(استناد به واژه «بسازیم» که فعل جمع می‌باشد).

«خداوند گفت آدم مانند ما شده است و نیکی و بدی را می‌شناسد» (پیدایش ۳:۲۲).

(استناد به واژه «ما» که فعل جمع می‌باشد).

«یهوه به ادونای گفت: در سمت راست من بنشین و من دشمنان ترا به زیر پاهایت خواهم افکند» (مزامیر داوود ۱۱۰:۱).

یهوه و ادونای (آقای من)، نام‌های خداوند در تورات می‌باشند.

«... و اکنون خداوند مرا با روح خود نزد شما فرستاده است» (اشعیا ۴۸:۱۶).

یکتاپرستی مقدس‌ترین اعتقاد و پایه و اساس ایمان در کیش یهود است. ادعای حلول خداوند در جسم عیسی و الوهیت او مهم‌ترین اختلافات مسیحیت با یهودیت می‌باشد، و با وحدانیت خداوند منافات دارد. در کیش یهود کسی به جز خدا پرستش نمی‌شود، خدا جسم نیست، وجود ناشناخته و نامرئی است و به وهم و تصور و عقل انسان نمی‌آید:

«ولی آیا ممکن است که خدا واقعاً روی زمین ساکن شود؟ ای خداوند حتی آسمان‌ها گنجایش ترا ندارند، چه رسد به این خانه‌ای که من ساخته‌ام» (اول پادشاهان ۸:۲۷).

خداوند به خلاف مخلوقات و مصنوعات او که دائماً «دستخوش تغییر می‌باشند و وجودی ثابت، تغییرناپذیر، ابدی، بی‌همتا، قادر مطلق و لایتناهی است. رامابم عالم یهود در اثر خود «اصول سیزده گفته ایمان» خداوند را توصیف کرده و تأکید می‌کند هر کس خدا را به صورت جسم بداند یا بپرستد کافر است» (هیلخوت تشوا ۷:۳).

این عقیده مسیحی که عیسی هم خدا و هم انسان بود با یکدیگر متناقض است. بنا بر انجیل مرقس عیسی دارای خصائل انسانی بود. وی در بیابان چهل روز تنها ماند و در این مدت شیطان او را وسوسه می‌کرد (مرقس ۱۳-۱۲: ۱). عیسی در این دنیا زیست، مانند یک انسان عادی از مادر متولد گردید، پرورش یافت و یک انسان بالغ گردید و سپس درگذشت. اگر او زجر کشید خدا نبود. و اگر او خدا بود نمی‌باید زجر می‌کشید و نمی‌بایست به صلیب کشیده می‌شد.

یگانگی پروردگار «کرارا» در کتب مقدسه یهود تأکید شده است.

فرمان دوم از ده فرمان موسی: «ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد» (خروج ۲۰:۳).

«ولی هوشیار باشید که دل‌هایتان از خداوند برنگردد تا خدایان دیگر را بپرستید» (تثنیه ۱۶:۱۱).

«ای اسرائیل، ای قوم برگزیده‌ی من گوش کنید! تنها من خدا هستم. من اول و آخر هستم» (اشعیا ۴۸:۱۲).

## بخش دوم

### تورات و عهد جدید

برداشت مسیحیان از تورات با معتقدات یهودیت متفاوت می‌باشد. مسیحیان کتب مقدسه یهود را عهد عتیق نامگذاری کرده‌اند و به این سبب آن را پذیرفته‌اند که به عقیده‌ی آن‌ها همه (پیشگویی‌های مسیحایی در این کتاب اشاره به عیسی است. کتاب مقدس مسیحیان (Bible) شامل عهد عتیق و کتب عهد جدید می‌باشد.

به باور مسیحیان، عهدجدید تعبیر تورات و مکمل آن بوده و دارای اهمیت بیشتری است.

در شورای اباء کلیسا در سال ۴۹ میلادی در اورشلیم، پاول (Paul) مروج مسیحیت نظریه خود را درباره‌ی ابطال فرامین یهود ارائه کرد. سبب آن بود که قانون ختنه نوزاد پسر و خودداری از خوردن گوشت خوک دو نکته منفی برای گرایش به مسیحیت به شمار می‌رفت. پس از مباحثات فراوان، یعقوب، برادر عیسی که پیشوای کلیسای اورشلیم بود با نظریات او موافقت کرد. بدین گونه از آن پس مسیحیان ملزم به رعایت احکام تورات در مورد ختنه، تقدیس روز شنبه و غذاهای ممنوعه و طهارت خانواده (خودداری از رابطه جنسی با همسر در دوران قاعدگی و تا یک هفته پس از قاعدگی) نگردیدند.

پیروان عیسی این باور را پذیرفتند که از این پس تورات نمی‌تواند رهایی‌بخش انسان‌ها باشد، زیرا اجرای بسیاری از فرامین آن مشکل است. از این پس تنها ایمان به عیسی انسان را از آتش جهنم رهایی خواهد بخشید. برای یهودیان تورات نخستین و آخرین کلام الهی است. خداوند توسط خادم خود، اسرائیل، عدالت، زهد و تقوا را به همه‌ی افراد بشر اهداء کرده است.

## بخش سوم

### اندیشه گناه اولیه در مسیحیت

عدم اطاعت آدم و حوا از فرمان الهی در بهشت به گناه اولیه (Original Sin) موسوم می‌باشد و از مبانی اصلی مسیحیت می‌باشد. این گناه به تمام نسل‌های بشر منتقل گردید و تا فرا رسیدن سلطنت الهی با پر جا خواهد بود: «زیرا که همه مرتکب گناه شده‌اند و از جلال الهی محروم» (رومیان ۳:۲۳).

بنا بر این نظریه، جسم انسان منشاء و جایگاه گناه است و این خصلت در وجود هر انسان از لحظه‌ای که از رحم مادر خارج می‌شود وجود دارد. این خصلت به قدری قوی و در ذات انسان عجیب شده که هیچ‌کس نمی‌تواند به خودی خود از آن رهایی یابد مگر با ایمان به عیسی.

گناه اولیه سقوط انسان‌ها نیز نامیده شده است. پس از ارتکاب به گناه اولیه دنیا برای همیشه تغییر یافت و به فساد و تباهی سوق داده شد. بشر دچار پلیدی، جنگ، استعمار و تروریسم گردید.

گناه اولیه رابطه بین انسان‌ها را مختل و به پیوند انسان با پروردگار نیز پایان بخشید.

مسیحیت راه دیگری برای رهایی از گناه اولیه و رسیدن به رستگاری نمی‌شناسد به جز ایمان به عیسی و اعتقاد به این که او جان خود را برای جبران گناهان انسان‌ها از دست داد.

به باور علمای مسیحی جسم گناهکار انسان با روان او در ستیز است و اندیشه‌ی گناه اولیه از نظریه یهودی آزادی انتخاب و اندیشه و پاکی ذاتی روح

«رستگاری در دیگری نیست. زیرا نام دیگری در زیر آسمان و در بین انسان‌ها نیست که به وسیله او نجات یابیم» (اعمال رسولان ۴:۱۲). در آئین یهود ایمان به خداوند و انجام اعمال نیک از معتقدات اساسی می‌باشد. ولی ایمان به تنهایی کافی نیست. آن چه اهمیت دارد اندیشه، گفتار و کردار فرد است. انسان‌ها را باید با رفتارشان داوری کرد.

در هیچ کجای تورات ذکر نگردیده که ایمان به مسیح موعود، پسر داوود موجب رستگاری می‌شود. تورات راه رسیدن به رستگاری را به عهده‌ی شخص گذاشته و به انسان آزادی انتخاب و عقیده داده است. دادن اعانه و توبه موجب می‌گردد که خداوند گناهان انسان را عفو نماید.

### بخش پنجم

#### محبت، جنگ و صلح

محبت بدون قید و شرط شعار مسیحیت می‌باشد. در یک گردهم آرای از یک کشیش مسیحی پرسیدند اگر شما در سال ۱۹۳۳ فرصت داشتید هیتلر را به قتل می‌رساندید؟ وی پاسخ داد نه. او را دوست می‌داشتیم. یک ربای یهودی که حضور داشت در جواب گفت: با مسرت مغز او را با گلوله متلاشی می‌کردیم. در روزنامه‌ی نیویورک تایمز شماره فوریه ۱۹۶۷ از کشیشی موسوم به Muste چنین نقل قول گردیده: «اگر نتوانم هیتلر را دوست داشته باشم، نخواهم توانست هیچ‌کس را دوست بدارم».

به باور مسیحیان با ظهور عیسی فقط یک قانون حکمفرما است و آن محبت است. آیات زیر در تأیید این ایده می‌باشد:

«ولی به شما می‌گویم دشمنان خود را دوست بدارید. آن‌هایی که شما را لعنت می‌کنند برکت کنید و به آن‌هایی که از شما تنفر دارند خوبی کنید و آن‌هایی را که شما را آزار می‌دهند دعا کنید» (متی ۵:۲۴).

«شنیده‌اید گفته‌اند چشم برای چشم و دندان برای دندان. اما به شما می‌گویم در مقابل شریر مقاومت نکنید. اگر کسی به گونه راست شما سیلی بزند. گونه دیگر را به سوی او برگردانید» (متی ۳۹-۳۸:۵).

پرسش برانگیز است که کدام یک از کشورهای مسیحی از این دستور پیروی کرده و آن را اجراء کرده است؟

مسیحیان اولیه به پیروی از آموزه‌های عیسی قتل را به هر گونه و به هر علت ممنوع می‌دانستند و به طور مثال کشتن سرباز دشمن و اعدام یک محکوم به قتل عمد. عیسی این نظریه را که مسیح ناجی فردی مبارز و قدرتمند خواهد بود رد کرده بود. وقتی عیسی را دستگیری می‌کردند، پطرس شمشیر خود را برای دفاع از او کشید. عیسی به او گفت شمشیر خود را غلاف کن زیرا آن‌هایی که شمشیر به کار می‌برند با شمشیر هلاک خواهند شد. ترتولیان (Tertullian) عالم بنام مسیحی گفت: مسیحیان باید از این گفته عیسی پیروی نمایند. در مذهب ما بهتر است کشته شویم تا دیگری را بکشیم. ولی به تدریج در عالم مسیحیت عقاید مختلف این نظریه بروز کرد. مسیحیان این واقعیت را پذیرفتند که جنگ از واقعیت‌های زندگی انسان است.

آتاناسیوس مقدس (Athanasius) در سال ۳۵۰ میلادی در اسکندریه گفت کشتن یک گناه است ولی برای یک سرباز، کشتن دشمن مجاز و قابل ستایش است. به گفته اگوستین مقدس (Augustine) این عقیده که جنگ همیشه خطا است نادرست می‌باشد و جنگ ممکن است عادلانه یا غیرعادلانه باشد. در قرون وسطی علمای مسیحی وظیفه دفاع از شهرهای خود را به عهده داشتند. پیش از آن یک عالم مسیحی نمی‌توانست سرباز یا قاضی باشد. پاپ جولوس دوم (۱۵۰۳-۱۵۱۳) دو بار فرماندهی لشکران را در حمله به شهرهای شمالی ایتالیا به عهده داشت. جنگ‌های صلیبی و لشکرکشی مسیحیان اروپا برای تسخیر اورشلیم نمونه‌ی دیگری از تغییر سیاست مسیحیان بود.

در دوران حکومت ناپلئون همه مردها از جمله کشیش‌ها موظف به خدمت در ارتش بودند.

همه انسان‌ها برتر است. یهودیت این عقیده را که جسم منشاء و جایگاه گناه است رد می‌کند. ولی منکر وجود گناه نیست. تورات پذیرا است که وسوسه و تمایل به ارتکاب گناه در نهاد هر انسان وجود دارد.

خداوند خصلت نیکی و همچنین خصلت پلیدی را در سرشت انسان خلق کرد. انسان می‌تواند بر خصلت پلیدی تسلط یابد برخلاف اعتقاد مسیحی که انگیزه‌ی گناه بر انسان مسلط است.

خداوند خطاب به قائن که برادر را به قتل رساند چنین می‌گوید: «اگر درست عمل می‌کردی آیا مقبول نمی‌شدی؟ اما چون نکردی گناه در کمین توست و می‌خواهد بر تو مسلط شود ولی تو بر آن چیره شو» (پیدایش ۴:۷).

باید دانست که بدون آزادی و ارتکاب به گناه، آزادی کردار نیک نمی‌تواند وجود داشته باشد.

انسان باید تمایل به گناه، وسوسه و خصلت پلیدی را مهار کند: «شخص باید همیشه پدیده نیکی را بر پدیده‌ی پلیدی غالب کند» (رساله تلمودی براخوت 5a).

بنابر اعتقاد یهودیت جسم و روح با یکدیگر هماهنگ هستند. انسان پاک و بی‌آلایش خلق گردیده و در زمان تولد از گناه مبری است:

«خدای من روانی که به من دادی پاک است» (رساله تلمود براخوت 60b). «این امید را باید دانست که انسان هنگام مرگ نیز به همان گونه پاک باشد» (تلمود یروشلمی، براخوت 4b).

سعدی شاعر گرانمایه این نظریه را بدین گونه بیان کرده است: چو پاک آفریدت بهی باش و پاک که ننگست ناپاک رفتن به خاک

بنابر اعتقاد یهودیت آزادی انتخاب و عقیده موهبتی الهی است که به همه‌ی افراد بشر داده شده و در تورات به ثبت رسیده است: «... آسمان و زمین را امروز شاهد می‌گیرم که در مقابل تو زندگی و مرگ، برکت و نفرین قرار می‌دهم. بنابراین زندگی را برگزین تا تو و فرزندان تو حیات یابند» (تثنیه ۱۹-۱۵: ۳۰). در این آیه آزادی انتخاب بین نیکی و پلیدی داده شده است. بدین سبب است که تورات شامل فرامین و نیز ممنوعیت‌ها و پاداش و مجازات می‌باشد.

آیه‌های دیگر کتب مقدسه یهود نیز در تایید آزادی انتخاب می‌باشد: «هر کس بخواهد خود را آلوده کند، همه درها به روی او باز است و هر کس که بخواهد خود را پاک نماید این چنین کند» (رساله تلمودی شبات 104a).

«انسان در طریقی که خواسته‌ی او است گام برمی‌دارد» (رساله تلمودی مکوت 10b).

«همه چیز پیشگویی شده است، ولی آزادی تصمیم اهداء شده است. دنیا به نیکی داوری می‌شود به اعمال انسان بستگی دارد» (اندروز پدران ۳:۱۵).

خلاصه کلام: خداوند چگونگی رفتار انسان را تعیین نمی‌کند تا انسان بتواند بین خوبی و بدی نیکی را برگزیند.

### بخش چهارم

#### ایمان

مسیحیت و یهودیت در مورد ایمان اختلافی فاحش دارند. ایمان به عیسی یکی از اعتقادات اصلی مسیحیان می‌باشد. به باور مسیحیان خداوند هیچ‌کس را بدون ایمان به عیسی که به خاطر گناهان انسان‌ها قربانی شد عفو نمی‌کند. به عبارت دیگر وحدت با خدا تنها با ایمان به عیسی که پسر خداست میسر است «تنها با ایمان به او و از طریق رنج‌های او می‌توان از آتش جهنم رهایی یافت و به رستگاری رسید. نه با اعمال نیک یا نیکوکار بودن:

«عیسی به او گفت راه حقیقت من هستم. هیچ‌کس نمی‌تواند به خدا برسد مگر به وسیله‌ی من» (یوحنا ۱۴:۶).





# شان صداقتی

**SHAWN SEDAGHATI**

**مشاور آگاه و صدیق شما در  
ایدن مموریال پارک**



آن هنگام که همسر و فرزندان ما در اندوه از دست دادن ما هستند،  
**چه غم انگیز است برای آن ها جستجوی آرامگاهی برای ما**  
بهتر نیست که ما در زمان حیات خود برای آرامش خاطر آنان از هم اکنون  
چاره جوئی کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و قیمتی ارزانتر و حتی  
با شرایط اقساط بدون بهره آرامگاهی برای خود قبلاً خریداری کنیم؟  
برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق و علاقه ما به عزیزانمان است

## **(818) 326-4040**

Eden Memorial Park, Mission Hills, CA

Pierce brothers valley oaks, Westlake Village, CA

Pierce brothers Westwood Village, Westwood, CA

Pacific view memorial park, Orange County, CA

\* بدون اعلام قبلی می تواند تغییر کند



# اندر باب اینتلیجنس سرویس و دربار

نوشته : حسین لی



علم سرفه‌ای کرد و قدیمی پیش گذاشت.  
- اعلیحضرتا، جسارتاً منظورم اعلیحضرت ملکه انگلیس هستند، ما حتی در دفتر کارشان هم سیستم شنود کار گذاشته‌ایم.  
- خب، ایشان چرا از ما گله دارند؟  
- راستش شاید از روی حسادت باشد که این حرف‌ها را می‌زنند.  
- کدام حرف‌ها؟  
- او به یکی از دولتمردان انگلیسی گفته است: پادشاه ایران دارد از قدرتش سوء استفاده می‌کند.  
اعلیحضرت از فرط عصبانیت سرخ شدند، اما چیزی نگفتند. علم به سخنانش ادامه داد:  
- منظورش این بود که شما آن قدر قدرت دارید که توانسته‌اید انقلاب سفید بکنید، اصلاحات ارضی بکنید و جنگل‌ها را ملی بکنید.  
- خب آن‌ها هم این کارها را بکنند، جنگل‌هایشان را ملی بکنند.  
- جسارتاً قربان، جنگلهای آنها ملی هست و اراضی هم آن قدر کم است که نیازی به اصلاحات ارضی ندارند.  
- خب، چه مرگشان است؟ ملکه‌ای که بی‌عرضه باشد و دولت را بدهد به دست حزب عمله تا هر غلطی خواست بکند، نیتجه‌اش همین می‌شود!  
- قربان همان طور که استحضار دارید، اوضاع اقتصادی انگلیس خیلی خراب است، تاسیسات نفت شمال خیلی خرج روی دستشان گذاشته، شاید آنها انتظار کمک از اعلیحضرت دارند!  
- شاید انتظار دارند برویم آنجا برایشان انقلاب راه بیندازیم، تو که آنها را بهتر از همه می‌شناسی بگو ما چه کمکی می‌توانیم به آنها بکنیم؟  
علم از اینکه توانسته بود فکر اعلیحضرت را مشغول و به هدف خود نزدیک کند، کاملاً راضی به نظر می‌رسید.  
- اعلیحضرتا، بهترین کمک به انگلستان این است که در این شرایط سخت مقادیری از تانک‌های چیفتن را که روی دستشان مانده است خریداری کنیم.  
اعلیحضرت، نگاه عاقل‌اندر سفیهی به علم انداختند و گفتند:  
- ما که این همه تانک چیفتن داریم و تنها از آنها برای مانور نظامی و نمایش

اسدالله علم همین که وارد شد، تا کمر خم شده و دست اعلیحضرت را بوسید و سپس سه قدم عقب رفت و به علامت احترام در مقابل پادشاه ایستاد.  
- غلامی بگو ببینم چه خبر؟  
- غلام خانه‌زاد به شرف عرض اعلیحضرت همایونی می‌رساند که مملکت آباد، رعیت شاد و همگان دعاگو و ثناگوی پادشاه بی‌مثال خویش‌اند.  
اعلیحضرت لبخند ملیحی بر لبانشان نقش بست و فرمودند:  
- تو هم شده‌ای مثل صدراعظم عصایی، حرف‌های شماها کاملاً شبیه هم است. اگر واقعاً خبری نیست و همه شاد و شنگول هستند، پس این همه شکایت‌نامه که هر روز می‌رسد از کجاست؟  
- اعلیحضرتا جسارتاً عرض می‌کنم، هویدا را که معزول بفرمائید همه‌ی شکایت‌ها تمام خواهد شد!  
- غلامی! مثل اینکه عصای صدراعظم بدجوری خار شده رفته توی چشمان تو، با او چه کار داری؟ بگذار بپیش را بکشد...  
لحظاتی سکوت شد اعلیحضرت قدم می‌زند و علم همچنان بر جای خود ایستاده بود.  
- چه خبر؟  
- غلام خانه‌زاد قربان...  
- آیا دستگاه‌های شنود ما در انگلستان نصب شده‌اند یا این که مثل دفعه قبل اشتباهاً به جای انگلستان در کشور دیگری کار گذاشته‌اید؟  
لبخند پیروزی بر لبان علم نقش بست.  
- اعلیحضرتا! این بار طبق برنامه‌ای دقیق عمل شد و در تمامی اماکن حساس انگلیس دستگاه‌های شنود نصب کردیم. حتی در خود اینتلیجنس سرویس...  
اعلیحضرت لحظه‌ای مکث فرمودند و پرسیدند:  
- آیا از این کار نتیجه هم گرفته‌اید؟  
علم با حالتی مردد پاسخ داد:  
- راستش را بخواهید اعلیحضرت کمی از شما مکدر هستند...  
- واقعاً این شهبانو چه انتظاراتی از من دارد؟ فکر می‌کند من هم مثل شوهران معمولی باید برایش دسته گل بخرم و قربان صدقه‌اش بروم...





**سیمای آشنا**

**بر روی شبکه جهانی ماهواره‌ها**

**ایران، اروپا، آمریکا و استرالیا**

**پرویز قریب افشار**

**(800) 605-4050**

**www.GharibAfshar.tv**

سیمای آشنا تهیه و تولید آثار شیوا اینترنشنال که شامل سی دی، ویدئو و دی وی های زویا ثابت می باشد را از سال ۱۹۸۱ بر عهده داشته است.




چهارم آبان استفاده می کنیم، برای چه باید دوباره بخیریم؟ تازه این تانک‌ها دارند قدیمی می شوند.

- قربان، ما می توانیم با یک تیر دو نشان بزنیم، از یک طرف از طریق خرید این تانک‌ها به آنها کمک اقتصادی می کنیم، از طرف دیگر ممکن است در آینده همین تانک‌ها را به قیمت گرانتری به موزه‌های نظامی خود آنها و دیگر کشورها بفروشیم.

- نه غلامی! ما نه جنگی در پیش داریم و نه تانک چیفتن می خواهیم.

- اعلیحضرتا کار از محکم کاری عیب نمی کند...

- منظورت را روشن تر بگو؟

- اعلیحضرتا! زبانم لال، زبانم لال، خدای نکرده اگر انقلابی بشود و کشورهای همسایه به ما حمله کنند، تانک خیلی به درد...

- خفه شو، غلامی! من اگر پادشاه عادل نبودم، همین الان دستور می دادم تیربارانت کنند... غلام خانه‌زاد و این همه پررو!

علم با رنگ و روی پریده و باخته و دست‌های لرزان به پای اعلیحضرت افتاد و پوزش خواست، اعلیحضرت دستی بر سر او کشیدند که معنی اش این بود که او را بخشیده اند.

علم که نمی توانست دست‌هایش را نه پیش بگذارد نه پس، پا به پا شد و گفت: اعلیحضرتا جسارت است، اگر اجازه بفرمائید یک دقیقه بروم دست به آب.

اعلیحضرت با اشاره دست موافقت کردند و علم به سرعت برق خارج شد. اعلیحضرت دست در جیب جلیقه مبارک فرو بردند و چشمان‌شان به دور دست دوخته شد، دوباره به خود آمدند بر روی صندلی جلوس و رادیو را روشن فرمودند:

صدای رادیو: «اینجا لندن است. صدای بی.بی.سی. آغاز پخش اخبار. براساس گزارشی که هم‌اکنون از تهران به دست ما رسیده، شاه ایران در بیاناتی کاملاً خصوصی، ملکه انگلیس را به بی‌عرضگی متهم نموده و از حزب کارگر با عنوان حزب عمده یاد کرده است...»

اعلیحضرت که از این خبر جا خورده‌اند. رادیو را سریعاً خاموش می کنند، از جای برمی خیزند و با شک و تردید به پیرامون خود می نگرند، حتی خم شده زیر میزها را نیز بازدید می کنند. در این حال علم وزیر دربار، در حالی که آرام و راحت به نظر می رسد داخل می شود، او از اینکه پادشاه را نگران و رنگ پریده می بینند متعجب می شود.

- اعلیحضرتا! آیا از چیزی نگران اید؟

- تو مطمئن هستی که دستگاه‌های شنود را اشتباهی در کاخ نیوران نصب نکرده‌اید؟

- مطمئنم قربان.

اعلیحضرت دست‌هایشان را به هم می مالند، قدم می زنند و سپس می ایستند و رو به علم می کنند.

- موافقم!

- با چه موافقید اعلیحضرت؟

- با خرید تانک‌های چیفتن.

علم با خوشحالی زایدالوصفی پیش می رود و بر دست‌های ملوکانه بوسه می زند. - برای من مثل روز روشن بود که اعلیحضرت دولت فخیمه‌ی انگلیس را دست تنها نخواهد گذاشت.

- خب! برو زودتر ترتیب کارها را بده.

علم با سرعت به سوی درب خروجی می رود که با شنیدن صدای اعلیحضرت برمی گردد.

- همراه چیفتن‌ها، جیب جنگی هم سفارش بده، منتهی مواظب باش که مثل دفعه‌ی قبل، جیب‌های جنگ جهانی دوم را به ما نفروشند.

**۷ روز نقشه**

**درب و ست وود**

**شرکت کتاب**

**شنبه شب تا شب**

**پذیرای خریداران و دیدارکنندگان است.**

**یکشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۸ شب**

**شنبه تا ۱۰ صبح تا ۱۱ شب**

**هر هفته**

**حراج کتاب - جدول**

**DVD و CD**

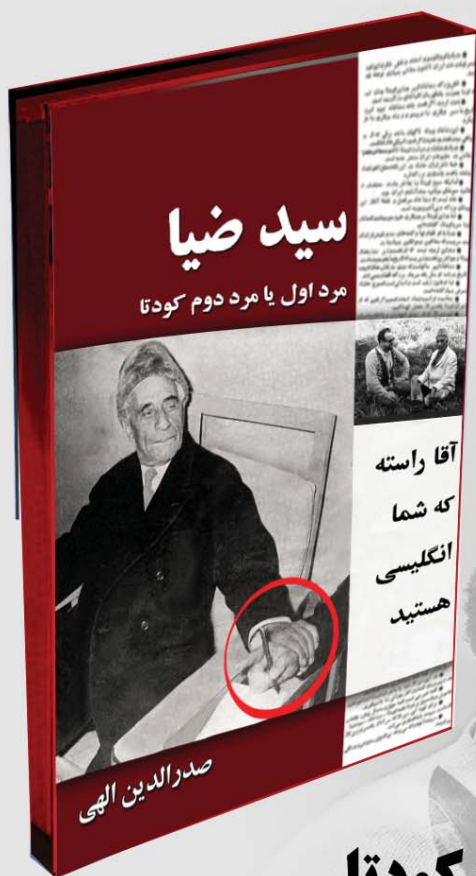


**310-477-7477**

**1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024**



شرکت کتاب منتشر کرد:



# سید ضیا

## مرد اول یا مرد دوم کودتا؟

به قلم:

دکتر صدرالدین الهی

سایه روشن‌های خاکستری‌ترین مرد کودتا

1419 Westwood Blvd  
Los Angeles CA 90024  
310-477-7477  
818-908-0808  
www.ketab.com  
ketab1@ketab.com





# دفتر حقوقی "دکتر روبرت یوسفیان"

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال آمریکا  
از سال ۱۹۹۳



Law Offices Of  
**Robert Yousefian**

CRIMINAL LAW **امور جنائی**

رانندگی در حال مستی  
مواد مخدر ، دعاوی خانوادگی ، سرقت ، حمل اسلحه و ...

AUTO ACCIDENTS

**تصادفات** دریافت بالاترین خسارت در اتومبیل

**زمین خوردگی**

SLIP & FALLS

زمین خوردگی در مجامع عمومی

ثبت شرکتها، قراردادها، دعاوی مالک و مستاجر، LEMON LAW

Tel : 818-848-5297 و سایر امور حقوقی Cell : 818-974-2433

مشاوره اولیه رایگان



## عصر مشروطه

راوی: پرویز کاردان



اگرچه می‌توان انقلاب مشروطه را یکی از نقاط عطف مهم تاریخ ایران برشمرد اما به فاصله کوتاهی از این رخداد، با وقوع دوره استبداد صغیر، به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و تصرف تهران به وسیله انقلابیون و روی کار آمدن آخرین پادشاه قاجار به (احمد شاه) دولت مرکزی رو به زوال می‌گذارد و ایران که در گستره پهناور جغرافیایی خود دچار هرج و مرج شده است، به دلیل ضعف دولت مرکزی شاهد پاگیری دولت‌شهرهای محلی است که هر یک برای خود داعیه دار آرمان‌هایی هستند و طبیعی است که ساز و کار و قوانین ریز و درشت خود را هم دارند. آنچه میراث سال‌های پایانی حکومت قاجار برای رضا شاه است نه فقط مملکتی است که از حیث دولت مقتدر مرکزی قابل اعتنا نیست، بلکه در بسیاری دیگر از امور هم کشوری چندپاره شده و آشوب زده است. این بلبشوی سیاسی را می‌توان در داستان تمبر ایرانی هم دید به گونه‌ای که در خلال چند سال در هر کجای ایران که کسی بر کرسی قدرت دست یافته یکی از اقداماتی که به آن دست یازیده است، انتشار تمبر بوده. اگرچه این تمبرها به دلیل آنکه مورد تایید دولت قانونی ایران نبوده است فاقد اعتبار جهانی است اما در تاریخ تمبر ایران نقش مربوط به خود را داشته اند.



یکسال بعد در ۱۲۹۲ خود محمد علی شاه به کمک روس‌ها به نیت بازپس‌گیری تاج و تخت از مرز شمال شرق وارد ایران شده است و در گرگان تدارک قشون می‌بیند. شایعه بازگشت شاه مخلوع موجب می‌شود که آیت‌الله حائری مازندرانی در ساری اقدام به مهر کردن تمبر احمد شاهی کند که روی آن نوشته بود «از ساری» در حقیقت این کار حمایت از بازگشت شاه مستبد و عدم قبول احمد شاه بود. در شهر کازرون نیز به سال ۱۲۹۵ خورشیدی کمیته ملی کازرون تمبر احمد شاهی را با مهر «ملت کازرون» برای نزدیک به سه ماه مورد استفاده قرار دادند. اما شاید مهمترین تمبر غیر رسمی ایران در آن دوران را بتوان تمبر میرزا کوچک خان در سال ۱۲۹۹ خورشیدی دانست. این تمبر روی آن تصویری از کلاه آهنگر که پرچی سرخ رنگ در دست داشت نقش بسته بود، با رقم ۲ و ۶ و ۹ و ۱۲ و ۲۴ شاهی منتشر شد. مصرف این تمبر تا مدت‌ها در شمال ایران رواج داشت. انتخاب رنگ قرمز برای پرچم روی این تمبر نشانگر تمایلات کمونیستی میرزا کوچک در انقلاب گیلان است و اینکه آنها سری کاملی از تمبر را با قیمت‌های متفاوت منتشر کردند نشان می‌دهد که از آن برای مراسلات نزدیک و دور بهره می‌بردند. در ۱۳۰۳ خورشیدی با رواج شایعه جمهوری شدن حکومت در ایران در نواحی غربی ایران حکام و استانداران مهر «جمهوری طالبان غرب» را بر تمبرهای رایج می‌زدند. اما کمتر از یکسال بعد و از ۹ آبان ۱۳۰۴ خورشیدی رضا شاه مصرف همه این تمبرها را ممنوع اعلام کرده و نخستین سری تمبر دولتی با مهر «علیحضرت رضاشاه» روانه بازار گردید.

آنچنان که در مقدمه گفته شد با شکل‌گیری دوران پر آشوب پس از مشروطه مخالفان دولت مرکزی هر یک برای خود در گوشه‌ای از ایران به انتشار تمبر دست زدند. لازم به ذکر است که این تمبرها روی کاغذ معمولی منتشر شدند و برخی از آنها هم فقط با مهر شدن همراه بوده است. در سال ۱۲۸۷ خورشیدی ستار خان که رهبری دسته‌جات انقلابی آذربایجان را به عهده داشت، تمبری را برای پست داخله آذربایجان منتشر کرد که روی آن و در میان پرچم سه رنگ ایران نوشته «تمبر موقت پست داخله آذربایجان» نقش بسته است این تمبرها در قیمت‌های ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ دینار بود. اما به دلیل سرکوب قیام تبریز هرگز مورد استفاده قرار نگرفت. تبریز ۱۱ سال بعد هم در ۱۲۹۸ خورشیدی شاهد انتشار تمبر دیگری است که آن هم هرگز مورد مصرف قرار نگرفت. شیخ محمد خیابانی در این سال تمبری را با نام تمبر آزادستان برای مراسلات پستی آذربایجان منتشر می‌کند. در سال ۱۲۸۸ نهضت انقلابی سید عبدالحسین مجتهد در لار به انتشار تمبری مبادرت می‌کند که روی آن نوشته «تمبر ملت اسلام» استفاده می‌کند. این تمبر برای مدت کوتاهی در لارستان فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سال ۱۲۹۱ خورشیدی برادر محمدعلی شاه (عبدالفتح میرزا سالارالدوله) که حاکم سنندج است، با عدم پذیرش سلطنت برادر زاده‌اش و در دفاع از شاه مخلوع تمبر منقش به عکس احمد شاه را با مهر محمدعلی شاه مورد مصرف قرار می‌دهد.